



چگونه مسائل جنسی درک باشند راپوشش دهیم

راهنمای آموزشی
ویژه روزنامه نگاران
و رسانه‌های فارسی‌زبان





چگونه مسائل دگرباشان جنسی را پوشش دهیم

راهنمای آموزشی
ویژه روزنامه‌نگاران و رسانه‌های فارسی

کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا (IGLHRC)



تمام حقوق این اثر محفوظ و متعلق به کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا (IGLHRC) است. این اثر مطابق قوانین بین‌المللی به ثبت رسیده است و مانند دیگر مطالب مندرج در تارنمای (IGLHRC)، تکثیر و بازنشر آن توسط نهادهای غیر انتفاعی یا آموزشی به صورت رایگان آزاد است و نیازی به اجازه کتبی نیست. هرگونه ارجاع به این اثر یا بازنشر آن باید با ذکر مأخذ آن همراه باشد.

Copyright © 2015 by IGLHRC.

شماره ثبت بین‌المللی (فیپا):

۱-۸۹۴۲۵۶-۶۱-۲

نوبت نخست انتشار: تابستان ۱۳۹۲ - ۲۰۱۳

نوبت دوم انتشار: زمستان ۱۳۹۳ - ۲۰۱۵



درباره ما

کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر مردان و زنان همجنسگرا (ایگل هرک) یکی از سازمان‌های عمده بین‌المللی است که به نمایندگی از طرف کسانی که زندگی‌شان به‌خاطر گرایش و هویت جنسی یا گفتار و عقاید خود، با تبعیض و سوءاستفاده عجیب شده است، به دفاع از حقوق بشر می‌پردازد. ایگل هرک در سال ۱۹۹۰ تأسیس گردید و یک سال بعد به‌عنوان یک سازمان غیر انتفاعی ثبت شد. این سازمان از سال ۲۰۱۰ تاکنون، از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به‌عنوان عضو مشورتی سازمان ملل مورد رسمیت قرار گرفته است. دفتر مرکزی سازمان، در شهر نیویورک، در ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است و از طریق کارکنان و دفاتر دیگر خود، در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین فعالیت می‌کند. **برنامه خاورمیانه و شمال آفریقای ایگل هرک**، جدیدترین بخش از فعالیت‌های مؤسسه ماست. این برنامه در سال ۱۳۸۸ و با هدف همکاری با اعضای جامعه دگرباش، افرادی که با همجنس‌های خود رابطه دارند، فعالان حقوق دگرباشان جنسی و نیز متحدان آنها در سایر جنبش‌های حقوق بشری و عدالت اجتماعی به وجود آمد. فعالیت‌های ما در این منطقه بسته به شرایط هر کشور، اولویت‌های داخلی و نیز نیازهای فعلی سازمان‌ها و نهادهای همکار متفاوت است.

هدف بخش ایران کمیسیون ایگل هرک مبارزه علیه دگرباش‌هراسی، نهادینه شده در کلیه اشکال حقوقی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن است. ایگل هرک برای تحقق این هدف، با اعضای جامعه دگرباشان جنسی ایرانی، دوستان جامعه دگرباشان و نیز کارشناسان همکاری می‌کند تا با کمک آنها منابعی تولید شود که بتوان از آنها در راه تحقق برابری و عدالت در ایران استفاده کرد. تیم ویژه ایران ایگل هرک از پیشنهادها و انتقادات شما استقبال می‌کند. شما می‌توانید از طریق این ایمیل با ما تماس بگیرید: iran@iglhr.org

ایگل هرک پس از بررسی‌های فراوان، از یکی از بهترین کارشناس خبره و با تجربه برای نگارش کتابچه‌ی راهنمای حاضر، بهره برده است. این جزوه در مراحل متعدد توسط کارشناسان ایگل هرک بررسی شده است.

روش‌شناسی

تیم ایگل هرک تلاش بسیار کرده‌اند تا دقیق‌ترین اطلاعات و تحلیل‌ها را برای خوانندگان خود فراهم کنند. برای نائل شدن به این اهداف، ما با اعضای جامعه دگرباشان جنسی در مراحل مختلف - از جمله در

مرحله توسعه مفهومی، جمع‌آوری اطلاعات، نوشتن، ویرایش و انتشار مطالب - مشورت‌های گسترده‌ای انجام داده‌ایم.

این جزوه توسط تیمی متشکل از مسئول بخش ایران کمیسیون و نیز یک کارشناس طرف قرارداد با ما نگارش گردیده است. متن راهنما توسط سایر کارمندان موسسه و نیز فعالان ایرانی حقوق دگرباشان جنسی که در طول تهیه این جزوه با ما همکاری نمودند، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. روزنامه‌نگارانی که در ماه خرداد ۱۳۹۲ در دوره‌های آموزشی مختلف سازمان ما شرکت نمودند نیز به غنی‌تر شدن مطالب این راهنما کمک کرده‌اند.

قدردانی

از اکثر همکاران این پروژه به دلیل مسائل امنیتی، نمی‌توان نام برد، اما ایگل‌هرک صمیمانه از تکتک ایشان به دلیل سهم خطیرشان در پیشبرد این پروژه سپاسگزاری می‌کند. ایگل‌هرک همچنین از گروهی از فعالین، کارشناسان حقوقی و متخصصین رسانه‌ای که در گردهم‌آیی ایگل‌هرک در دوسلدورف آلمان در مردادماه ۱۳۹۱ حضور به هم رساندند، قدردانی ویژه می‌کند؛ مشارکت آنان در امر برنامه‌ریزی استراتژیک فعالیت‌های ایگل‌هرک در امور ایران، کمک قابل توجهی در مسیر تلاش‌های ما به‌شمار می‌رود.



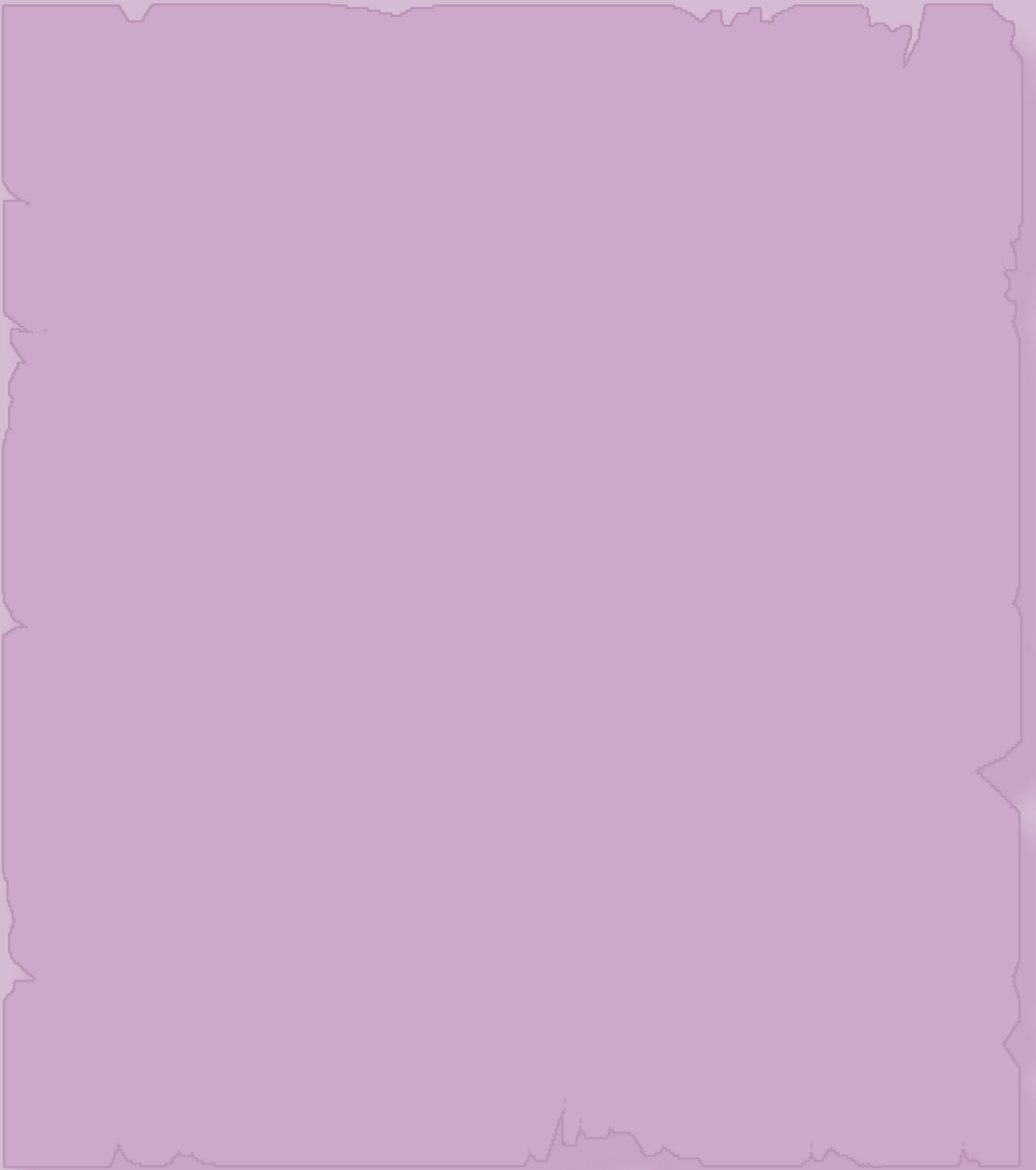
فهرست مندرجات

۱۲	پیش‌گفتار
۱۵	فصل اول: دگرباشان و رسانه‌های جدید
۱۸	فصل دوم: سازمان ملل متحد و حقوق دگرباشان جنسی
۱۸	تاریخچه حمایت‌های سازمان ملل از دگرباشان جنسی
۱۹	حمایت همه‌جانبه سازمان ملل متحد از حقوق دگرباشان جنسی
۲۱	کارزارهای خلاق سازمان ملل متحد در هندوستان
۲۲	لایحه «همجنس‌گراها را بکشید» در اوگاندا و عکس‌العمل سازمان ملل
۲۳	حمایت بان‌کی‌مون از حقوق دگرباشان جنسی
۲۶	فصل سوم: معاهده‌های بین‌المللی، سازمان ملل و حقوق دگرباشان جنسی
	معاهده‌های بین‌المللی که متن آن‌ها به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم از حقوق دگرباشان جنسی
۲۶	حمایت می‌کند
۲۶	میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)
۲۷	کنوانسیون ضد شکنجه، مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی، اهانت‌آمیز (۱۹۸۴)
۲۷	کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) ۱۹۷۹
۲۷	گرایش جنسی: امری خصوصی یا عمومی بر اساس معاهدات بین‌المللی؟
۲۸	ایران، نقض حقوق دگرباشان جنسی و تذکرات سازمان ملل
۲۹	گزارش احمد شهید و دگرباشان جنسی ایران

۳۱	فصل چهارم: مفاهیم نظری در ارتباط با سکسوالیته، جنسیت و گرایش جنسی
۳۱	مسأله هویت محوری
۳۲	آیا همه این واژگان به کار می‌آیند؟
۳۳	خشونت کلامی در روزنامه‌نگاری از منظر اقلیت‌های جنسی
۳۳	زبان عاری از تبعیض در رابطه با دگرباشان جنسی
۳۶	فصل پنجم: مفاهیم نظری
۳۶	سکسوالیته، سکسوالیتی یا سکسیت
۳۷	جنس یا سکس از منظر زیست‌شناسی
۳۸	وراثتی بودن گرایش جنسی. دیدگاه زیست‌شناسی
۳۹	جنسیت یا جنس‌گونه‌گی
۴۰	جنس‌گونه‌گی از منظر نظریه‌های سازنده‌نگر اجتماعی
۴۱	دگرجنس‌گرا محوری
۴۱	واژه کوئیر
۴۲	نظریه فراهنجاری جنسی یا «کوئیر تئوری»
۴۳	معادل‌یابی برای واژه کوئیر در زبان فارسی، دگرباش یا فراهنچار جنسی
۴۴	دگرباش جنسی معادلی برای کوئیر
۴۴	فراهنچار جنسی معادلی برای کوئیر
۴۴	کوئیر برگردان لازم ندارد
۴۵	نقش‌های جنسیتی
۴۵	اجراگری جنسیتی
۴۶	هویت جنسی
۴۷	گرایش جنسی
۴۸	اروتیسم همجنس‌خواهانه یا هومو اروتیسم
۴۹	سکسیسم دگرجنس‌گرا سالار یا سکسیسم دگرجنس‌گرا
۴۹	سکسیسم بهنجار
۵۲	فصل ششم: گوناگونی جنسی و روابط با همجنس در ایران و زبان فارسی
۵۲	سکسیت، جنسیت و جنس‌گونه‌گی دگرباشان جنسی
۵۲	معادل‌یابی فراتاریخی هویت‌های جنسیتی و گرایش جنسی

۵۴	روابط جنسی با همجنس در ایران تاریخی
۵۵	گوناگونی‌های روابط جنسی در گذر تاریخ در ایران
۵۹	فصل هفتم: روابط جنسی با همجنس در ایران معاصر
۵۹	همجنس‌گرایی با روابط جنسی با همجنس تفاوت دارد
۶۰	سیالیت‌گرایی جنسی و هویت جنسی
۶۲	فصل هشتم: واژه‌ها و اصطلاحات مورد نیاز در حوزه جنسیت و گرایش جنسی
۶۲	همجنس‌گرا
۶۲	لژیبین
۶۳	گی
۶۴	دگرجنس‌گرایی
۶۴	دوجنس‌گرایی
۶۴	گرایش دگرباشان جنسی
۶۴	بی‌میلی به سکس یا آسکسوالیته
۶۵	میان‌سکسی، میان‌جنسی یا اینترسکسوالیته
۶۵	واژه هرمافرودیت
۶۶	دگرجنس‌شدگی، تراجنسی، تراسکسیته و یا ترنس‌سکسوالیته
۶۹	فراجنسیتی، تراجنسیتی، دگرجنس‌گونه یا ترنس‌جندر
۷۱	دگرجنس‌پوش یا دگر‌پوش
۷۱	دوگانه‌پوشی
۷۲	درگ کوئین
۷۳	درگ کینگ
۷۴	زن‌امردی، نر‌مادگی یا آندروژنی
۷۶	فصل نهم: زبان کوچه و خیابان
۸۲	فصل دهم: آشکارسازی، همجنس‌گراهراسی و همجنس‌گراستیزی

۸۶	فصل یازدهم: تاریخ درمان همجنس‌گرایی
۸۷	اختلال هویت جنسی دیگر بیماری به‌شمار نمی‌آید
۹۰	فصل دوازدهم: نمادها و تاریخ‌های مهم
۹۰	پرچم رنگین‌کمان
۹۱	مثلث صورتی
۹۱	مثلث سیاه
۹۲	روز جهانی مبارزه با همجنس‌گراستیزی، دوجنس‌گراستیزی و تراجنسیتی‌ستیزی
۹۲	ماه افتخار به گوناگونی‌های گرایش‌های جنسی یا «پراید» معادل لاتین
۹۴	فصل سیزدهم: قانون مجازات اسلامی
۹۵	بندهای فصل دهم قانون مجازات اسلامی: لواط، تفریح و مساحقه
۹۷	فصل چهاردهم: اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در رابطه با دگرباشان جنسی
۱۰۰	فصل پانزدهم: ادیان و دگرباشان جنسی
۱۰۱	مسیحیت
۱۰۱	مسیحیت کاتولیک
۱۰۳	یهودیت
۱۰۳	بودیسم
۱۰۴	هندویسم
۱۰۴	بهاییت
۱۰۴	دین زرتشت
۱۰۴	اسلام
۱۰۵	اسلامی که کنش جنسی با همجنس را نهی نمی‌کند
۱۰۶	الهیات‌دانان سنی و نگاهی متفاوت به گرایش جنسی به همجنس
۱۰۹	الهیات‌دانان شیعه و مسأله گرایش جنسی به همجنس
۱۱۱	امامان همجنس‌گرا





پیش‌گفتار

کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا (ایگل‌هرک) جزوه آموزشی «چگونه مسائل دگرباشان جنسی را پوشش دهیم» را برای استفاده روزنامه‌نگاران و به‌منظور آگاهی‌بخشی در بیان و پوشش مسائل مربوط به دگرباشان جنسی (زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی) و به‌طور کلی‌تر مسائل مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی، تهیه کرده است.

این جزوه آموزشی، در چاپ دوم و در فرآیند کارگاه‌های آموزشی ایگل‌هرک و در تعامل مستقیم با روزنامه‌نگاران و کارشناسان ارتباطات مورد بازبینی و تدوین مجدد قرار گرفته است. کاربرد واژگان فارسی در ارتباط با مسأله گرایش جنسی و رابطه خشونت و زبان موضوعی جدی است و در بازبینی این جزوه آموزشی، از کمک‌های روزنامه‌نگارانی که در جلسات آموزشی ما شرکت کرده‌اند، بهره‌جسته‌ایم.

این جزوه می‌کوشد تا نحوه پوشش غیر تبعیض‌آمیز مسائل مربوط به زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گراها، دوجنسی‌ها، دگرجنس‌پوش‌ها و دگرجنس‌شده‌ها و دیگر هویت‌ها و گرایش‌های جنسی را (با توجه به گوناگونی‌های مختلف این هویت‌ها و گرایش‌ها) به روزنامه‌نگاران معرفی کند. در کنار آن، شهروندان روزنامه‌نگار و شهروندان گزارش‌گر نیز مخاطبان این جزوه هستند.

هدف این جزوه آموزشی، ایجاد ارتباط فکری، زبانی و فرهنگی بین دگرباشان جنسی، کنشگران جنبش‌های اقلیت‌های جنسی در ایران و کارشناسان حوزه جنسیت و جنس‌گونی با بخش‌های دبیری رسانه‌های فارسی‌زبان، روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و شهروندان روزنامه‌نگار است.

این جزوه آموزشی، علاوه بر تعریف اصطلاحات مورد نیاز در حوزه گفتمان‌های مرتبط با دگرباشی جنسی، توضیحات آموزشی اجمالی‌ای نیز در خصوص شیوه استفاده از مفاهیم مرتبط با جنسیت، جنس‌گونی، گرایش جنسی، جنبه‌های مختلف از رابطه همجنس‌خواهانه، مسأله زنانگی و مردانگی، دوجنسی بودن و تراجنسی بودن ارائه می‌دهد.

ایگل هرک بر این باور است که رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران در ایجاد آگاهی و فرهنگ‌سازی، نقشی کلیدی دارند. این جزوه آموزشی ابتدا روزنامه‌نگاران را با فعالیت‌های جهانی، به‌ویژه فعالیت‌های سازمان ملل متحد، در احقاق حقوق بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی آشنا می‌کند. آشنایی با قوانین بین‌المللی کمک به کسب آگاهی نسبت به وضعیت جهانی حقوق دگرباشان جنسی، در مقایسه با وضعیت دگرباشان جنسی در داخل ایران می‌کند. در کنار آن مسأله رسانه‌های جدید و کمک این رسانه‌ها به پوشش مسائل دگرباشان جنسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در حوزه زبان، مسأله جنسیت و گرایش جنسی، مفاهیم و واژگان فارسی که در توضیح گرایش جنسی و هویت جنسیتی قرار می‌گیرند، به صورت اجمالی توسط خود دگرباشان جنسی در وبلاگ‌ها، تارنماها و شبکه‌های اجتماعی به‌طور روزانه در معرض دید روزنامه‌نگاران قرار می‌گیرند.

هر چند روش‌های اتخاذ شده توسط رسانه‌های فارسی‌زبان برای بیان مسائل دگرباشان جنسی، مطرح کردن موضوعات مربوط به گرایش جنسی و بحث‌های نظری در حوزه مطالعات جنسیت و جنس‌گونی، همیشه به لحاظ نظری و سیاسی «صحیح» نبوده است و در برخی موارد، نیازمند آگاهی و آموزشی بیشتر بوده است. پیش آمده است که در تولیدات محتوایی رسانه‌های فارسی‌زبان، استفاده از اصطلاحات، اسامی، صفت‌ها و عبارات تبعیض‌آمیز، جنسیت‌زده و کنایه‌آمیز، موجبات توهین و خشونت مستقیم و غیر مستقیم به دگرباشان جنسی شده است. این جزوه آموزشی بر اساس قطعنامه‌ها و قوانین حقوق بشری سازمان ملل متحد تنظیم شده است. عبارت‌ها، اسامی، صفت‌ها و اصطلاح‌های فارسی موجود در آن، بر اساس توافق جمعی موجود در فرهنگ واژگان دگرباشان فارسی‌زبان و مسائل نظری آن، با پشتیبانی فکری کارشناسان مطالعات جنسیت، جنس‌گونی و فرهنگ‌جاری جنسی نوشته شده‌اند.

با توجه به این که هم‌اکنون رسانه‌های فارسی‌زبان مستقر در کشورهای غربی، در خصوص اطلاع‌رسانی مسائل دگرباشان ایرانی اقدام کرده‌اند، مهم است که سردبیران، نویسندگان و روزنامه‌نگاران ایرانی نیز نسبت به قوانین و هنجارهای پوشش رسانه‌ای مسائل مربوط به گرایش جنسی، در چهارچوب اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در کشورهای غربی، آگاه باشند. این آگاهی به رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران کمک می‌کند تا از خطر پیگرد قانونی به دلیل عدم رعایت قوانین ضد تبعیض‌های جنسی، نقض حقوق بشر، تهمت و افتراء پیشگیری کنند. ایگل هرک از کارشناسان رسانه، ارتباطات و روزنامه‌نگاری، که در تدوین و بهینه کردن این جزوه آموزشی در طول دوره کارگاه‌های آموزشی مرتبط با این کتابچه همکاری داشتند نهایت تشکر را دارد. بدون نظرات شما، بازنگری مجدد این جزوه آموزشی با کیفیت کنونی امکان‌پذیر نبود.





دگرباشان جنسی و رسانه‌های جدید

رسانه‌های جدید یا آن‌چه اغلب به‌عنوان رسانه‌های مجازی نیز خوانده می‌شوند، دسترسی به محتوا را در هر زمان، هر کجا، بر روی هر دستگاه دیجیتال مانند رایانه‌ها، تلفن‌های هوشمند و تبلت‌ها ممکن کرده‌اند. این رسانه‌ها، به گروه‌های اقلیت از جمله اقلیت‌های جنسی و جنسیتی کمک کرده‌اند تا خارج از چهارچوب‌های قدرت‌های کلاسیک رسانه‌های سنتی مانند رادیو و تلویزیون‌های مرتبط با حکومت‌ها یا سازمان‌های رسانه‌ای بزرگ، مسائل مربوط به خود را مطرح کنند. همچنین این رسانه‌ها، کاربرد تعاملی داشته‌اند و توانسته‌اند با تعامل جدی‌تر با مخاطب محتوا، فرهنگ‌سازی کنند.

محتوای مرتبط به دگرباشان جنسی ایرانی، با ظهور رسانه‌های جدید، متراکم‌تر و بیش از پیش در سطوح رسانه‌های سنتی ایرانیان ساکن خارج از کشور مطرح شد. متون وبلاگی و دسترسی دیجیتال کاربران فارسی‌زبان به این متون، برای اولین بار در تاریخ ایران، مسائل مربوط به افراد دگرباش جنسی را در سطحی مجازی اما عمومی، با متون و تصویرها و ویدئوها ممکن ساخت.

مشارکت خلاق کاربران دگرجنس‌گرا با این محتواها، حتی اگر به شکل خشونت بوده است، اما فضای جدید ایجاد کرده است که دیگر وجود دگرباشان جنسی ایرانی در آن کتمان‌شدنی نیست. سردبیران رسانه‌های سنتی‌تر و حرفه‌ای‌تر و همچنین روزنامه‌نگاران این رسانه‌ها هم به این روند تولید محتوایی بی‌توجه نبوده‌اند.^۱

در نبود یک جنبش مطرح و عمومی، رسانه‌های حرفه‌ای‌تر هر یک به سهم خود کوشیده‌اند تا مسائل مربوط به هویت‌های جنسیتی و گرایش‌های جنسی را مطرح کنند، اما یافتن زبان مشترک و همه‌فهم دشوار بوده است. بعد از آن‌که اولین وبلاگ فارسی در ۱۶ شهریور سال ۱۳۸۰ (۷ سپتامبر سال ۲۰۰۱) منتشر شد، تعداد وبلاگ‌هایی

۱. تنها زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی ایرانی نبودند که از انقلاب رسانه‌های جدید برای تولید محتوا در مورد خودشان به‌عنوان فرد و گروه‌های تعلق‌شان استفاده کردند. این روند در مورد تمام اقلیت‌های جنسی و در بیشتر زبان‌های فعال در اینترنت اتفاق افتاد. برای مطالعه بیشتر در این باره در مورد حضور هویت‌ها و گوناگونی‌های مختلف از گرایش جنسی در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی نگاه کنید به:

Pullen, Christopher, and Margaret Cooper. *LGBT Identity and Online New Media*. New York: Routledge, 2010. Print.

که نویسندگانی آن‌ها در مورد مسائل اقلیت‌های جنسی می‌نوشتند، یا به‌طور خاص با هویت‌های همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسی مشغول به نویسندگی بودند، به میزان قابل توجهی افزایش پیدا کرد.

به دلیل مخفی بودن بدن، هویت واقعی و نمودهای فیزیکی هویت، نوشتن در فضای مجازی، هزینه‌ها و خطرات احتمالی بیان مسائل دگرباشان جنسی را کاهش داده بود و باعث شده بود که هر روز مسأله‌ای جدید برای آگاهی‌دهی به مخاطبان دگرباش جنسی یا دگرجنس‌گرا مطرح شود.

«هومان» اولین نشریه فارسی‌زبان متعلق به دگرباشان جنسی بود که در خارج از ایران منتشر می‌شد. اولین شماره «هومان» در آذرماه سال ۱۳۶۹ منتشر شد و پس از ۱۸ شماره، انتشار آن در سال ۱۳۸۰ به پایان رسید. پس از هومان، «ماها» و بعد از آن «چراغ»، فعال‌ترین نشریه دگرباشان جنسی بودند که فقط در فضای مجازی اینترنت به انتشار می‌رسیدند.

وجود این وبلاگ‌ها و نشریات اینترنتی دگرباشان جنسی، انگیزه‌ای برای افزایش حجم اطلاعات در حوزه هویت جنسیتی و گرایش جنسی شد و این انگیزه به‌تدریج فضای رسانه‌های فارسی‌زبان را برای مطرح کردن مسائل همجنس‌گرایان زن و مرد، دوجنس‌گرایان و دگرجنس‌شده‌ها و تراجنسی‌ها بازتر کرد.

امروزه به صورت هفتگی، ما شاهد پوشش خبرها و مسائل مربوط به دگرباشان جنسی، توسط رسانه‌های فارسی‌زبان مستقر در خارج از ایران هستیم. در میان این رسانه‌ها، «راديو زمانه» در تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۱۰ زیر نظر سردبیری فرید حائری‌نژاد اقدام به ایجاد یک صفحه مستقل برای مسائل دگرباشان جنسی با عنوان «صفحه دگرباش» کرد تا به‌طور ویژه در روایت زندگی و تجربه‌های شخصی دگرباشان ایرانی به تولید محتوا بپردازد، این صفحه هم‌چنان فعال است.^۲

کارگاه‌های آموزشی کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا (ایگل‌هرک) در رسانه‌های ایران مستقر در خارج از کشور، کماکان بر مسأله ارتباط روزنامه‌نگاران با افراد دگرباش جنسی، کنشگران و متخصصان این حوزه تأکید داشته است. این کارگاه‌ها از تابستان ۱۳۹۲ (۲۰۱۳ میلادی) تاکنون برای بالا بردن آگاهی و حساسیت جامعه رسانه‌ای ایرانی برگزار می‌شود.

ایگل‌هرک برنامه‌های حمایتی خود از کنشگران دگرباش جنسی را معطوف به ایجاد ارتباط مؤثرتر با رسانه‌های ایرانی خارج از کشور کرده است. کنشگران دگرباش هم در این میان تشویق شده‌اند که از طریق شبکه‌های اجتماعی و تماس مستقیم با رسانه‌های موجود، صدای انتقادی خود را به رسانه‌ها برسانند و به روزنامه‌نگاران کمک کنند تا در پوشش مسائل مرتبط با آن‌ها، به صدای خود دگرباشان جنسی توجه بیشتری کنند.

۲. نگاه کنید به:

<http://www.radiozamaneh.com/category/lgbt>



سازمان ملل متحد و حقوق دگرباشان جنسی

سازمان ملل متحد در چهارچوب اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر معاهدات بین‌المللی، از سال‌های دهه ۱۹۹۰ حق خواهی برای افراد و گروه‌هایی که به‌واسطه گرایش جنسی و هویت جنسیتی خود در خطر بودند، آغاز کرد. در تازه‌ترین کارزارهای سازمان ملل متحد و به‌طور ویژه کارزارهای این سازمان بعد از سال ۲۰۱۳ به استفاده خلاقانه از رسانه‌ها برای فرهنگ‌سازی، توجهی متمایز شده است. در فصل دوم این جزوه آموزشی، ضمن بررسی تاریخچه حمایت سازمان ملل متحد از حقوق دگرباشان جنسی، به فعالیت‌های این سازمان در دو مورد کشورهای تابع شبه‌قاره هندوستان و معضل مبارزه با خشونت‌ها به دگرباشان جنسی اوگاندا به‌عنوان موفق‌ترین کارزارهای این سازمان با همکاری رسانه‌ها نگاه می‌کنیم.

تاریخچه حمایت‌های سازمان ملل از دگرباشان جنسی

آغاز فعالیت برای احقاق حقوق همجنس‌گرایان در سازمان ملل در چهارچوب قوانین و معاهده‌های این سازمان، به سال ۱۹۹۴ برمی‌گردد. نیکلاس تونن (Nicholas Toonen) شهروند جزیره تاسمانی از توابع مشترک‌المنافع استرالیا، از کشور استرالیا به علت نقض حقوق بشر بر اساس تبعیض آشکار علیه گرایش جنسی افراد، به کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد (UNHRC) شکایت کرد. این شکایت منجر به جرم‌زدایی از روابط همجنس‌خواهانه و لغو مجازات لواط شد که از دوران استعمار استرالیا توسط انگلستان در قوانین آن کشور (قانون اساسی سال ۱۷۸۸ کشور استرالیا از توابع بریتانیا) باقی مانده بود.

تونن در شکایت‌نامه خود به کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، به قوانین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) استناد کرد و مدعی شد که طبق بند اول ماده دوم این قانون و همچنین ماده ۲۶ این میثاق بین‌المللی، حقوق مدنی و سیاسی او به‌عنوان یک مرد همجنس‌گرا در کشور تاسمانی نقض شده است. در این زمان، اشاره

به جنسیت در بند اول ماده دوم و همچنین ممانعت از تبعیض در همان بند در کنار ماده ۲۶ که در مورد برابری همه در مقابل قانون است، به مسأله گرایش جنسی نیز تعمیم داده شد.

قوانین ذکر شده توسط نیکلاس تونن، حق داشتن حریم خصوصی، ممانعت از تبعیض بر اساس کنش جنسی، گرایش جنسی، هویت جنسی و برابری افراد مقابل قانون را مورد تأکید قرار می‌دادند و مفاهیم قوانین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به حقوق اقلیت‌های جنسی تعمیم می‌یافت. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد ادعای نیکلاس تونن را پذیرفت و وی را محق یافت و در نتیجه، روابط جنسی با توافق طرفین در میان افراد همجنس قانونی اعلام شد و مجازات لواط در قوانین استرالیا لغو شد.^۳

حمایت همه‌جانبه سازمان ملل متحد از حقوق دگرباشان جنسی

در حال حاضر، روابط جنسی افراد با همجنس خود در ۷۶ کشور جهان ممنوع اعلام شده است. در هشت کشور یمن، ایران، موریتانی، نیجریه، قطر، عربستان سعودی، سومالی و سودان، خطر اعدام در کمین همجنس‌گرایان، به‌ویژه مردان همجنس‌گرا، قرار دارد. قانونی شدن ازدواج و برابری حقوق مدنی زوج‌های همجنس‌گرا در پانزده کشور، با واکنش منفی ۱۰ کشور از جمله روسیه، نیجریه و اوگاندا همراه بوده است. این کشورها قوانین داخلی خود را به‌منظور سخت‌تر کردن فعالیت و زندگی دگرباشان جنسی تغییر داده‌اند. به عنوان مثال با وضع قوانینی که حضور در فضای عمومی همجنس‌گرایان را محدود می‌کنند (در روسیه) یا وضع قوانینی که جرم‌های سنگین‌تری برای روابط جنسی با همجنس تعیین می‌کنند (در اوگاندا). بسیاری از این ۱۰ کشور در سال‌های اخیر یا قوانین همجنس‌گراستیزی خود را شدت بخشیده‌اند یا همجنس‌گرایی را از اساس جرم اعلام کرده‌اند. در حال حاضر سازمان ملل متحد در صف اول مبارزه جهانی با همجنس‌گراستیزی در سطوح دولتی و حکومتی قرار دارد.^۴

حمایت سازمان ملل متحد از حقوق دگرباشان جنسی، از سال ۲۰۰۸ به شکل همه‌جانبه ادامه دارد. در هشتم دسامبر ۲۰۰۸، نمایندگان کشورهای هلند و فرانسه با حمایت اتحادیه اروپا بیانیه‌ای را به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کردند و در آن تصویب قطعنامه‌ای برای حمایت از حقوق اقلیت‌های جنسی و مبارزه با جرم‌انگاری همجنس‌گرایی و همجنس‌گراستیزی، پیشنهاد شد. این بیانیه حمایت ۶۶ کشور در مجمع عمومی سازمان ملل را به دست آورد؛ اما اتحادیه عرب، ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، کلیسای کاتولیک رم (کشور واتیکان) و

۳. برای مطالعه دعوی نیکلاس تونن به زبان خود او نگاه کنید به:

<http://iilj.org/courses/documents/Toonenv.Australia.pdf>

برای تمام اسناد مربوط به پرونده نیکلاس تونن در مقابل استرالیا در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نگاه کنید به:

Higgins, Rosalyn, and Ruth Wedgwood. Human Rights Committee: Human Rights Committee Case Law, Human Rights Committee Members, Toonen v. Australia. N.p.: LLC, 2011. Print.

۴. این رقم، رقم رسمی کشورهایی است که روابط جنسی بین همجنس‌ها را جرم‌انگاری کرده‌اند. با این وجود این رقم شامل کشورهایی که بر اساس قوانین بین‌المللی استقلال کشوری ندارند نمی‌شود. اگر نوار غزه، قسمت تشکیلات خودگردان فلسطین، دو استان از کشور اندونزی و جزیره کوک (کشوری خودمختار که ساکنان آن شهروند نیوزیلند محسوب می‌شوند) را هم حساب می‌کردیم، رقم بالاتر از ۷۶ کشور بود. همچنین در بسیاری از کشورهای آفریقایی، در مناطق مختلف قوانینی متمایز از قوانین رسمی اجرا می‌شوند. برای دیدن نقشه کشورهایی که همجنس‌گرایی را جرم می‌دانند، نگاه کنید به:

«Map: Countries Where Homosexuality Is a Crime.» CBCnews. CBC/Radio Canada, 25 Feb. 2014. Web. 01 May 2014. <<http://www.cbc.ca/news2/interactives/map-same-sex-criminalization/>>.

کشورهای عضو کنفدراسیون اسلامی با آن مخالفت کردند. برخی از این کشورها، با اشاره به مسأله آزار جنسی کودکان، مطرح شدن بیانیه مذکور و اقداماتی این‌چنینی را تأسفاور دانستند.^۵

قطعنامه پیشنهادی هلند و فرانسه با این‌که با مخالفت روبرو شد، توانست مباحث مربوط به محکومیت خشونت، آزار و اذیت، و تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی را در گفتمان حقوق بشر و عزت بشری، طرح کند. اقدام فرانسه و هلند، به‌نوعی شکستن تابوی مطرح شدن مسائل مربوط به حقوق دگرباشان جنسی در سازمان ملل متحد بود.

در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۱، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به درخواست کشور آفریقای جنوبی، قطعنامه‌ای را با عنوان «حقوق بشر، گرایش جنسی و هویت جنسیتی» تصویب کرد که در آن نسبت به موارد نقض حقوق بشر به دلیل گرایش جنسی در سراسر جهان اعتراض شد. در مذاکرات تاریخی و پر تنش هفدهمین جلسه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۱۹ کشور مخالف و ۲۳ کشور موافق تصویب قطعنامه‌ای برای احقاق حقوق دگرباشان، شامل وضعیت شهروندان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی در سراسر جهان بودند. حامیان آن، آفریقای جنوبی، ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، برزیل و دیگر کشورهای آمریکای لاتین، و مخالفان، شامل روسیه، عربستان سعودی، نیجریه و پاکستان بودند.^۶

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد بر اساس این قطعنامه، از کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل درخواست کرد تا گزارشی از جزئیات وضعیت شهروندان همجنس‌گرا در سراسر جهان تهیه کند.^۷ در این گزارش، که در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۱ منتشر شد، حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی که در سراسر جهان کشته می‌شوند، مورد خشونت قرار می‌گیرند، بازداشت می‌شوند یا به دلیل گرایش و هویت جنسی‌شان مورد تبعیض قرار می‌گیرند، بررسی شد. این گزارش، مسأله همجنس‌گراستیزی و تراجنسیت‌هراسی را در مناطق مختلف جهان بررسی کرد و به ثبت رساند که شامل بر دامنه وسیعی از خشونت‌ها مانند کلام تنفرآمیز، ضرب و جرح، آدم‌ربایی، تجاوز، تهدیدات روانی، محرومیت‌های تبعیض‌آمیز، جرم‌انگاری، تنبیه و اعدام دگرباشان جنسی می‌شد. بر طبق این گزارش، ۷۶ کشور جهان همجنس‌گرایی را جرم می‌پندارند و در هشت کشور از جمله ایران، موریتانی، عربستان سعودی، سودان و یمن، انواع خاصی از روابط همجنس‌خواهانه، ممکن است با مجازات اعدام روبه‌رو شوند.^۸

۵. نگاه کنید به:

Macfarquhar, Neil. «In a First, Gay Rights Are Pressed At the U.N.» The New York Times. The New York Times, 19 Dec. 2008. Web. 12 Jan. 2013.

۶. نگاه کنید به: (ادامه پانویس در صفحه بعد)

Wong, Curtis M. «U.N. Gay Rights Protection Resolution Passes, Hailed As «Historic Moment»» The Huffington Post. TheHuffingtonPost.com, 17 June 2011. Web. 12 Jan. 2013.

۷. متن سند:

<http://ilga.org/ilga/static/uploads/files/2011/6/17/RESOLUTION%20L9rev1.pdf>

۸. نگاه کنید به:

«UN Issues First Report on Human Rights of Gay and Lesbian People.» UN News Center. UN, 15 Dec. 2011. Web. 12 Jan. 2013.

هشتم دسامبر ۲۰۰۸، نمایندگان کشورهای هلند و فرانسه با حمایت اتحادیه اروپا بیانیه‌ای را به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کردند و در آن تصویب قطعنامه‌ای برای حمایت از حقوق اقلیت‌های جنسی و مبارزه با جرم‌انگاری همجنس‌گرایی و همجنس‌گراستیزی، پیشنهاد شد.

دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR) یک جزوه آموزشی ۶۰ صفحه‌ای تحت عنوان «آزاد و برابر زاده شده‌ایم» در خصوص گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی در قوانین بین‌المللی حقوق بشر در سال ۲۰۱۲ منتشر کرده است. این جزوه به مجموعه و دامنه تعهدات دولت‌ها بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر برای حمایت از حقوق همجنس‌گرایان زن و مرد، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها می‌پردازد. این جزوه آموزشی بر پنج کشور (از جمله ایران) که نقض حقوق بشر دگرباشان جنسی به‌طور سیستماتیک و مستمر در آن‌ها اتفاق می‌افتد و اقدام دولت برای حفاظت از حقوق دگرباشان، جرم‌زدایی از روابط جنسی با همجنس و نفی همجنس‌گراهراسی ضروری است، تأکید می‌ورزد.^۹

جزوه «آزاد و برابر زاده شده‌ایم» توسط ایگل هرک به زبان فارسی ترجمه شده است و در تارنمای فارسی این سازمان، به صورت رایگان در دسترس همگان قرار دارد.^{۱۰}

کارزارهای خلاق سازمان ملل متحد در هندوستان

مبارزه با همجنس‌گراهراسی، آگاهی‌رسانی در مورد مسائل همجنس‌گرایان و تشویق دولت‌ها و مردم به احترام بیشتر به حقوق همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها (دگرباشان جنسی) از اولویت‌های کاری کارزار «آزاد و برابر» سازمان ملل است. از سال ۲۰۱۳، سازمان ملل متحد برای مبارزه با خشونت‌ها فرهنگی و دولتی معطوف به افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی، فرهنگ‌ها و حکومت‌های دگرباش‌ستیز را به‌طور مستقیم در کارزارهای خلاق رسانه‌ای هدف قرار داده است. به‌طور ویژه دو کارزار حمایت از دگرباشان جنسی هندوستان و اوگاندا، از ویژگی‌های خاص خود برخوردارند که در این جزوه به آن‌ها می‌پردازیم.

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۳، این کارزار برای مطرح کردن مسائل دگرباشان جنسی در شبه قاره هند و جنوب آسیا ویدیویی الهام گرفته از ژانر بالیوود یا آن‌چه در زبان فارسی به ژانر «فیلم هندی» شهرت دارد، ارائه کرد.^{۱۱} دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در سازمان ملل متحد (OHCHR) در نامه‌نگ ویدیویی از موسیقی سبک پاپ استفاده کرد تا با همجنس‌گراستیزی در هند مقابله کند. داستان این ویدیو، روایت مردی جوان است که دوست پسر خود را برای اولین بار به خانواده‌اش در هند معرفی می‌کند.^{۱۲}

ناوی پیلا، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، در راستای آغاز کارزار مبارزه همجنس‌گراستیزی در هند به خبرنگاران گفت: «افراد دگرباش جنسی به لحاظ تاریخی در هند و دیگر کشورها به حاشیه رانده شده‌اند

همچنین برای متن این گزارش که از تاریخ ۱۷ نوامبر ۲۰۱۱ آماده شده بود، نگاه کنید به:

http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/19session/A.HRC.19.41_en.pdf

۹. برای متن این کتابچه نگاه کنید به:

<http://www.ohchr.org/Documents/Publications/BornFreeAndEqualLowRes.pdf>

۱۰. نگاه کنید به پخش جزوه‌های آموزشی تارنمای کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا:

http://iglhrc.org/iran/fa/Fa_Publications_Born_Free_And_Equal

۱۱. برای آشنایی بیشتر با کارزار آزاد و برابر زاده شدم، نگاه کنید به:

«Born Free and Equal» Born Free and Equal. N.p., n.d. Web. 23 Apr. 2014.

۱۲. ویدئو را در این جا ببینید:

<https://www.youtube.com/watch?v=lihVCFamb0>

و در معرض تبعیض و خشونت قرار گرفته‌اند، اما تغییر در راه است.»^{۱۳} بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد نیز در راستای رونمایی از نامه‌نگ «خوش‌آمدگویی» در هندوستان، برای مردم هند و فعالان حقوق دگرباشان جنسی پیامی حمایتی منتشر کرد.^{۱۴}

لایحه «همجنس‌گراها را بکشید» در اوگاندا و عکس‌العمل سازمان ملل

لایحه جنجالی همجنس‌گراستیز در اوگاندا که با عنوان لایحه «همجنس‌گرایان را بکشید» در رسانه‌ها مطرح شد، اعدام همجنس‌گرایان را پیشنهاد می‌داد. در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۳، پارلمان این کشور، لایحه یاد شده را با کاهش مجازات اعدام به حبس ابد و حبس‌های طولانی‌مدت، به تصویب رساند. مفاد این لایحه بالاخره در ۲۴ فوریه با امضای یووری موسوینی، رئیس‌جمهور اوگاندا، قانون رسمی کشور اوگاندا شد و جنبه قانونی پیدا کرد.

ناوی پیلا، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و حقوقدان اهل آفریقای جنوبی، نسبت به تبعیض نهادینه در قانون مجازات همجنس‌گرایی در اوگاندا به جامعه جهانی هشدار داد. او مشخصاً گفت این قانون می‌تواند آزار و اذیت و خشونت نسبت به همجنس‌گرایان را افزایش دهد.^{۱۵}

این لایحه با انتقادات صریح سازمان ملل متحد و بسیاری از کشورهای عضو این سازمان روبرو شد. فشارهای سازمان ملل متحد و کشورهای عضو، مؤثر واقع شد و این قانون در نهایت لغو گشت.^{۱۶} بسیاری از این کشورها تهدید کرده بودند که کمک‌های مالی خود به اوگاندا را در صورت تصویب لایحه «همجنس‌گرایان را بکشید» قطع یا کم خواهند کرد.

فعالان حقوق همجنس‌گرایان در اوگاندا، پس از تصویب این لایحه، به دادگاه عالی اوگاندا بر اساس نقض حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی سازمان ملل، شکایت کردند.^{۱۷} در روز ۹ مرداد (اول اوت) دادگاهی در اوگاندا اعلام کرد که این قانون در مرحله‌ای که لایحه بوده است، بدون انجام سلسله‌مراتب قانونی و از طریق غیر قانونی، به تصویب رسیده و آن را ملغی دانست.^{۱۸} قاضی دادگاه عالی که این لایحه را باطل اعلام کرد، گفت که مفاد این قانون همجنس‌گراستیز، پرسش‌برانگیز است و روند تصویب آن، بر اساس قانون اساسی اوگاندا درست طی نشده است.^{۱۹} همجنس‌گرایی پیش از قانون ابطال شده مجازات همجنس‌گرایی، رفتارهای همجنس‌گرایانه در اوگاندا را بر اساس قانونی که میراث دوران استعمار این کشور توسط انگلستان بود، جرم‌انگاری کرده بود. بر اساس قانون دوران

13. «OHCHR Launches UN's First Ever Bollywood Music Video against Homophobia.» OHCHR Launches UN's First Ever Bollywood Music Video against Homophobia. N.p., n.d. Web. 23 June 2014. <<http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/BollywoodMusicVideoAgainstHomophobia.aspx>>.

14. UN goes 'Bollywood' in latest push to promote LGBT rights, (2014). UN News. [online] Available at: http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=47690#U_kDd_mSwtc [Accessed 20 June. 2014].

۱۵. نگاه کنید به:

Smith, David. «UN's Human Rights Chief Urges Uganda to Scrap Anti-gay Legislation.» The Guardian. Guardian News and Media, 16 Jan. 2010. Web. 01 May 2014. <<http://www.theguardian.com/world/2010/jan/15/un-human-rights-uganda-gay-legislation>>.

۱۶. بیشتر بخوانید در:

«Deadly Intolerance.» The Economist. The Economist Newspaper, 01 Mar. 2014. Web. 01 Apr. 2014. <<http://www.economist.com/news/middle-east-and-africa/21597943-diplomatic-pressure-did-not-stop-absurd-law-deadly-intolerance>>.

17. «Ugandan State Lawyers Seek to Dismiss Legal Bid to Overturn Anti-gay Law.» Ugandan State Lawyers Seek to Dismiss Legal Bid to Overturn Anti-gay Law. N.p., n.d. Web. 01 Sept. 2014. <<http://www.rawstory.com/rs/2014/07/31/ugandan-state-lawyers-seek-to-dismiss-legal-bid-to-overturn-anti-gay-law/>>.

18. «Uganda's Constitutional Court Knocks Down Anti-Homosexuality Law.» ThinkProgress RSS. N.p., n.d. Web. 01 Sept. 2014. <<http://thinkprogress.org/lgbt/2014/08/01/3466598/uganda-court-anti-homosexuality-law/>>.

19. Ibid.

استعمار، روابط با همجنس در مورد مردان یا هر نوع «رابطه جنسی غیر طبیعی»، می‌توانست به ۱۴ سال حبس منجر شود.^{۲۰} همجنس‌گرایی همچنان در اوگاندا غیر قانونی است.

حمایت‌های بان کی مون از حقوق دگرباشان جنسی

بان کی مون، هشتمین دبیر کل سازمان ملل متحد، کار خود را در ۱ ژانویه ۲۰۰۷ رسماً آغاز کرد. بان کی مون بهبود وضعیت حقوق بشر در سراسر جهان را در سرفصل برنامه کاری‌اش قرار داده است؛ در کنار آن، او اولین دبیر کل سازمان ملل متحد است که مسأله حقوق دگرباشان جنسی را نیز در اولویت کاری خود قرار داده است. در ۷ مارس ۲۰۱۲، بان کی مون در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو، برای حمایت از حقوق دگرباشان جنسی سخنرانی کرد و از کشورهای سراسر جهان خواست که روابط جنسی با همجنس را جرم‌زدایی کنند. در این سخنرانی، بان کی مون اعلام کرد که زمان آن رسیده است تا به تبعیض علیه همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و ترانجسیتی‌ها پایان دهیم.

سخنرانی بان کی مون با مخالفت بسیاری از کشورها مواجه شد و در حین سخنرانی او بسیاری از کشورهایی که همجنس‌گرایی را جرم می‌پندارند، جلسه را به نشانه اعتراض ترک کردند.^{۲۱} دبیر کل سازمان ملل متحد، تأکید کرد که مسأله حقوق دگرباشان جنسی در سراسر جهان باید مورد احترام کشورها قرار گیرد.^{۲۲} حمایت‌های بان کی مون از حقوق دگرباشان جنسی در سال ۲۰۱۲ هم ادامه داشت. در ملاقات‌های بان کی مون با نمایندگان کشورهای آفریقایی، مسأله حقوق دگرباشان جنسی همیشه مطرح بوده است.

در روز سه‌شنبه ۱۱ دسامبر، بان کی مون در صحن مجمع عمومی سازمان ملل در مورد حقوق پایمال شده دگرباشان جنسی در سراسر جهان صحبت کرد و گفت: «این واقعیت که ۷۶ کشور در جهان، هنوز همجنس‌گرایی را جرم می‌دانند، یک فضاقت است!»^{۲۳} بان کی مون همجنس‌گراستیزی دنیای معاصر را به تاریخ این قوانین همجنس‌گراستیز در دوران استعمار نسبت داد و گفت: «این ننگ است؛ بی‌عدالتی است که در دنیای مدرن ما، بسیاری از کشورها همچنان مردم را برای عشق به انسانی که همجنس‌شان است، مجرم می‌دانند. در اکثر موارد، این قوانین، حتی قوانین بومی این کشورها هم نیستند. این قوانین میراث دوران قدرت‌های استعماری‌اند؛ این قوانین باید بروند»^{۲۴}

۲۰. برای پیشینه تاریخی جرم‌انگاری رابطه جنسی همجنس‌خواهانه در اوگاندا، نگاه کنید به:

Hollander, Michael. «The Responsibility to Solve: The International Community and Protracted Refugee Situations.» Gay Rights in Uganda: Seeking to Overturn Ugandas Anti-Sodomy Laws. N.p., n.d. Web. 01 Sept. 2014. <<http://www.vjil.org/articles/gay-rights-in-uganda-seeking-to-overturn-uganda-s-anti-sodomy-laws>>.

۲۱. نگاه کنید به:

Huff-Hannon, Joseph. «The Time Has Come: Ban Ki-moon's Historic Speech on LGBT Rights... Remixed! (VIDEO).» The Huffington Post. TheHuffingtonPost.com, 23 Mar. 2012. Web. 12 Jan. 2013.

۲۲. نگاه کنید به:

«Combating Discrimination Based on Sexual Orientation and Gender Identity.» Combating Discrimination Based on Sexual Orientation and Gender Identity. N.p., n.d. Web. 12 Jan. 2013: <<http://www.ohchr.org/EN/Issues/Discrimination/Pages/LGBT.aspx>>.

۲۳. نگاه کنید به:

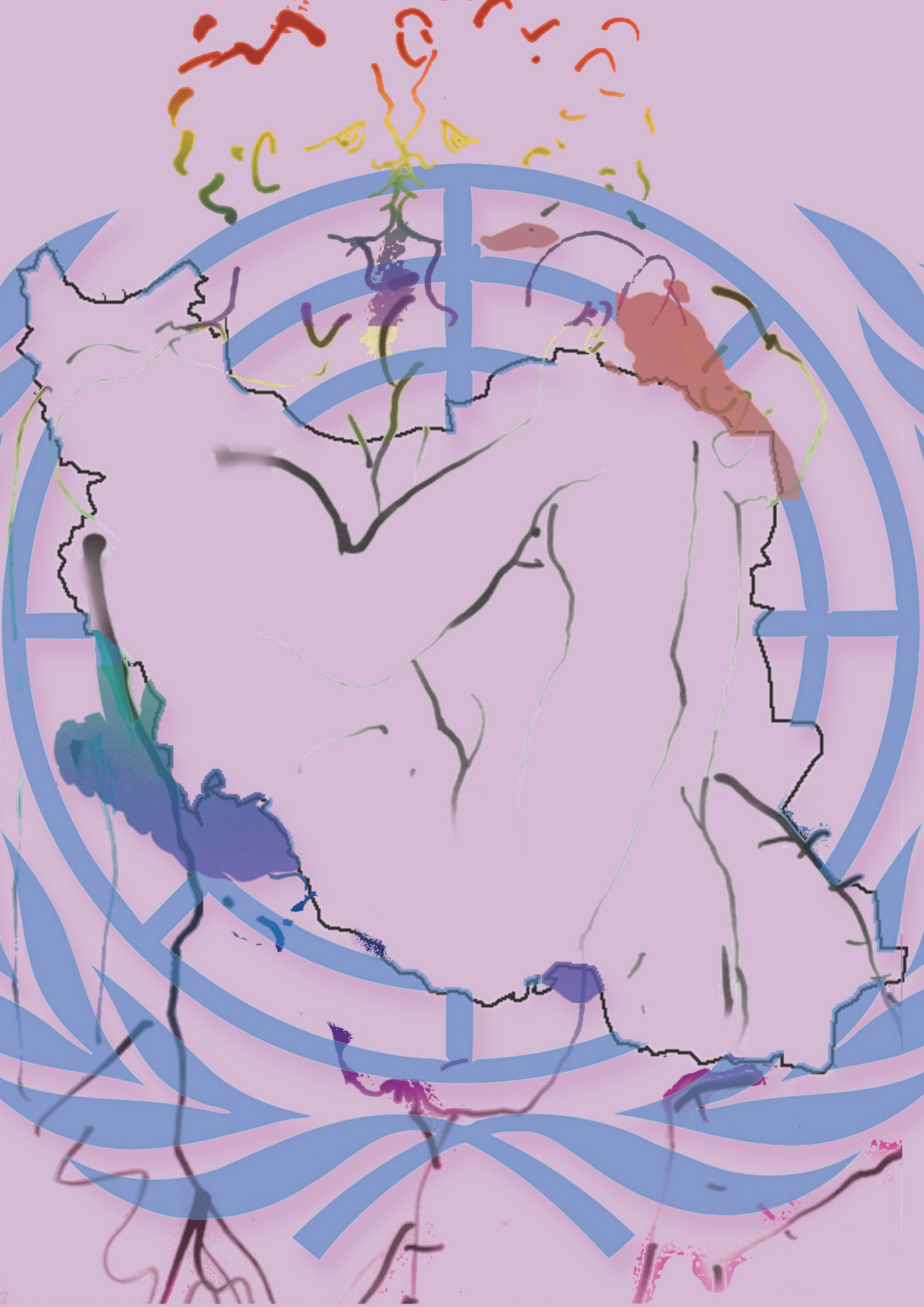
«Ban Calls for End to Violence and Discrimination against Lesbian, Gay, Bisexual and Transgender People.» UN News Center. UN, 12 Nov. 2012. Web. 12 Jan. 2013. <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=43741&Cr=homophobia&Cr1#UPHrOm_Af9k>.

۲۴. همان.

بان کی مون خطاب به تمام رهبران کشورهای عضو سازمان ملل هشدار داد که تکیه بر افکار عمومی همجنس‌گراستیز برای خشونت به کسانی که روابط جنسی با همجنس دارند، پذیرفته نیست. حتی اگر تمامی مردم کشوری نیز با روابط همجنس‌گرایانه مخالف باشند، این دلیل مناسبی برای حمایت از قوانین همجنس‌گراستیز و تراجنسیتی‌ستیز نیست.



بان کی مون: این واقعیت که ۷۶ کشور در جهان، هنوز همجنس‌گرایی را جرم می‌دانند، یک فضاقت است! این ننگ است؛ بی‌عدالتی است که در دنیای مدرن ما، بسیاری از کشورها همچنان مردم را برای عشق به انسانی که همجنس‌شان است، مجرم می‌دانند. در اکثر موارد، این قوانین، حتی قوانین بومی این کشورها هم نیستند. این قوانین میراث دوران قدرت‌های استعماری‌اند؛ این قوانین باید بروند.



معاهده‌های بین‌المللی، سازمان ملل و حقوق دگرباشان جنسی

معاهده‌های بین‌المللی که متن آن‌ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم از حقوق دگرباشان جنسی حمایت می‌کند

در چهارچوب قوانین بین‌المللی، احقاق حقوق دگرباشان جنسی با استفاده از بسیاری از میثاق‌های حقوق بشری بین‌المللی که تعدادی از آن‌ها را هم جمهوری اسلامی ایران امضا کرده است، ممکن شده است. آن دسته از روزنامه‌نگارانی که در حوزه حقوق بشر و حوزه سیاسی تولید محتوا می‌کنند، می‌توانند با استناد به این میثاق‌های بین‌المللی، سیاست‌های دگرباش‌ستیز حکومتی در ایران را مورد نقد و بررسی قرار دهند. از این جهت، آشنایی با این میثاق‌ها و این‌که چگونه خود سازمان ملل متحد از این میثاق‌ها برای مطرح کردن مسأله حقوق دگرباشان جنسی استفاده کرده است، مهم است.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)^{۲۵}

این میثاق در دوران پادشاهی محمدرضا پهلوی، در سال ۱۹۷۵ توسط ایران پذیرفته شد و پس از انقلاب ۱۳۵۷ نیز جمهوری اسلامی ایران تعهدات بین‌المللی این میثاق را پذیرفته است. به‌عنوان یکی از اعضای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ایران موظف است تا به تعهدات بین‌المللی‌اش وفادار بماند. اگرچه ایران، پروتکل الحاقی اختیاری این میثاق را امضا نکرده است و شهروندان ایرانی نمی‌توانند به طور مستقیم علیه جمهوری اسلامی ایران مقابل کمیته حقوق بشر سازمان ملل اقامه دعوی کنند (مانند نیکلاس تونن که علیه استرالیا این کار را کرد)، اما با ارجاع این موارد، این کمیته می‌تواند کشور ایران را برای نقض حقوق بشر مواخذه و محکوم کند.

۲۵. برای متن این میثاق نگاه کنید به تارنمای سازمان ملل متحد:

«International Covenant on Civil and Political Rights - Main Page.» International Covenant on Civil and Political Rights - Main Page. N.p., n.d. Web. 26 Feb. 2013. <<http://untreaty.un.org/cod/avl/ha/iccpr/iccpr.html>>.

قوانین مجازات اسلامی تمامی انواع روابط با همجنس را جرم محسوب کرده است و برای آن‌ها مجازات شلاق و حتی سلب زندگی (اعدام) در نظر گرفته است. این قوانین، نقض میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است و تمامی شهروندان دگرباش جنسی که در ایران زندگی می‌کنند می‌توانند مانند پرونده تونن علیه استرالیا، ایران را در مجامع بین‌المللی برای نقض معاهده‌های بین‌المللی حقوق بشر، تبعیض بر اساس گرایش جنسی اقامه دعوی کنند.

کنوانسیون ضد شکنجه، مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی، اهانت‌آمیز (۱۹۸۴)^{۲۶}

در ماده ۱ یک این پیمان، شکنجه این‌گونه تعریف شده است: «هر عملی که بر اثر آن درد یا رنج شدید اعم از جسمی، روحی یا روانی به صورت عمدی به فردی دیگر به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال شود، شکنجه نام دارد. ایجاد هرگونه درد یا رنج به منظور مجازات فرد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع، برای عملی که او یا شخص ثالث مرتکب شده است و یا احتمال ارتکاب آن می‌رود، شکنجه محسوب می‌شود. همچنین، هنگامی که وارد آوردن این درد و رنج به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مأمور دولت یا هر صاحب منصب دیگری انجام گیرد، شکنجه تلقی می‌شود. درد و رنجی که به‌طور ذاتی یا تبعی مستوجب مجازات قانونی است، شامل (این کنوانسیون) نمی‌شود.» دولت جمهوری اسلامی ایران این کنوانسیون را امضا نکرده است و آن را به رسمیت نمی‌شناسد؛ اما بر اساس مفاد این معاهده، به‌خاطر حدود شلاق و مجازات اعدام در قانون مجازات اسلامی برای مجازات انواع روابط جنسی با همجنس، می‌توان به دولت جمهوری اسلامی ایران فشار بین‌المللی وارد کرد.

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) ۱۹۷۹:۲۷

این معاهده می‌تواند در موارد مرتبط با تبعیض علیه زنان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و یا فراجنسیتی مورد استفاده قرار گیرد. این کنوانسیون نیز توسط جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته نمی‌شود.

گرایش جنسی: امری خصوصی یا عمومی، بر اساس معاهدات بین‌المللی؟

اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر معاهدات بین‌المللی مشخصاً حق داشتن حریم خصوصی را برای افراد تأکید می‌کنند. این قوانین اما به مفهوم آن نیستند که افراد حق ندارند آن‌چه خصوصی فرض می‌شود، به عرصه عمومی کشانده و برای حقوق شخصی خود بر اساس آن فعالیت کنند. یکی از مصادیق همجنس‌گراهراسی، تأکید بر «خصوصی بودن» روابط جنسی افراد است. برخی از مخالفان دگرباشان جنسی، با استناد به همین استدلال و

۲۶. برای متن این کنوانسیون نگاه کنید به تارنمای سازمان ملل متحد:

«Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment - Main Page.» Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment - Main Page. N.p., n.d. Web. 26 Feb. 2013. <<http://untreaty.un.org/cod/avl/ha/catctdtp/catctdtp.html>>.

۲۷. برای متن این کنوانسیون نگاه کنید به تارنمای سازمان ملل متحد:

«Text of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women.» UN News Center. UN, n.d. Web. 26 Feb. 2013. <<http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/cedaw.htm>>.

این که «روابط جنسی با همجنس مسأله‌ای خصوصی است»، آنان را از سخن گفتن در مورد زندگی شخصی، مشکلات و احقاق حقوق خود منع می‌کنند.

بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر «هیچ فردی نمی‌بایست در قلمرو خصوصی، خانواده، محل زندگی یا مکاتبات شخصی، تحت مداخله [و مزاحمت] خودسرانه قرار گیرد». حریم خصوصی افراد محترم است؛ اما هر کسی حق دارد که گرایش جنسی خود را تبدیل به مسأله‌ای عمومی کند، در مورد گرایش جنسی خود آزادی عقیده و بیان داشته باشد، بر اساس این گرایش فعالیت سیاسی و یا اجتماعی کند و گردهمایی و انجمن تشکیل دهد. افراد حق دارند در مورد زندگی و بدنشان تصمیم بگیرند. [اگر چه] گرایش جنسی افراد جزئی از حریم خصوصی افراد است و «نقض حق حفظ حریم خصوصی» برای افرادی که گرایش جنسی، هویت جنسی و یا بیان متفاوتی از هنجارهای غالب دارند، مخالفت با اعلامیه جهانی حقوق بشر، سایر معاهدات بین‌المللی و قوانین مربوط به حریم خصوصی در بیشتر کشورهای جهان به شمار می‌آید، اما افراد در اطلاع‌رسانی در مورد گرایش جنسی خود، روابط جنسی خود و مشکلات ویژه‌شان در حوزه عمومی، آزادند. در حوزه عمومی، مسأله گرایش جنسی افراد مسأله‌ای عمومی و یک تلاش برای احقاق حقوق تمامی دگرباشان جنسی است.

ایران، نقض حقوق دگرباشان جنسی و تذکرات سازمان ملل

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران؛ محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد، دو رئیس‌جمهور سابق ایران؛ آیت‌الله آملی لاریجانی؛ رئیس‌قوه قضاییه؛ سردار محمدرضا نقدی، سرلشکر حسن فیروزآبادی و برخی از دیگر مقام‌های نظامی کشور؛ آیت‌الله درو نجف‌آبادی و آیت‌الله موسوی اردبیلی از چهره‌های برجسته فقه شیعه و محمد جواد لاریجانی از جمله مقامات جمهوری اسلامی هستند که در برابر همجنس‌گرایی موضع گرفته‌اند، برای آن مجازات‌های سنگین خواستار شده‌اند و این گرایش جنسی را به انحرافات فرهنگ غربی نسبت داده‌اند یا آن را بیماری خوانده‌اند یا در کل نفی کرده‌اند.^{۲۸}

یکی از مصادیق همجنس‌گراهراسی، تأکید بر «خصوصی بودن» روابط جنسی افراد است. برخی از مخالفان دگرباشان جنسی، با استناد به همین استدلال و این که «روابط جنسی با همجنس مسأله‌ای خصوصی است»، آنان را از سخن گفتن در مورد زندگی شخصی، مشکلات و احقاق حقوق خود منع می‌کنند.

۲۸. به ترتیب نگاه کنید به

23a: <http://farsnews.com/newstext.php?nn=13921215000568>

23b: <http://www.dadiran.ir/Default.aspx?tabid=2351&articleType=ArticleView&articleId=75605>

23c: <http://www.youtube.com/watch?v=g8L5zUldtZQ>

23d: <http://www.youtube.com/watch?v=XHAL8rkne5I>

23e: <http://www.refworld.org/cgi-bin/texis/vtx/nwmain?page=country&category=&publisher=IRBC&type=COUNTRYREP&coi=IRN&rid=&docid=3ae6a8170&skip=0>

23f: <http://farsnews.com/newstext.php?nn=13930114000426>

23g: <http://isna.ir/fa/news/93011502834/%D8%AE%D8%B1%D8%AF%D9%85%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%B1%D9%88%D9%BE%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B6%D8%B9-%D8%BA%D-B%8C%D8%B1%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86%D8%8C-%D9%88-%D8%B6%D8%AF%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82>

همچنین نگاه کنید به مقاله رامتین شهرزاد:

شهرزاد، رامتین. «حمله‌های همجنس‌گراستیز مقامات حکومتی». رادیو زمانه.

N.p., n.d. Web. 01 June 2014. <<http://www.radiozamaneh.com/150322>>.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در اجلاس ۱۰۳ این نهاد که در تاریخ ۱۷ اکتبر تا ۴ نوامبر ۲۰۱۱ در ژنو برگزار شد، به مسأله نقض حقوق بشر در ایران توجه ویژه کرد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در آن جلسه در مورد نقض حقوق زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها در ایران، ابراز نگرانی کرد و تأکید کرد که جامعه دگرباشان جنسی در ایران، در معرض آزار و اذیت، مجازات‌های بی‌رحمانه و حتی خطر سلب حیات با مجازات اعدام قرار دارند.^{۲۹} این کمیته، تبعیض بر اساس گرایش جنسی را نقض حقوق دگرباشان جنسی خواند و مسأله دسترسی به اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش، مراقبت‌های بهداشتی و همچنین محرومیت اجتماعی در درون جامعه را از جمله مشکلات جامعه دگرباشان جنسی در ایران برشمرد.

این کمیته از دولت جمهوری اسلامی ایران خواست که قوانین تبعیض‌آمیز علیه دگرباشان جنسی را لغو یا اصلاح کند و تأکید کرد که روابط جنسی با توافق طرفین، گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی، باید بدون قید و شرط آزاد باشند. کمیته حقوق بشر در مورد اعمال تنبیه بدنی، شلاق و اعدام برای برخی و اعمال آزارهای جنسی توسط مقامات قضایی و اداری دولت جمهوری اسلامی ایران، تذکر داد.



گزارش احمد شهید و دگرباشان جنسی ایران

در ۱۲ مارس ۲۰۱۲ دکتر احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران، گزارش کامل خود را به شورای

حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنوا ارائه کرد. در این گزارش، مسأله نقض حقوق بشر شهروندان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی نیز مورد بررسی قرار گرفت.^{۳۰}

گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل، نگرانی‌های کمیته حقوق بشر را تکرار کرد و در گزارش خود تأکید کرد که زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی از حقوق اولیه خود محروم هستند. مردانی که در روابط جنسی با توافق طرفین قرار دارند، در ساختار قانون مجازات اسلامی ایران جرمی جنایی مرتکب شده و با مجازات اعدام روبرو می‌شوند. دکتر شهید ضمن ذکر موارد اعدام همجنس‌گرایان در گذشته، تأکید کرد که مقامات جمهوری اسلامی ایران درک درستی از همجنس‌گرایی ندارند و آن را جرم، رفتار غیر اخلاقی و بیماری می‌پندارند. مقامات جمهوری اسلامی ایران از همکاری با دکتر احمد شهید خودداری کرده و به وی اجازه ورود به کشور ایران را ندادند.

۲۹. نگاه کنید به گزارش سازمان حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا در مورد جلسه ۱۰۳ کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد:

Sklar, Roberta, and Hossein Alizadeh. «Attachments:» Advancing LGBT Human Rights in Iran: A Historic Moment. N.p., n.d. Web. 26 Feb. 2013. < <http://www.ighrc.org/cgi-bin/iowa/article/pressroom/pressrelease/1453.html> >.

برای گزارش رسمی خود کمیته حقوق بشر سازمان ملل در خصوص جمهوری اسلامی ایران و نقض حقوق بشر نگاه کنید به:

<http://www.ighrc.org/binary-data/ATTACHMENT/file/000/000/544-1.pdf>

۳۰. برای متن کامل گزارش نگاه کنید به صفحه شخصی دکتر احمد شهید:

Shaheed, Ahmed. «Special Rapporteurs March 2012 Report of the on the Situation of Human Rights in the Islamic Republic of Iran.» Dr. Ahmed Shaheed - N.p., n.d. Web. 26 Feb. 2013. < <http://www.shaheedoniran.org/english/dr-shaheeds-work/latest-reports/3058-report-of-the-special-rapporteur-on-the-situation-of-human-rights-in-the-islamic-republic-of-iran-3-6-2012.html> >.

دگرپاشان جنسی و زبان مورد استفاده





مفاهیم نظری در ارتباط با سکسوالیته، جنسیت و گرایش جنسی

بسیاری از مفاهیمی که در این فصل ارائه می‌شوند، به شکل مداوم در حال بازتعریف شدن هستند و بسیاری از نظریه‌پردازان منتقدانه با جنبه‌های مختلف از این مفاهیم درگیرند. مفاهیم مرتبط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی، مسائلی اجتماعی هستند و در تعامل با دیگری و اجتماع شکل می‌گیرند. از این رو، این مفاهیم همراه با عرف‌های فرهنگی و اجتماعی، در هر جغرافیای زیستی، با تحولات اجتماعی، فرهنگی و زبانی تغییر پیدا می‌کنند. روزنامه‌نگاران، تولیدکنندگان محتوای رسانه‌ها و متخصصان ارتباطات که مایل هستند بیشتر در مورد مسأله گرایش جنسی و هویت جنسیتی و تکثرگرایی در حوزه سکس و جنسیت تولید محتوا کنند، بهتر است که در ارتباط مداوم با کنشگران و اندیشه‌های نظریه‌پردازان این حوزه‌ها باشند. همچنین با توجه به اشراف روزنامه‌نگاران به زبان فارسی، آن‌ها می‌توانند به نظریه‌پردازان کمک شایانی در جهت بومی کردن واژه‌هایی کنند که از زبان‌های دیگر به زبان فارسی آمده‌اند.

مسأله هویت محوری

در بررسی گرایش جنسی و جنسیت افراد، مسأله هویت محوری در میان نظریه‌پردازان حوزه جنسیت و گرایش جنسی محل اختلاف است. برخی بر این باورند که جنسیت و گرایش‌های جنسی آن‌ها، بخشی از هویت آن‌هاست و این هویت محور بودن، نقطه اتکایی برای قدرت بخشی به اقلیت‌های جنسی است. برخی دیگر معتقدند که جنسیت و گرایش جنسی سیالند و نباید با نگاهی هویت محور به آن‌ها نگریست.^{۳۱}

۳۱. نگاه کنید به مقدمه دونالد هال در این کتاب:

Hall, Donald E. The Routledge Queer Studies Reader. London: Routledge, 2013. Print.

بسیاری از اندیشمندان این حوزه، به اهمیت هویت‌محوری این واژه‌ها برای ایجاد جنبش‌های حق‌خواهی و عدالت‌جویی در چهارچوب‌های قانونی، تأکید دارند. بسیاری دیگر نسبت به هویت‌محور شدن مفاهیم و تعاریف مربوط به رفتارهای جنسی افراد، هشدار می‌دهند. گروه دوم بر این باورند که تکیه بر هویت‌ها، موجب حذف افراد و گروه‌های حاشیه‌ای‌تر از اقلیت‌های جنسی خواهد شد. بنابراین وقتی مسأله حوزه سکس، گرایش جنسی و هویت جنسیتی است، جواب‌های ساده وجود ندارند. این پویایی محتوایی برای افرادی که در رسانه‌ها مشغول تولید هستند، به مفهوم حرف‌های بیشتری برای گفتن است.

آن‌چه برای روزنامه‌نگاران حائز اهمیت است، به رسمیت شناخت عاملیت افراد در توضیح «خود» است. اگر مسأله گرایش جنسی و یا جنسیت برای فرد یا گروهی اهمیت هویتی دارد، اخلاق ایجاب می‌کند که این هویت به رسمیت شناخته شود. اگر برای فرد یا گروهی مسأله گرایش جنسی، جنسیت و حتی نوع پوشش جنسیتی اهمیت هویتی ندارد و فرد بر سیالیت این شاخص‌ها تأکید دارد، روزنامه‌نگار بر اساس اخلاق روزنامه‌نگاری موظف است که عاملیت فرد در توضیح خود را به رسمیت بشناسد.

آیا همه این واژگان به کار می‌آیند؟

واژگان و مفاهیمی که در این جزوه مطرح خواهند شد به سه قسمت عمده مفاهیم نظری، واژگان مربوط به فرهنگ دگرباشان جنسی و فرهنگ کوچه و خیابان تقسیم شده‌اند. بسیاری از واژه‌هایی که در حوزه تخصصی مطالعات جنسیت و گرایش جنسی مطرح هستند، ابتدا در زبان‌های غربی مطرح شده‌اند. در خود کشورهای دموکراتیک غربی نیز نسبت به زبان کوچه و خیابان دگرباشان جنسی و زبان مورد استفاده در حوزه پژوهشی و آکادمیک، فاصله و اختلافاتی وجود دارد. حوزه آکادمیک نسبت به دیگری‌سازی‌ها درون خود اجتماعات دگرباشان جنسی حساس بوده است و گاهی حتی روابط گروهی و فردی را در فضای کوچه به نقد کشیده است.

هنوز در کشورهای دموکراتیک غربی نیز بر سر استفاده از کلمات «کوئیر»، «ال‌جی‌بی‌تی»، یا ترکیب «اقلیت جنسی» که اهمیت آن‌ها توضیح داده خواهد شد، اختلاف نظر وجود دارد. آن‌چه برای متخصصان ارتباطات و ژورنالیست‌ها اهمیت دارد، این است که این کلمات پیشنهادی هستند و در گذر زمان، بازتولید می‌شوند و ممکن است شکل‌های متفاوتی از آن‌ها در قالب زبان فارسی ارائه شود.

دگرباشان جنسی ایرانی ممکن است پژوهشگران حوزه جنسیت و گرایش جنسی نباشند. آن‌ها به واسطه درگیری روزمره با مسأله جنسیت، درگیری ذهنی با مسأله گرایش جنسی و هویت جنسیتی دارند. دگرباشان جنسی، لزوماً با تمام مفاهیم نظری و تحلیلی این حوزه آشنا نیستند. زبان کوچه و خیابان، زبان مورد استفاده بیشتر دگرباشان جنسی ایران است و همین زبان برای توضیح و تفکر در حوزه مشکلات ایشان کافی است.

چالش برای روزنامه‌نگاران، پژوهشگران و تولیدکنندگان محصولات فرهنگی، ارتباط‌گیری مناسب با جامعه دگرباشان جنسی ایران است تا به وسیله این ارتباط‌گیری بتوانند در مورد ایشان به تولید محتوا بپردازند. زبان و

فرهنگ کوچه و خیابان در این ارتباط‌گیری به کار می‌آید؛ آشنایی با مفاهیم نظری اما به روزنامه‌نگاران کمک می‌کند تا بتوانند در این حوزه، فکر، محتوای تحلیلی و یا دانش تولید کنند.

خشونت کلامی در میان روزنامه‌نگاری از منظر اقلیت‌های جنسی

اگر نسبت به دگرباشان جنسی شناخت کافی ندارید، احتمال این که در هنگام تولید، محتوایی کلیشه یا تبعیض‌آمیز تولید کنید، وجود دارد. روزنامه‌نگاران اگر چنانچه مایل هستند در مورد اقلیت‌های جنسی و جنسیتی کار کنند، بهتر است خودشان را با مسائل و مشکلات مختص این اقلیت، بیشتر آشنا کنند. مفاهیم این فصل به روزنامه‌نگاران کمک می‌کند تا مشخصاً با مشکلات اقلیت‌های جنسی بیشتر آشنا شوند.

به‌عنوان یک روزنامه‌نگار می‌دانید که خشونت لزوماً همیشه فیزیکی نیست و اثر خشونت قرار نیست حتماً در بدن انسان نمایان شود. خشونت می‌تواند بُعدهای غیر فیزیکی داشته باشد و این را هم قوانین کشورهای دموکراتیک و سازمان ملل به رسمیت می‌شناسند و هم فلسفه اخلاق در روزنامه‌نگاری.

زبان و خشونت در زبان جدا از ساختار قدرت نیست. ابتدا باید بدانید در پوشش محتوایی، چه قدرتهایی با چه منافعی دخیل هستند و نوع انتخاب واژگان در خدمت کدام گروه از این قدرتهاست. وقتی به‌عنوان روزنامه‌نگار مسأله‌ای را پوشش خبری می‌دهید و یا تحلیلی درباره آن می‌نویسید، در رابطه با شبکه‌هایی از قدرت قرار می‌گیرید. این که شما تعلق‌تان به کدامیک از این شبکه‌های قدرت خواهد بود، با حفظ استقلال روزنامه‌نگاری، کلامی که به هر شکلی امنیت شخص یا گروهی را به خطر بیندازد، از مصادیق خشونت است (به آن شخص یا گروه)، به ویژه زمانی که آن شخص یا گروه در حوزه اقلیت باشد.

اگر برای فرد یا گروهی مسأله گرایش جنسی، جنسیت و حتی نوع پوشش جنسیتی اهمیت هویتی ندارد و فرد بر سیالیت این شاخص‌ها تأکید دارد، روزنامه‌نگار بر اساس اخلاق روزنامه‌نگاری موظف است که عاملیت فرد در توضیح خود را به رسمیت بشناسد.

به‌عنوان یک قانون کلی، تولید محتوایی که افراد را به جنسیت، گرایش جنسی، باورهای مذهبی، نژاد، فرهنگ قومی و... تقلیل دهد، توهین‌آمیز یا کلیشه‌ای باشد، می‌تواند از مصادیق خشونت کلامی محسوب شود. تاکنون به این فکر کرده‌اید که بیان چه کلیشه‌های جنسیتی و جنسی‌ای، خشونت به زنان، افراد تراجنسیتی و یا کسانی که رابطه جنسی با همجنس دارند، محسوب می‌شود؟ سکسیزم تبعیض‌آمیز معمولاً افراد را به ماهیت جنسی، «سکسی» جنسیت، روابط جنسی و یا گرایش جنسی آن‌ها تقلیل می‌دهد.

زبان عاری از تبعیض در رابطه با دگرباشان جنسی

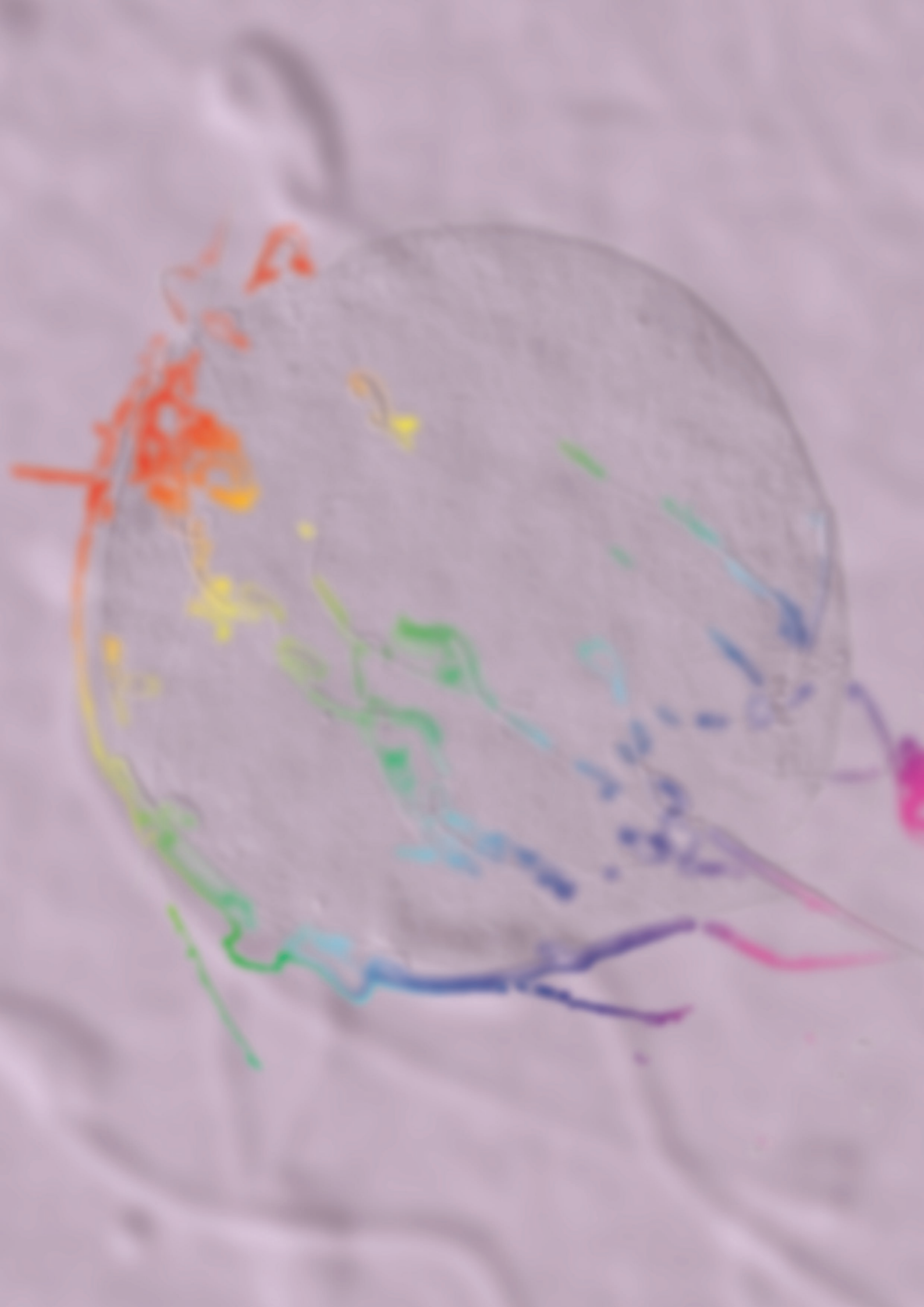
زبان، پتانسیل اجرای ایده‌ها و یا سیاست‌هایی خشونت‌آمیز را در وادی شفاهی دارد. زبان عاری از تبعیض علیه گروه‌های اقلیت بر حسب نژاد، مذهب، قومیت، گرایش جنسی، هویت جنسیتی، سن و معلولیت، محتوای تعصب‌آمیز، تبعیض‌آمیز و همراه با خشونت کلامی تولید نمی‌کند.

زبان صحیح سیاسی، به حساسیت‌های هویتی دگرباشان جنسی اهمیت می‌دهد؛^{۳۲} به‌هیچ‌وجه موجودیت آن‌ها و طبیعی بودن‌شان را زیر سؤال نمی‌برد؛ در مورد آن‌ها اطلاعات کلی صادر نمی‌کند و همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسی‌ها را به کلیشه‌های دگرباش‌ستیز تقلیل نمی‌دهد.

اگر روزنامه‌نگاری مستقل هستیید، در کشوری دموکراتیک زندگی می‌کنید، برای این که ضد دگرباشان جنسی تولید محتوا کنید، فشاری بر شما نیست، سرکوب نمی‌شوید و همچنین خودتان حامی حقوق همجنس‌گرایان هستیید یا لزوماً کنشگر نیستید، اما به حقوق مدنی آن‌ها احترام می‌گذارید، لازم است اخلاق روزنامه‌نگاری را برای یک روزنامه‌نگار دقیق و مترقی که به حقوق مدنی افراد احترام می‌گذارد، رعایت کنید.

۳۲. ترکیب «صحیح سیاسی» در اوایل قرن ۲۰ میلادی توسط سیاستمداران چپ و سوسیالیست برای بیان نگاه «درست» و «حق» به مسائل مشکلات طبقات فرودست استفاده می‌شد. با آغاز دوره سیاست‌های هویت‌محور و مطرح شدن حقوق اقلیت‌ها نه صرفاً بر مبنای اقتصاد سیاسی فقر و بلکه بر اساس هویت‌های افراد و گروه‌ها، زبان صحیح سیاسی در مورد اقلیت‌های قومی، نژادی، مذهبی، جنسی و جنسیتی نیز مطرح شد. هرچند در سال‌های ۱۹۹۰، این واژه توسط سیاستمداران محافظه‌کار در غرب به سخری گرفته شد و اکنون از واژه‌هایی است که در محافل محافظه‌کاران برای مسخره کردن سیاست‌های لیبرال‌ها و سوسیال‌دمکرات‌ها استفاده می‌شود. «صحیح سیاسی» در ادبیات سیاستمداران محافظه‌کار اصطلاح تحقیرآمیز برای هر شیوه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که تلاش می‌کند مسأله گوناگونی فرهنگی و سیاست هویت را مطرح کند. محافظه‌کاران تغییر در زبان را در بسیاری از موارد پذیرفته‌اند، اما همچنان از این تغییرات با عنوان تغییرات «صحیح سیاسی» یاد می‌کنند که این ترکیب را دارای بار معنوی استهزاآمیز کرده است. تلاش جنبش‌های دگرباشان جنسی در کشورهای دموکراتیک برای ساخت زبان عاری از تبعیض که به‌صورت فراگیر استفاده شود و از لحاظ جنسی/جنسیتی خنثی باشد نیز با برچسب «صحیح سیاسی» گاه مورد استهزا قرار می‌گیرد. برای تاریخ اجمالی اجرای قوانین عرفی و زبانی حامی اقلیت‌ها نگاه کنید به مقدمه این کتاب:

Hughes, Geoffrey. Political Correctness: A History of Semantics and Culture. Maldon, MA: Wiley-Blackwell, 2010. Print.





مفاهیم نظری

سکسوالیته، سکسوالیتی یا سکسیٔت (Sexuality)^{۳۳}

سکسوالیته واژه‌ای همه‌شمول است که به مسأله سکس، دانش مربوط به جنس و جنسیت افراد، روابط جنسی و گرایش‌های جنسی مربوط است. سکسیٔت می‌تواند انواع دانش‌های مرتبط با سکس و رابطه جنسی را اعم از روان‌شناسی جنسیت، مطالعات سکس و جنسیت، فلسفه سکس، مطالعات فراهنجاری جنسی در بر گیرد.^{۳۴}

سکسوالیته در فارسی به جنسیت یا سکسیٔت ترجمه شده است. کلمات سکسوالیته و سکسوالیتی (به ترتیب از زبان‌های فرانسه و انگلیسی) در زبان فارسی هر دو کاربرد دارند. واژه سکسیٔت اما برگردانی است که جا نیافتاده است.^{۳۵} سکسوالیته می‌تواند مرتبط با تمایلات جنسی، ترجیح سکسی، کردار سکسی، اُرتیسم، شهوت‌انگیزی، میل و محبت، مفاهیم مربوط به روان‌کاوی جنسی، سلامت جنسی و تولید مثل باشد. سکسوالیته همچنین شامل مفاهیم فرهنگی و اجتماعی‌ای است که در چهارچوب روابط احساسی و فیزیکی انسان‌ها، همراه با انواع کنش‌ها یا خواهش‌های جنسی تعریف می‌شوند.

در چهارچوب علوم اجتماعی و علوم انسانی، سکسوالیته طیف گسترده‌ای از تعاریف، مفاهیم، ایده‌ها، خواسته‌ها، احساس‌ها، عواطف، تجربیات، رفتارها، ممنوعیت‌ها، مدل‌های کرداری، رویاها و حتی توهّمات ذهنی مرتبط با کنش سکس، جنسیت و گرایش‌های جنسی در حالات مختلف، جوامع مختلف و دوران‌های تاریخی مختلف را شامل می‌شود.

۳۳. واژه‌هایی که از زبان‌های لاتین به فارسی وارد شده‌اند، بنا بر زبان میدع و کتب برگردان شده، با تلفظ فرانسه یا انگلیسی خوانده می‌شوند. در حوزه علوم پزشکی و زیستی زبان انگلیسی هژمونی بیشتری دارد. هردو واژه سکسوالیته با تلفظ فرانسه و سکسوالیته با تلفظ انگلیسی در فارسی استفاده شده‌اند.

۳۴. به تمام روزنامه‌نگرانی که علاقه دارند در حوزه سکسوالیته تولید محتوا کنند، کتاب ذیل توصیه می‌شود:

Mottier, Véronique. Sexuality: A Very Short Introduction. Oxford: Oxford UP, 2008. Print.

۳۵. سکسیٔت برگردانی است که پیشنهاد داریوش آشوری است. با این‌که معادل خوبی برای واژه سکسوالیته است، خود واژه فرانسه در فارسی بیشتر جا افتاده است و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سکسوالیته مفهومی پویاست که در چهارچوب‌های تحلیلی مختلف می‌تواند کاربردهای گوناگون، تفسیرهای متعدد و یا حتی متناقض داشته باشد که گاهی حتی منجر به بحث‌ها و اختلافات سیاسی می‌شود. مطالعات سکسوالیته همچنین رشته‌ای دانشگاهی است که به وجوه مختلف مسأله سکس، گرایش جنسی و هویت جنسیتی می‌پردازد.

جنس یا سکس از منظر زیست‌شناسی

جنس یا سکس به مفهوم «سکس بیولوژیک» مجموعه‌ای از اطلاعات ژنتیکی است که از والدین به فرزند می‌رسد. این اطلاعات وراثتی در کروموزوم‌های هر شخص، مجموعه ژنوم (یا همه ژن‌ها) هر فرد را تشکیل می‌دهد. با فعال شدن ژن‌های مربوط به صفات اولیه و ثانویه جنسی، اندام تناسلی، قابلیت تولید مثل، ویژگی‌های هورمونی و فیزیولوژیک و جنسیت هر فرد به عنوان زن، مرد یا جنس سوم که می‌تواند انواع موزاییسم‌های جنسی را شامل باشد، تعیین می‌شود.

تعیین جنس یا سکس به شکل تاریخی آن و از قرن ۱۷ تا اواخر قرن ۱۹ در اروپا تحت پوشش دانش پزشکی و روان پزشکی بوده است. این دانش‌ها به شکل تاریخی جنس افراد را به زن یا مرد تقسیم می‌کردند و هر آلت تناسلی یا هویت جنسی‌ای که با این دوگانه قابل توضیح نبوده است، به عنوان جنس یا سکس خارج هنجار زیستی مشخص می‌شده است.^{۳۶}

به این ترتیب افرادی که دارای صفات اولیه و یا ثانویه جنسی‌ای بوده‌اند که با هر دو جنس زن و مرد تفاوت داشته است، به عنوان هرموپروودیت تقسیم‌بندی می‌شدند و هرموپروودیت بودن نوعی ناهنجاری زیستی محسوب می‌شد. پیشرفت‌های علم پزشکی در قرن بیستم، همراه با جنبش‌های حق‌خواهی ترانجسیتی‌ها توانسته است تا حد زیادی مسأله دوگانه محور بودن جنس یا سکس و محدود بودن آن به دو جنس زن یا مرد را به چالش بکشد. در بخش مربوط به ترانجسیتی‌ها، در مورد این جنبش‌ها و دستاوردهای آن‌ها بیشتر خواهیم گفت.^{۳۷}

سکسوالیته واژه‌ای همه‌شمول است که به مسأله سکس، دانش مربوط به جنس و جنسیت افراد، روابط جنسی و گرایش‌های جنسی مربوط است. سکسیتی می‌تواند انواع دانش‌های مرتبط با سکس و رابطه جنسی را اعم از روان‌شناسی جنسیت، مطالعات سکس و جنسیت، فلسفه سکس، مطالعات فراهنجاری جنسی در بر گیرد.

۳۶. هرکولین باربین (Herculine Barbin) در سال ۱۸۳۸ در کشور فرانسه با جنس رسمی و ثبت شده «زن» به دنیا آمد. رابطه جنسی او با زنی دیگر او را مورد پیگرد قانونی قرار داد و در سال ۱۸۶۰ قاضی حکم داد که جنسیت او باید به «مرد» تغییر پیدا کند و نام او هم تغییر کند. باربین در سال ۱۸۶۸ در زن ۳۱ سالگی خودکشی کرد. قبل از مرگ، او خاطرات خود را از برخورد پزشکان، روان‌پزشکان و بازپرسان و مسئولان دادگاه و همچنین عشق خود به زنی دیگر نوشت. میشل فوکو تاریخ نگار و فیلسف‌دان فرانسوی، خاطرات او در پژوهش‌های آرشیوی‌اش در مورد تاریخ سکس و روند برخورد با هرموپروودیت‌ها در اروپا در میان کتابخانه‌های خاک خورده قدیمی یافت. فوکو در مقدمه‌ای بر خاطرات هرکولین باربین نوشت و توضیح داد که بر خلاف پذیرش جنس سوم، جنسیت‌های مبهم و موزاییسم جنسی در قرون وسطی، در قرن ۱۹ میلادی علوم پزشکی و روان‌پزشکی و به همراه آن نهادهای مذهبی و قانونی، تأکید بر مشخص شدن سکس افراد و تعریف آن بر اساس دوگانه زن و مرد داشته‌اند. بررسی‌های تاریخی میشل فوکو نشان می‌دهد که در طول قرون وسطی، هرموپروودیت‌ها به عنوان افرادی دارای کلاژی از صفات مردانه و زنانه به رسمیت شناخته می‌شدند و هنگامی که به بزرگسالی و بلوغ می‌رسیدند، حق داشتند جنسیت مورد علاقه خود را انتخاب کنند. همزمان با این اندیشه در علوم زیستی که هر فرد دارای یک جنس واقعی است و هر فردی که جنس او زن یا مرد نیست، دچار اختلال است، مشکلات افرادی که جنس سوم داشتند نیست افزون شد. نگاه کنید به مقدمه این کتاب:

Barbin, Herculine. Herculine Barbin: Being the Recently Discovered Memoirs of a Nineteenth-Century French Hermaphrodite. Comp. Michel Foucault. Trans. Richard McDougall. New York: Vintage, 2010. Print.

۳۷. کتاب «جنس‌های غیر قابل رویت: فراتر از دوگانه‌های جنسی» که توسط فلیسیتی هاینز و ترفوم مکنا ویرایش شده است، به مسأله نادیده گرفتن جنس‌هایی به غیر از جنس مرد و جنس زن در گفتمان‌های مختلف اعم از پزشکی، روان‌پزشکی، علوم اجتماعی و

در نگاه مورفولوژیک زیستی به مسأله سکس و جنس، دستگاه تناسلی و اندام‌های بیرونی جنسی مد نظرند. در نگاه فیزیولوژیک غدد و ترشح هورمون‌های جنسی مطرح‌اند و در نگاه ژنتیکی، چیدمان کروموزوم‌های فرد، جنس او را مشخص می‌کند. بیضه‌ها و تخمدان‌ها و آلات تناسلی، نشانه‌هایی‌اند که در بدو تولد، جنس فرد را مشخص می‌کنند. برآمدگی پستان در دوران بلوغ، بزرگ شدن بیضه‌ها، تغییر صدا، رشد موهای بدن از دیگر نشانه‌های مشخص کردن جنس از طریق صفات ثانویه جنسی است.

جنسیت بیولوژیک، مفهومی است که با عوامل وراثتی منتقل شده از طریق ترکیب کروموزوم‌های فرد در روند رشد در رحم مادر مشخص می‌شود. کروموزوم «XX» زن بیولوژیک تولید می‌کند و کروموزوم «XY» مرد بیولوژیک، انواع ترکیب‌های این کروموزوم‌ها، می‌تواند موجب تولد نوزادی میان جنسی باشد. صفات بیولوژیک اولیه و ثانویه نوزادها میان جنسی بنا به ترکیب کروموزومی آن‌ها، متفاوت است.

این عوامل وراثتی، رشد دستگاه تناسلی انسان، غدد جنسی، دستگاه هورمونی، ویژگی‌های جنسی اولیه (آلات تناسلی، بیضه، تخمدان) و صفات ثانویه جنسی (رویش مو بر سینه‌ها، برآمدگی پستان، بزرگ شدن بیضه‌ها دوران بلوغ را تعیین می‌کنند. باین حال تعدادی از افراد با ترکیبی از کروموزوم‌های «XX» و «Y» به وجود می‌آیند که جنس آن‌ها با دوگانه زن و مرد قابل توضیح نیست.

در افرادی که جنس سوم‌اند، میان جنسی‌اند، با ابهام جنسی به دنیا می‌آیند یا جنس آن‌ها ترکیبی از جنس‌های زن و مرد است (افرادی که در زبان فارسی به آن‌ها هرموپروودیت یا دوجنسی می‌گویند)^{۳۸} دستگاه‌های تناسلی داخلی و خارجی، هورمون‌ها و شاخص‌های رشد ثانویه جنسی، منحصرأ محدود به دوگانه زن یا مرد نمی‌شود.

وراثتی بودن گرایش جنسی: دیدگاه زیست‌شناسی

سالانه هزاران مقاله در حوزه وراثت (ژنتیک)، همجنس‌گرایی، گرایش جنسی و یا رابطه همجنس‌خواهانه در جهان منتشر می‌شود.^{۳۹} بیشترین میزان تولید دانش در حوزه گرایش جنسی و هویت جنسیتی در ۳۰ سال گذشته مربوط به دانش پزشکی و علوم زیستی بوده است.

انسانی می‌پردازد. در این کتاب مسأله ژنتیک انسانی به هویت جنسی، هویت جنسیتی، تعیین جنسیت، تفاوت‌های جنسی و نقش‌های جنسیتی پیوند می‌خورد:

Haynes, Felicity, and Tarquam McKenna. Unseen Genders: Beyond the Binaries. New York: Peter Lang, 2001. Print.

۳۸. در فارسی و همچنین در ادبیات پزشکی فارسی به افراد میان‌سکسی، دوجنسی نیز گفته می‌شود و این به دلیل این است که برخی از میان جنسی‌ها، دارای آلت تنسی زنانه و مردانه توأم باهم‌اند، اما این شامل حال همه میان‌جنسی‌ها نمی‌شود. واژه هرماپروودیت به شکل کلاسیک آن در ادبیات علوم پزشکی برای اطلاق به «بیمارانی» که دچار «ابهام تناسلی» هستند استفاده می‌شده است (این واژه هنوز در ادبیات پزشکی به زبان فارسی استفاده می‌شود). به دلیل «انگ‌آمیز» بودن در میان جامعه پزشکی در غرب دیگر کاربرد ندارد. موزاییسم جنسی، واژه‌ای است که در میان نظریه‌پردازان علوم انسانی در حوزه میان‌جنسی‌ها هستند، پیشنهاد شده است.

۳۹. برای اطلاعات بیشتر در مورد تازه‌ترین پژوهش‌های حوزه علوم زیستی در مورد همجنس‌گرایی، کلمات کلیدی مورد نظرتان را در پایم جستجو کنید. پایم (Pubmed) موتور جستجوی و بانک داده‌هاست که منحصرأ اطلاعات مربوط به ژورنال‌های علوم زیستی و پزشکی را در اختیار جهانیان می‌گذارد. این بانک داده‌ها مستقیماً با تمام ژورنال‌های علمی این حوزه رابطه برقرار می‌کند و موتور جستجویی برای یافتن مقالات علمی در اختیار همگان قرار می‌دهد. مرکز ملی اطلاعات زیست‌فناوری، کتابخانه ملی پزشکی در مؤسسه ملی بهداشت ایالات متحده آمریکا، حامیان پروژه پایم هستند. برای افرادی که پژوهشگران حوزه علوم زیستی و پزشکی هستند، پایم صفحه خانه‌شان در اینترنت است و تازه‌ترین دانش تولید شده در این حوزه را در این موتور جستجو می‌یابند. به عنوان مثال نگاه کنید به مجموعه این مقالات:

<http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/?term=homosexuality>

تحقیقات بر روی مسأله وراثتی بودن گرایش جنسی بر روی دوقلوهای همجنس‌گرا آغاز شد.^{۴۰} تحقیقات بر مسأله وراثت به دوقلوهای همسان (از یک نطفه) و دوقلوهای غیرهمسان (از نطفه تقسیم شده) نیز تعمیم پیدا کرد و مسأله وراثتی بودن گرایش جنسی از طریق این پژوهش‌ها بیشتر و بیشتر به «اثبات» رسید.^{۴۱}

از سال‌های دهه ۱۹۵۰ که مسأله وراثتی بودن گرایش جنسی مطرح شده است، تاکنون تحقیقات بسیار گسترده‌ای در زمینه شناختن ماهیت تکاملی، وراثتی، فیزیولوژیک، جمعیت‌شناسی، تحقیقات در حوزه رشد، سیستم عصبی و سیستم هورمونی انسان‌ها و حیواناتی که رابطه با همجنس را ترجیح می‌دهند، صورت گرفته است. بسیاری از محققین ثابت کرده‌اند که ضمن این که نمی‌توان یک ژن خاص را به‌عنوان «ژن همجنس‌گرایی» معرفی کرد، بسیاری از ژن‌های خاص در افراد (یا موجوداتی) که تمایل به رابطه جنسی با همجنس دارند، فعال‌تر است و این نشان می‌دهد که عوامل وراثتی در گرایش جنسی دخیل‌اند.^{۴۲}

مسأله اکتسابی بودن گرایش جنسی، همچنان از سوژه‌های تحقیقاتی عمده در آزمایشگاه‌های علوم پزشکی و ژنتیک است و همه ساله صدها مقاله علمی در این حوزه منتشر می‌شود که بر اساس این مستندات تحقیقاتی مخالفان یا موافقان «طبیعی بودن» همجنس‌گرایی با هم به جدال می‌پردازند.^{۴۳}

جنسیت یا جنس‌گونه‌گی (Gender)

در سال‌های ۱۹۵۰، سکسولوژیست مشهور جان ویلیام مانی برای توضیح این مسأله که سکس بیولوژیک افراد شاخصی است که با هویت جنسی و شخصی آن‌ها، هویت جنسی‌شان در اجتماع و نقش‌های جنسی‌ای که ایفا می‌کنند متفاوت است، واژه «جنسیت» (Gender) را انتخاب کرد. «جنسیت» یک هویت شخصی و یک نقش اجتماعی بود که می‌توانست مرتبط یا بی‌ارتباط به جنس بیولوژیک فرد باشد.^{۴۴} تمایز مفهومی که جان مانی سکسولوژیست برای توضیح بیولوژی جنسیت، مذکر و مؤنث بودن افراد و نقش‌های جنسیتی که ایفا می‌کنند در نظر گرفت. بعدها در سال‌های ۱۹۶۰ توسط نظریه‌پردازان حوزه حقوق زنان مورد استفاده قرار گرفت.

از سال‌های دهه ۱۹۵۰ که مسأله وراثتی بودن گرایش جنسی مطرح شده است، تاکنون تحقیقات بسیار گسترده‌ای در زمینه شناختن ماهیت تکاملی، وراثتی، فیزیولوژیک، جمعیت‌شناسی، تحقیقات در حوزه رشد، سیستم عصبی و سیستم هورمونی انسان‌ها و حیواناتی که رابطه با همجنس را ترجیح می‌دهند، صورت گرفته است.

دگرجنس‌گرا محوری بیانگر خصوصیات، نشانه‌ها و اجراگری‌های رفتاری است که در هنجارهای جوامع دگرجنس‌گرا محور افراد جامعه را عموماً به «ژن» یا «مرد» تقسیم می‌کند. همچنین در جوامع دگرجنس‌گرا محور،

National Center for Biotechnology Information. U.S. National Library of Medicine, n.d. Web. 30 July 2014.

۴۰. برای یکی از اولین مقاله‌هایی که با توجه ویژه به مسأله وراثت به همجنس‌گرایی در دوقلوها توجه کرد نگاه کنید به:

Fodor, N. «Homosexuality of An Identical Twin.» PSYCHOANALYSIS AND THE PSYCHOANALYTIC REVIEW 46.1 (1958): 111.

۴۱. نگاه کنید به پژوهشی که در سال‌های ۱۹۷۰ همجنس‌گرایی خواهران دوقلوی از یک نطفه را بررسی کرد:

Perkins, M W. «Homosexuality in Female Monozygotic Twins.» BEHAVIOR GENETICS, V. 3 (4), 12/1973, p. 387-388.

۴۲. برای اطلاعات بیشتر در مورد تحقیقات زیست‌شناسی در مورد همجنس‌گرایی در انسان‌ها و حیوانات نگاه کنید به:

Poiani, Aldo. Animal Homosexuality: A Biosocial Perspective. New York: Cambridge University Press, 2010.

۴۳. برای نمونه‌ای از مجادله‌های تاریخی بر سر «طبیعی بودن» همجنس‌گرایی نگاه کنید به فصل اول و دوم کتاب:

Homosexuality. San Diego: Greenhaven Press, 2004.

۴۴. جان ویلیام مانی عقاید جنجالی‌ای داشت. برای آشنایی بیشتر با افکار او می‌توانید این مستند را تماشا کنید:

Sex and Money : Dr. John Money on sexual identity />produced by the Humanist League, Amsterdam. New York, NY : Filmmakers Library, 1991.

کنش‌های رفتاری در رابطه با جنسیت به دوگانه «زنانه» یا «مردانه» تقسیم می‌شوند. جنس‌گونگی در تاریخ و در جوامع مختلف محدود به دوگانه «زن» و «مرد» نبوده است؛ در ایران نیز تا اواخر دوران قاجار نیز انواع مفاهیم هویت جنسی و اجراگری‌های جنسی مختلف مانند «مرد» و «مردنما» در جامعه وجود داشته‌اند.^{۴۵}

مفاهیم مربوط به نظریه جنس‌گونگی در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ توسط جنبش‌های فمینیستی و نظریه‌پردازان مطالعات زنان مطرح و به‌طور مفصل تحلیل و بررسی شد. فرآیندی که متفکر فرانسوی سیمون دو بووار (۱۹۰۸-۱۹۸۶) به آن «زن شدن» اطلاق کرد عمیقاً به تمایز بین ابعاد زیست‌شناسی سکس و اجراگری زنانگی و مردانگی در فضای اجتماعی انجامید. به عبارتی ساده‌تر، این نظریه با تأکید کردن به فرآیند اجتماعی ساخته شدن جنسیت و جنس‌گونگی اعلام کرد که زنان زن به‌دنیا نمی‌آیند، بلکه در تعامل با اجتماع، زن می‌شوند.

بر اساس نظریه انتقادی جنس‌گونگی در حالی که جنسیت انسان در چهارچوب بیولوژی و دانش زیستی به سه گونه مرد، زن یا میان‌جنسی (دوجنسی یا جنس سوم) تقسیم‌بندی می‌شود، اجراگری رفتاری و شاخص‌های جنسی افراد توسط هنجارهای حاکم بر دنیای مدرن مدام به دوگانه مشکل‌ساز «زن و مرد» و «زنانه و مردانه» محدود می‌شود. جنسیت افراد در یک فرآیند سیاسی، فرهنگی، اجتماعی مفهومی هویتی می‌یابد و تبدیل به هویت جنسیتی به مفهوم «زن بودن» یا «مردن بودن» می‌شود. دوگانه هویتی «زن بودن» یا «مردن بودن» به روابط انسانی تجویز می‌شود. در نتیجه هژمونی دگرجنس‌گراسالار، رابطه دگرجنس‌گرا نیز بر اساس رابطه یک زن با یک مرد به‌عنوان هنجاری «طبیعی» تحمیل می‌شود. از این رو، زنان، مردان و جنس‌گونگی، نقش‌های جنسیتی و اجراگری‌های جنسیتی آن‌ها، محصول توقعات هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است و افراد در پروسه تعاملی با این هنجارها به نماد زن یا مرد ایده‌آل نزدیک شده یا از آن فاصله می‌گیرند.^{۴۶}

جنس‌گونگی از منظر نظریه‌های سازنده‌نگر اجتماعی (Social Constructionism of Gender)

بر اساس نظریه‌هایی که مبنایی اجتماعی برای به‌وجود آمدن رفتارها و اجراگری‌های جنسی قائل می‌شوند، جنسیت، تفاوت جنسیتی و گرایش جنسی تحت تأثیر و در تعامل با هنجارهای فرهنگی و اجتماعی ساخته می‌شوند. نظریه سازنده‌نگر اجتماعی که بیشتر در علوم انسانی و علوم اجتماعی کاربرد دارد، به وجه تأثیر تربیت، اجتماع، محیط اطراف و هنجارها توجه ویژه دارد. این نظریه نشان می‌دهد که جنسیت و گرایش جنسی افراد جدا از محیط پیرامونی و گفتمان‌های سیاسی، فرهنگی اجتماعی نیست.

۴۵. برای اطلاعات بیشتر در مورد اجراگری‌ها و هنجارهای جنسی ایران قرن ۱۹ میلادی نگاه کنید به کتاب «زنان سیبیلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۲۳۷.

Najmabadi, Afsaneh. Women with Mustaches and Men without Beards Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity. Berkeley: University of California Press, 2005.

۴۶. برای اطلاعات بیشتر در مورد مسأله جنسیت، جنس‌گونگی و زبان، نگاه کنید به کتاب:

Eckert, Penelope. Language and gender. Cambridge New York: Cambridge University Press, 2003.

فصل اول این کتاب را می‌توانید در این پیوند مطالعه کنید:

<http://www.stanford.edu/~eckert/PDF/Chap1.pdf>

به این ترتیب جنسیت بیولوژیک افراد، عوامل تربیتی خانواده و هنجارهای همیشه در حال تغییر فرهنگی و اجتماعی روی اجراگری جنسی و رفتار جنسیتی افراد تأثیر می‌گذارند و «زن» بودن، «مرد» بودن یا «چیزی دیگر» بودن، در تعامل با این هنجارها مفهوم‌هایی «هویتی» پیدا می‌کند.^{۴۷}

دگر جنس گرامحوری (Heteronormativity)

دگر جنس گرامحوری، مجموعه هنجارهای مقبول در جوامعی است که دگر جنس گرایی را به‌عنوان تنها گزینه گرایش جنسی در شیوه زندگی و رفتار جنسی می‌پذیرند. دگر جنس گرامحوری افراد جامعه را به دو جنس زن و مرد تقسیم کرده و معتقد است که این دو جنس متمایز، مکمل نقش‌های جنسی هم و طبیعی‌اند. در این تعریف، زن بودن و مرد بودن و گرایش جنسی این دو به هم، ماهیتی ابدی و ازلی دارند.

مفهوم دگر جنس گرامحوری نخستین بار توسط مایکل وارنر، نظریه‌پرداز حوزه مطالعات جنسیت و جنس‌گونه‌ی مطرح شد و سپس توسط سایر نظریه‌پردازان این حوزه بیشتر مورد بررسی قرار گرفت.^{۴۸} وارنر و دیگران نشان داده‌اند که چگونه هنجارهای حاکم بر جوامع مدرن بر طبیعی شمردن رابطه جنسی بین زن و مرد استوار است. حقانیت آن چه «طبیعی» شمرده می‌شود، بر بازتولید هنجارهای دگر جنس گرامحور و تاریخ باورهای مذهبی، ارزش‌های اخلاقی، گفتمان‌های فلسفی، علم زیست‌شناسی و علم روان‌شناسی استوار است. همه این گفتمان‌ها به‌نوعی در ساختن هنجارهای دگر جنس گرامحور نقش داشته‌اند.

بر اساس نظریه انتقادی جنس‌گونه‌ی در حالی که جنسیت انسان در چهارچوب بیولوژی و دانش زیستی به سه گونه مرد، زن یا میان جنسی (دوجنسی یا جنس سوم) تقسیم‌بندی می‌شود، اجراگری رفتاری و شاخص‌های جنسی افراد توسط هنجارهای حاکم بر دنیای مدرن مدام به دوگانه مشکل‌ساز «زن و مرد» و «زنانه و مردانه» محدود می‌شود.

دگر جنس گرامحوری در فارسی دگر جنس گراسالاری هم ترجمه شده است که این مفهوم را با مفهوم مردسالاری که مورد استفاده گفتمان‌های فمینیستی است و برای توضیح نابرابری سیستماتیک علیه جنسیت زن، پیوند مفهومی می‌دهد.^{۴۹}

واژه کوئیر (Queer)

این واژه در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی در اروپا به مفهوم «چیزی غریب»، «غیر عادی» و «عوضی» به کار برده می‌شده است. در اوایل قرن بیستم، کوئیر به صورت واژه‌ای توهین‌آمیز و فحش به کسانی که گرایش جنسی‌ای غیر از هنجارهای عرفی داشته‌اند استفاده می‌شد. به این ترتیب هر مرد یا زنی که اجراگری جنسی متفاوتی داشته،

۴۷. نگاه کنید به:

Lorber, Judith. *Paradoxes of gender*. City: Yale University Press, 1995.

قسمتی از این کتاب در مورد نظریه سازنده‌نگر اجتماعی و ساخته‌شدن جنسیت و جنس‌گونه‌ی در تعامل با دیگری/اجتماع را می‌توانید این‌جا بخوانید:

http://www.meac.org/Resources/ed_services/SG_WEB/SeeingGender/PDFs/SocialConstructionOfGender.pdf

۴۸. نگاه کنید به:

Michael Warner, «Introduction: Fear of a Queer Planet», *Social Text* 29.9.4 (1991): 3-17.

۴۹. برگردان دگر جنس گراسالاری برای هترونورمیتیوته پیشنهاد حمید پرنیان است.

گرایش به همجنس‌گرایی داشته، لباس جنس مخالف می‌پوشیده و یا هر کاری می‌کرده است که انحراف جنسی محسوب می‌شده، این ناسزاگویی شامل حالش می‌شد.

با این‌که ریشه این واژه محل اختلاف است، برخی آن را به واژه Queer آلمانی که از قرن ۱۵ باب بوده است، نسبت داده‌اند.^{۵۰} اهمیت واژه کوئیر به این دلیل است که در سال‌های ۱۹۷۰ تعدادی از کنش‌گران حقوق اقلیت‌های جنسی و نظریه‌پردازان حوزه جنسیت و گرایش جنسی، بر آن شدند که مفهوم «توهین‌آمیز» این واژه را واژگون کنند و از آن به‌عنوان یک واژه مثبت برای اطلاق به همه کسانی که به نوعی در حاشیه و خارج از هنجارهای غالب جنسی/جنسیتی اجتماعی قرار می‌گیرند، استفاده کنند.

واژگون کردن مفهوم منفی واژه کوئیر به قصد مبارزه با همجنس‌گراهراسی نهان در این واژه انجام شد و به‌نوعی همراه با هویت‌گریزی نیز بوده است. کسانی که این واژه را استفاده می‌کنند، ترجیح می‌دهند به همه افرادی که در حاشیه هنجارهای جنسی و جنسیتی زیست می‌کنند، صرف نظر از گوناگونی‌های جنسیتی و گرایش جنسی و تعلقات هویتی گروه‌ها و افراد اقلیت جنسی، یکسان و به دور از تبعیض‌های هویتی نگاه کنند. حامیان استفاده از واژه کوئیر به‌عنوان یک نماد، بر مبارزه با نابرابری‌های هویت‌محور تأکید می‌کنند. همچنین معتقدند که واژگون کردن مفهوم منفی این واژه نمادی برای مبارزه با همجنس‌گراهراسی در سطح فرهنگ عامه و فضای عمومی است.^{۵۱}

با این حال بر سر استفاده از واژه کوئیر اختلاف نظر وجود دارد. مخالفین استفاده از این واژه معتقدند که یک استهزای تبعیض‌آمیز، همیشه ناسزا باقی می‌ماند و مثبت جلوه دادن آن، نگاه عموم جامعه را به اقلیت‌های جنسی تغییر نمی‌دهد. این گروه ترجیح می‌دهند که با واژه‌های دقیق‌تر و هویت‌گرا از کلمات «گی»، «لزبین»، «ترنسجندر» (ترانجنسیتی)، «بای‌سکسوال» یا «دوجنس‌گرا» استفاده کنند. این هویت‌ها به نظر این گروه اهمیت دارند و گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی را تعریف می‌کنند. در پاسخ، حامیان واژه کوئیر می‌گویند هویت‌گرایی و مرزبندی هویتی، محدودکننده است. امکان وجود گرایش‌های جنسی از «نوع دیگر» باید همیشه وجود داشته باشد و این مرزها سیال فرض شوند.

اهمیت واژه کوئیر به این دلیل است که در سال‌های ۱۹۷۰ تعدادی از کنش‌گران حقوق اقلیت‌های جنسی و نظریه‌پردازان حوزه جنسیت و گرایش جنسی، بر آن شدند که مفهوم «توهین‌آمیز» این واژه را واژگون کنند و از آن به‌عنوان یک واژه مثبت برای اطلاق به همه کسانی که به نوعی در حاشیه و خارج از هنجارهای غالب جنسی/جنسیتی اجتماعی قرار می‌گیرند، استفاده کنند.

نظریه فراهنجاری جنسی یا «کوئیر تئوری» (Queer Theory)

«نظریه کوئیر» یا «نظریه فراهنجاری جنسی» در اوایل سال‌های ۹۰ توسط نظریه‌پردازان مطالعات جنسیت، جنس‌گونی و گرایش جنسی و همچنین مطالعات زنان مطرح شد. این نظریه، شاخه‌ای از نگاه پس‌اساختارگرایانه به مسأله جنسیت و گرایش جنسی است. نظریه کوئیر برخوردی منتقدانه با هویت‌محوری در تعاریف مختلف

۵۰. نگاه کنید به ریشه‌شناسی واژه کوئیر در لغت‌نامه انگلیسی به انگلیسی لانگمن (سطح پیشرفته):

Longman Dictionary of Contemporary English. Harlow: Pearson Longman, 2009.

۵۱. برای نگاه تاریخی به جنبش دگرباشان جنسی آمریکا و روند تغییر مفهوم واژه کوئیر نگاه کنید به:

Eaklor, Vicki Lynn. Queer America: A GLBT History of the 20th Century. Westport, CT: Greenwood, 2008. Print.

گرایش جنسی و هویت جنسیتی دارد. نظریه فراهنجاری جنسی در چهارچوب‌های مختلف نظری از فلسفه گرفته تا ادبیات به ساختارشکنی منتقدانه نسبت به مسأله جنسیت، جنس‌گونگی و گرایش جنسی پرداخته است. نظریه فراهنجاری جنسی نتیجه ارتباط نزدیک نظریه‌پردازان دانشگاهی با جنبش‌های همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها در سطح خیابان بود. کلمه «کوئیر» به‌عنوان یک نماد نشانگر هدف ایجاد تغییر در ایدئولوژی‌های دگرجنس‌گراسالار انتخاب شد و آن را در حلقه‌های دانشگاهی استفاده کردند. کم‌کم زمینه ایجاد نظریه‌ای با همین نام ایجاد شد تا جایی که اکنون رشته‌های تخصصی دانشگاهی با عنوان نظریه کوئیر ارائه می‌شود.^{۵۲}

نظریه‌پردازان کوئیر معمولاً هنجارهای دگرجنس‌گرا محور را به چالش می‌کشند و در سال‌های اخیر نیز، هنجارهای فرهنگ جریان اصلی همجنس‌گرایان در غرب را به چالش کشیده‌اند.^{۵۳} نظریه‌پردازی که تا به امروز در حوزه نظریه کوئیر مطرح بوده‌اند، ضمن این که سکس و رفتارهای جنسی افراد به مسأله جنسیت و جنس‌گونگی مرتبط می‌دانند، نسبت به اندیشمندان مطالعات زنان و جنسیت، تمرکز بیشتری روی مسأله «سکسوالیته»، سکس، ترجیح‌های جنسی افراد، جنسیت‌های انتخابی، انتخاب‌های جنسی و تمایلات و گرایش‌های جنسی افراد دارند. پروژه اصلی نظریه کوئیر، نوعی ساختارشکنی در چهارچوب‌های هویتی در سکسوالیته بوده است و همه نظریه‌پردازان این حوزه بر این باورند که هویت جنسی و جنسیتی ثابت وجود ندارد و جهت‌گیری‌های جنسی افراد می‌تواند همیشه در حال تغییر باشد.

نظریه کوئیر بر خوردی منتقدانه با هویت محوری در تعاریف مختلف گرایش جنسی و هویت جنسیتی دارد. نظریه فراهنجاری جنسی در چهارچوب‌های مختلف نظری از فلسفه گرفته تا ادبیات به ساختارشکنی منتقدانه نسبت به مسأله جنسیت، جنس‌گونگی و گرایش جنسی پرداخته است.

معادل‌یابی برای واژه کوئیر در زبان فارسی؛ دگرباش یا فراهنجار جنسی

به دنبال واژگون شدن مفهوم منفی واژه کوئیر در زبان انگلیسی و افزایش تولید دانش در حوزه آکادمیک و کنشگری، میزان محتوای تولید شده که در ذیل نظریه کوئیر تقسیم‌بندی می‌شود، افزایش یافت. لازم بود تا هم در حوزه کنشگری و هم حوزه تولید دانش آکادمیک، برگردانی به زبان فارسی برای واژه کوئیر ارائه شود تا پیوستگی زبان فارسی با دانش تولید شده در دیگر زبان‌ها ایجاد شود.

ترجمه واژه کوئیر از این لحاظ دارای اهمیت است که بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه جنسیت، جنس‌گونگی و گرایش جنسی، در مورد این واژه و اهمیت آن تولید دانش فلسفی کرده‌اند. تا به امروز دو معادل «فراهنجار جنسی» و «دگرباش جنسی» به‌عنوان ترجمه فارسی این واژه معرفی شده‌اند.

۵۲. برای درک تاریخی دقیق‌تر از رابطه کلمه کوئیر با جنبش‌های خیابانی دگرباشان جنسی و دانشگاهی‌های نظریه‌پرداز نگاه کنید به: Rand, Erin J. Reclaiming Queer: Activist & Academic Rhetorics of Resistance. Alabama: U Alabama, 2014. Print.

۵۳. برای نمونه نگاه کنید به پژوهش‌های جسیپر پوآر که سیاست‌های فرهنگی جریان اصلی جنبش دگرباشان جنسی در کشورهای غربی را نقد می‌کند:

Puar, Jasbir K. Terrorist Assemblages: Homonationalism in Queer times. Durham: Duke UP, 2007. Print.

دگرباش جنسی معادلی برای کوئیر

دگرباش جنسی مفهومی است که بر اصل فلسفی «دیگری بودن» و حاشیه‌ای بودن اقلیت‌های جنسی در جامعه‌های دگرجنس‌گراسالار، تأکید دارد. دگرباش جنسی به واسطه دیگری بودن در جایی که دگرجنس‌گرامحوری غالب است، فردی متفاوت محسوب می‌شود.

منتقدان ترکیب «دگرباش جنسی» به این مسأله اشاره می‌کنند که فلسفه انتخاب واژه کوئیر همراه با نگاه انتقادی به هویت‌گرایی در گرایش جنسی است. مرزهای هنجاری همیشه برای افراد کوئیر در حال تغییر است؛ «دگرباش جنسی» بودن به دلیل نفس استفاده از واژه «باش» هویت‌گراست و با فلسفه واژه کوئیر - که همیشه زیست در خارج مرزهای دگرجنس‌گرامحوری را با رویه‌های گوناگون ممکن می‌داند - در تناقض است.

فراهنجار جنسی معادلی برای کوئیر

ترکیب «فراهنجار جنسی» در زبان فارسی بیشتر تأکید بر رفتارهای جنسی خارج از «هنجارهای» دگرجنس‌گرایی دارد. کسانی که معادل «فراهنجار» را برای واژه کوئیر استفاده می‌کنند، باور دارند که «هنجارها» یا «نرم‌ها»ی اجتماعی می‌توانند همیشه تغییر کنند و فرد فراهنجار جنسی می‌تواند همیشه «فرا»ی عرف و نرم دگرجنس‌گرامحور، رفتار کند.

منتقدان کلمه «فراهنجار» بر این باورند که این واژه پرطمطراق است. آن‌ها می‌گویند که واژه کوئیر در زبان انگلیسی یک اصطلاح عامیانه، غیر ادبی و غیر فلسفی است. فحش بودن کوئیر، رمز موفقیت این واژه در واژگون کردن تبعیض‌ها و مبارزه با دگرباش‌هراسی و دگرباش‌ستیزی است. همه‌فهم بودن واژه دگرباش جنسی، به اعتقاد این گروه از شاخص‌های پر اهمیت برای ایجاد فرایند تغییر است. بین دو معادل فراهنجار جنسی و دگرباش جنسی، واژه دوم در زبان فارسی به دلیل ارتباط رسانه‌ای کنشگرانی که این واژه را انتخاب کرده‌اند، بیشتر جا افتاده است.

کوئیر برگردان لازم ندارد

عده‌ای از کارشناسان هیچ کدام از ترکیب‌های «فراهنجار جنسی» یا «دگرباش جنسی» را استفاده نمی‌کنند و با استفاده از خود کلمه کوئیر و وارد کردن این کلمه به فارسی بیشتر موافقت می‌کنند. آن‌ها می‌گویند همانطور که مفاهیم فلسفی و مکاتب سیاسی مانند فمینیسم، مارکسیسم، لیبرالیسم و غیره با همان واژگان از زبان اصلی در زبان فارسی وارد شده‌اند و تلفظ فارسی یافته‌اند، لزومی ندارد که واژه کوئیر دارای برگردانی در زبان فارسی باشد. آن‌ها تأکید می‌کنند که این واژه یک پیشینه تاریخی خاص در کشورهای غربی را طی کرده است که هر نوع برگردان این واژه نمی‌تواند بیانگر این پیشینه تاریخی مبارزات همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها در کشورهای غربی باشد. در میان کسانی که متخصص یا مترجم نظریه کوئیر در زبان فارسی‌اند، واژه کوئیر استفاده دارد و جا افتاده است.

مرزهای هنجاری همیشه برای افراد کوئیر در حال تغییر است؛ «دگرباش جنسی» بودن به دلیل نفس استفاده از واژه «باش» هویت‌گراست و با فلسفه واژه کوئیر - که همیشه زیست در خارج مرزهای دگرجنس‌گرامحوری را با رویه‌های گوناگون ممکن می‌داند - در تناقض است.

نقش‌های جنسیتی (Gender Roles)

نقش‌های جنسیتی، مجموعه‌ای از رفتارهاست که هنجارهای جامعه این رفتارها را بنا به جنسیت تقسیم‌بندی کرده و پذیرفته است. نقش‌های جنسیتی در هر جامعه، رفتارهای قابل بازشناسی‌اند که برای هر جنسیت «صحیح» و گاهی حتی «طبیعی» محسوب می‌شوند. در جوامع دگرجنس‌گرا که دگرجنس‌گرا محوری و دوگانه زن و مرد غالب است، نقش‌های جنسیتی متفاوتی برای آن که زن محسوب می‌شود و آن که مرد محسوب می‌شود تعریف شده است. دگرجنس‌گراسالاری همواره تفکیک دوگانه زن و مرد را در بازتعریف آنچه رفتار درست، اخلاقی یا طبیعی زنانه/مردانه محسوب می‌شود، مورد استفاده قرار می‌دهد. نقش‌های جنسیتی به این ترتیب توسط هنجارهای اجتماعی تعیین می‌شوند و خود در اجراگری رفتاری هر فرد در تثبیت شدن این هنجارها مشارکت می‌کنند.^{۵۴}

نقش‌های جنسیتی به طور گسترده‌ای میان فرهنگ‌ها و حتی سنت‌های یک فرهنگ خاص در زمان‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشند. در چهارچوب دگرجنس‌گراسالاری نقش‌های «زنانه/مردانه» پسندیده به طور مدام بازتعریف می‌شوند و مردسالاری نیز به‌عنوان یک قطب قدرت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در این بازتعریف شدن مؤثر است. نقش‌های جنسیتی با توجه به نظریه‌های سازنده‌نگر اجتماعی، محصول تعامل فرد با اجتماع پیرامونی‌اند و در اجتماع تعریف و در رابطه با دیگری اجرا می‌شوند. همچنین این نقش‌ها قدرت تأدیبی دارند با توجه به هنجارهای موجود در هر اجتماع در اجراگری رفتاری هر فرد به طور مداوم در حال تغییرند و به شیوه‌های تازه‌تر بازتولید می‌شوند.^{۵۵}

اجراگری جنسیتی (Gender Performativity)

مفهومی است که جودیت باتلر، فیلسوف حوزه سکسوالیته، جنسیت و گرایش جنسی، برای اولین بار در سال‌های ۱۹۹۰ آن را مطرح کرد که تبدیل مفهومی فراگیر در توضیح رفتار جنسی افراد در حوزه مطالعات جنسیت و گرایش جنسی شد. اجراگری جنسیتی بیانگر این دیدگاه است که جنسیت، آنچه که عموماً به‌عنوان جوهره درونی ثابت و پایدار فرض می‌شود، ثابت و پایدار نیست، بلکه جنسیت مجموعه‌ای از کنش‌های تولید شده توسط فرد است که از طریق نشانه‌ها و شناسه‌های قابل شناسایی در هر فرهنگ مفهوم «جنسیت» می‌یابد.

به این ترتیب چیزی به‌عنوان جنسیت «واقعی» و یا «حقیقی» به شکل ازلی و ابدی وجود ندارد. جنسیت مجموعه‌ای از رفتارها، کنش‌ها، حرکات بدنی، لحن گفتاری و انتخاب آرایش بدنی و لباس است که در هر زمان وابسته به فرهنگ عرفی، هنجارهای اجتماعی و رابطه فرد با دیگری‌اند و در هر زمان توسط فرد «اجرا» می‌شود. به عقیده باتلر این اجراگری جنسیتی، انتخابی سیاسی از سوی هر فرد نیز هست که در تعامل با هنجارها و با

۵۴. نظریه‌های علوم اجتماعی در توضیح نقش‌های جنسیتی، پیچیده‌تر از آنند که در این جزوه مطرح شوند. اگر مایل هستید که بیشتر در مورد نقش‌های جنسیتی در چارچوب جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بخوانید، رجوع کنید به:

Lindsey, Linda L. Gender Roles: A Sociological Perspective. Upper Saddle River, NJ: Pearson Prentice Hall, 2011. Print.

-Kramer, Laura. The Sociology of Gender: A Brief Introduction. New York: Oxford UP, 2011.

۵۵. اگر به نظریه‌پردازی در حوزه درک رابطه نقش‌های جنسیتی با مسأله قدرت تأدیبی علاقه دارید می‌توانید برای مطالعات بیشتر نگاه کنید به:

Allen, Amy. The Politics of Our Selves: Power, Autonomy, and Gender in Contemporary Critical Theory. New York: Columbia UP, 2008. Print.

توجه به عاملیت نسبی فردی، ساخته شده و انتخاب می‌شوند. باتلر معتقد است که این اجراگری در مرز سطح بدن با دیگری رابطه تعاملی ایجاد می‌کند. به عبارتی تبدیل به روشی از تعامل و ارتباط‌گیری با دیگری می‌شود.

به‌عنوان مثال زمانی که زنی در محل کار کت و دامن می‌پوشد، آرایش می‌کند و با لحن و صدایی که دال بر حرفه‌ای بودن در محل کار باشد صحبت می‌کند، یک اجراگری جنسیتی خاص را انتخاب کرده است که انتخابی سیاسی با توجه به شرایط پیرامونی و انتخاب‌های فردی‌اش است. همین زن ممکن است جمعه شب با حضور در دیسکو، لباس دیگری بپوشد، آرایشی غلیظ‌تر انتخاب کند و با ناز و کرشمه برقصد. اجراگری جنسیتی در دیسکو نیز یک انتخاب سیاسی است که در مرز سطح بدن او با افراد دیگر و محیط پیرامونی رابطه برقرار می‌کند. بر این اساس باتلر تأکید می‌کند که اجراگری جنسیتی در مرز سطح بدن و با تعامل با اجتماع و فرهنگ اجتماعی به شکلی سیاسی ساخته و اجرا می‌شود؛ به این مفهوم که انتخاب‌های افراد برای اجراگری جنسیتی تحت تأثیر مسأله قدرت و گفتمان‌های فرهنگی/جنسی/جنسیتی است.^{۵۶}

اجراگری جنسیتی بیانگر این دیدگاه است که جنسیت، آن‌چه که عموماً به‌عنوان جوهره درونی ثابت و پایدار فرض می‌شود، ثابت و پایدار نیست. بلکه جنسیت مجموعه‌ای از کنش‌های تولید شده توسط فرد است که از طریق نشانه‌ها و شناسه‌های قابل شناسایی در هر فرهنگ مفهوم «جنسیت» می‌یابد.

هویت جنسی

هویت جنسی تجربه شخصی هر فرد از احساس درونی‌اش نسبت به آن‌چه جنسیت خود می‌پندارد است. هویت جنسی‌ای که هر فرد برای خود قائل است می‌تواند با هویتی که در روز تولدش برای او تعیین شده، متفاوت باشد. در نظام‌های دگر جنس‌گرا محور، هویت‌های جنسی با دوگانه زن و مرد تعیین می‌شوند. میشل فوکو در تاریخ‌نگاری مسأله سکس و جنسیت در اروپا نشان داده است که در قرن ۱۹ میلادی علوم پزشکی و روان‌پزشکی و به همراه آن نهادهای مذهبی و قانونی، تأکید بر مشخص شدن سکس افراد و تعریف آن بر اساس دوگانه زن و مرد داشته‌اند.^{۵۷} به این ترتیب است که در نظام پزشکی جنسیت نرمال به دو گونه زن و مرد تقسیم‌بندی می‌شود. افراد در فرهنگ‌های مختلف معمولاً با توجه به اجراگری جنسیتی به هویت جنسی خود معنای شخصی می‌دهند و این اجراگری می‌تواند شامل آرایش ظاهری بدن و نمایش اجزای مختلف آن، نحوه لباس پوشیدن (یا نپوشیدن)، طرز گفتار، صدا، لحن بیان، زبان بدنی و بسیاری دیگر از شناسه‌ها و نشانه‌های نمادین دارای اهمیت جنسی در هر فرهنگ باشد. به کمک پیشرفت‌های علم پزشکی افراد می‌توانند از طریق جراحی و هورمون‌درمانی، کارکرد جنسیت بیولوژیک خود را تغییر دهند.

افراد نیز هستند که جنسیت بیولوژیک خود، بدن یا آلت جنسی خود را هرگز تغییر نمی‌دهند، اما اجراگری جنسی/جنسیتی متفاوت از آن‌چه هنجارهای عرفی از جنسیت آن‌ها انتظار دارد، به اجرا در می‌آورند. زنان مردانه‌پوش، مردان زنانه‌پوش یا کسانی که جنسیت خود را نمایان نمی‌کنند یا هم از اجراگری «زنانه» برای بیان جنسیت

۵۶. برای بیشتر مطالعه کردن نگاه فلسفی جودیت باتلر به مفهوم اجراگری جنسیتی نگاه کنید به:

Butler, Judith. Gender Trouble : feminism and the subversion of identity. New York: Routledge, 2006.

57. Foucault, Michel, and Robert Hurley. The History of Sexuality. New York: Vintage, 1988. Print.

خود استفاده می‌کنند و هم از اجراگری «مردانه»، از نمونه افرادی هستند که دوگانه زن و مرد را در نظام‌های دگرجنس گراسالار به چالش می‌کشند و نگاه بیرونی را دچار ابهام می‌کنند.

گرایش جنسی

گرایش جنسی اشاره به تمایلات و خواهش‌ها و نیازهای جنسی هر فرد برای ایجاد رابطه احساسی، عاطفی و جنسی با افراد همجنس، غیرهمجنس، بیش از یک جنس یا از هر جنسیتی دارد. جهت‌گیری جنسی در گرایش جنسی در عرف غالب در کشورهای غربی امروز به سه گونه تقسیم می‌شود:

۱. همجنس‌گرا: کسی که تمایل به رابطه عاطفی/احساسی/جنسی با همجنس خود دارد.
۲. دگرجنس‌گرا: کسی که تمایل به رابطه عاطفی/احساسی/جنسی با غیرهمجنس خود دارد.
۳. دوجنس‌گرا: کسی که در میان جنسیت‌های زن و مرد، تمایل به رابطه جنسی با هم زنان و هم مردان دارد.

سه گزینه فوق معمولاً در چهارچوب‌های قانونی و گفتمان‌های حقوقی به عنوان انواع گرایش جنسی مطرح می‌شوند. هرچند مطالعات زیست‌شناسانه، روان‌شناسانه و حتی ماهیت‌شناسانه فلسفی نشان می‌دهد که ویژگی‌های گرایش‌های جنسی مختلف بسیار پیچیده‌تر از سه گزینه ذکر شده است. به عنوان مثال میان جنسی‌هایی با هویت‌های مختلف که نه زن هستند و نه مرد، به نوبه خود می‌توانند گرایش جنسی‌ای متفاوت از همجنس‌گرا، دگرجنس‌گرا یا دوجنس‌گرا داشته باشند و مثلاً تنها به دوجنسی‌های خاصی با ترکیب آلات تناسلی خاصی گرایش جنسی داشته باشند.

گرایش جنسی دگرباش جنسی به عنوان یک گرایش جنسی فراگیر و هویت‌گریز استفاده می‌شود. این روزها کسانی هستند که گرایش جنسی خود را «دگرباش» معرفی می‌کنند. این افراد کسانی هستند که نمی‌خواهند انتخاب شریک یا شرکای جنسی‌شان محدود به جنسیت‌های زن و مرد و گرایش جنسی‌شان محدود به همجنس‌گرا، دگرجنس‌گرا و یا دوجنس‌گرا باشد. مفاهیم هویت جنسی، اجراگری جنسیتی، نقش‌های جنسیتی در کنار رفتارهای جنسی تجویز شده توسط فرهنگ غالب و در تعاریف مختلف گرایش جنسی در هم تنیده می‌شوند و پیچیدگی‌های گوناگون تمایلات و جهت‌گیری‌های جنسی افراد را در انتخاب یا پذیرش گرایش جنسی‌شان رقم می‌زنند.^{۵۸}

اروتیسم همجنس خواهانه یا هومو-اروتیسم

اروتیسم همجنس خواهانه یا هومو-اروتیسم مفهوم انعطاف‌پذیری است که برای توصیف هر احساس، نشانه، آرزو، تفکر، نیاز در وادی ذهنی یا حتی کنش جنسی استفاده می‌شود که در آن افراد توجهی جنسی به همجنس

۵۸. مسأله گرایش جنسی در گفتمان‌های حقوقی به دلیل پیچیدگی‌های مختلف مرتبط به آن ساده‌سازی شده است و گفتمان‌های حقوقی و قانونی به سه گرایش دگرجنس‌گرا، همجنس‌گرا و دوجنس‌گرا بسنده کرده‌اند. این نقص این گفتمان‌ها در بیان پیچیدگی‌های گرایش جنسی است. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

Stewart, Chuck. Homosexuality and the law : a dictionary. Santa Barbara: ABC-CLIO, 2001.

نشان دهند. این مفهوم اشاره به جاذبه جنسی بین افراد همجنس دارد، اما با همجنس‌گرایی که به‌عنوان یک نوع گرایش جنسی مفهومی هویتی پیدا کرده است، تفاوت دارد.

اروتیسم همجنس‌خواهانه به‌طور عمومی در نقد ادبی، هنری و فرهنگی کاربرد دارد. نشانه‌هایی از اروتیسم همجنس‌خواهانه در تولیدات فرهنگی و ادبی بسیار قدیمی‌تر از قرن ۲۱ یافت می‌شوند که لزوماً مفهوم «گرایش جنسی» را بیانگر نیستند، اما همجنس‌خواهانه‌اند. شاخص جنسی بودن رابطه با همجنس و نشانه‌های مفهومی که دال بر شهوانی/جنسی بودن هستند، معمولاً با واژه اروتیسم همجنس‌خواهانه توصیف می‌شوند.

در ادبیات فارسی نمونه‌های اروتیسم همجنس‌خواهانه در توصیف رابطه با «شاهد»ها را می‌توان یافت. شاهدبازی یا رابطه جنسی/احساسی داشتن با شاهدها، بعد زمینی این نوع رابطه است. باین‌حال شاهدبازی بُعدی عرفانی نیز دارد که در آن عرفا از زیبایی‌های شاهد به زیبایی‌های متعالی خداوندگار دست پیدا می‌کردند و به بیانی از صورت شاهد به صورت خدا می‌رسیدند.

سیروس شمیسا، استاد ادبیات فارسی، در سال ۱۳۸۱ خورشیدی کتابی با عنوان «شاهدبازی در ادبیات فارسی» منتشر کرد که بعد از انتشار توقیف و از کتاب‌فروشی‌ها جمع‌آوری شد. در این کتاب سیروس شمیسا به بررسی مسأله معشوق مرد در ادبیات فارسی می‌پردازد.^{۵۹} مشابه کتاب سیروس شمیسا در ادبیات عرب، توسط تاریخ‌دان آمریکایی-عرب، جوزیف مسعد، نوشته شده است که به بررسی اروتیسم همجنس‌خواهانه در ادبیات عرب می‌پردازد.^{۶۰}

سکسیسم دگرجنس‌گرا محور تنها محدود به رفتارها و انتخاب‌های شخصی افراد نمی‌شود؛ بلکه این تعصب‌ها، نوعی تبعیض سیستماتیک است که شامل حقوق قانونی، مدنی، فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود.

سکسیسم دگرجنس‌گرا (Heterosexism) یا سکسیسم دگرجنس‌گرا

نگرش مبتنی بر این ایده که تنها فرم تمایلات، گرایش، یا رابطه جنسی «سالم» و «طبیعی» بین دوجنس مخالف زن و مرد ممکن است. این واژه بیشتر اشاره به نظام باوری نگرش‌ها یا رفتارهایی دارد که نسبت به اقلیت‌های جنسی/جنسیتی، با تبعیض و با تعصب به حقانیت رابطه دگرجنس‌گرا، برخورد می‌کنند. در سکسیسم دگرجنس‌گرا، برتری بر اساس گرایش جنسی تعیین می‌شود و به این ترتیب رتبه دگرجنس‌گراها از مردان و زنان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا یا تراجنسیتی‌ها بیشتر است. سکسیسم دگرجنس‌گرا محور تنها محدود به رفتارها و انتخاب‌های شخصی افراد نمی‌شود؛ بلکه این تعصب‌ها، نوعی تبعیض سیستماتیک است که شامل حقوق قانونی، مدنی، فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود.

نانسی فریزر، استاد دانشگاه و فمینیست نامی، در بحثی که با جودیت باتلر داشته است، نشان داده که سکسیسم دگرجنس‌گرا، در چهارچوب منطق و ایدئولوژی سرمایه‌داری کارکرد دارد. او این نوع سکسیسم را بی‌ارتباط به

۵۹. نگاه کنید به: شمیسا، سیروس. شاهدبازی در ادبیات فارسی. چاپ اول. تهران: چاپ خانه رامین، ۱۳۸۱.

۶۰. نگاه کنید:

Massad, Joseph. *Desiring Arabs*. Chicago: University of Chicago Press, 2007.

سکسیسم مردسالار نمی‌داند و معتقد است که سرمایه‌داری نوین خود باز تولیدکننده سکسیسم دگرجنس‌گرا سالار به‌عنوان یک تبعیض سیستماتیک است.^{۶۱}

سکسیسم بهنجار (Sexual Normality)

بیشتر متفکران حوزه سکس، جنسیت و گرایش جنسی بر این مسأله تأکید دارند که چیزی به‌عنوان یک استاندارد «نرمال» جنسی وجود ندارد. اتخاذ این موضع از جانب متفکران این حوزه، در چهارچوب فلسفه اخلاق و مسأله به رسمیت شناختن حق دیگری بر زندگی جنسی و بدن خود است.

میشل فوکو بهنجار بودن جنسی را در اروپا، تاریخ‌نگاری کرده است^{۶۲} و پژوهش‌های تاریخی او پیشینه تاریخی تولید دانش توسط نظریه‌پردازانی مانند مایکل وارنر، منتقد ادبی و نظریه‌پرداز اجتماعی، است که مسأله بهنجار بودن در دنیای امروزی را بررسی و نقد کردند.^{۶۳} مایکل وارنر، ایو سدویک^{۶۴} و جودیت باتلر^{۶۵} از اولین نظریه‌پردازانی بود که مسأله جنسیت و سیاست هنجارهای اجتماعی برای تولید رفتارهای بهنجار جنسی را نقد کردند. نظریه‌های انتقادی این سه متفکر در حوزه مطالعات دگرباشان جنسی، با بهنجاری جنسی برخوردی چالشی داشته است.

مواضع علوم، از جمله زیست‌شناسی و روان‌شناسی در مورد آن چه جنسیت و گرایش جنسی نرمال است، در دو سده اخیر تغییرات بسیار کرده است. هنجارسازی مسأله دگرجنس‌گرایی به‌عنوان گرایشی «نرمال» تا حدودی مربوط به دانش تولید شده این علوم و مواضع سیاسی نهادهای مذهبی مانند کلیساها بوده است. پس از تلاش‌های بسیاری از فعالین حقوق دگرباشان جنسی، سرانجام در روز ۱۷ ماه می سال ۱۹۹۰ میلادی سازمان بهداشت جهانی، رابطه جنسی با همجنس را از طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها خارج کرد. ۱۷ ماه می هر سال به‌عنوان روزی که جامعه جهانی تصمیم گرفت که رابطه با همجنس دیگر بیماری نباشد، به‌عنوان روز جهانی مبارزه با همجنس‌گراهراسی و تراجنسیتی‌هراسی، جشن گرفته می‌شود.

استفاده از واژه «نرمال» یا بهنجار «برای تحقیر هویت جنسی و یا گرایش جنسی بسیاری از دگرباشان جنسی توسط افراد یا سازمان‌های همجنس‌گراستیز همچنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. به این ترتیب هر نوع گرایش، تمایل یا کنش جنسی خارج از چهارچوب دگرجنس‌گرایی نوعی اختلال غیر نرمال فرض می‌شود. در ایران رابطه با همجنس در چهارچوب قانون و شرع اسلام شیعه ممنوع است و سنگین‌ترین مجازات‌ها را دارد. همچنین در ایران، هستند پزشکان و روان‌پزشکانی که برای پیروی از چهارچوب قانونی جمهوری اسلامی ایران، همجنس‌گرایی را «انحراف جنسی» یا «اختلال روانی» می‌خوانند.

61. Fraser, Nancy. "Chapter 7: Heterosexism, Misrecognition, and Capitalism." *Fortunes of Feminism: From State-managed Capitalism to Neoliberal Crisis*. N.p.: Verso, 2013. Print.

62. نگاه کنید به سری سخنرانی‌های میشل فوکو در مورد (نا) هنجار در تاریخ اروپا:

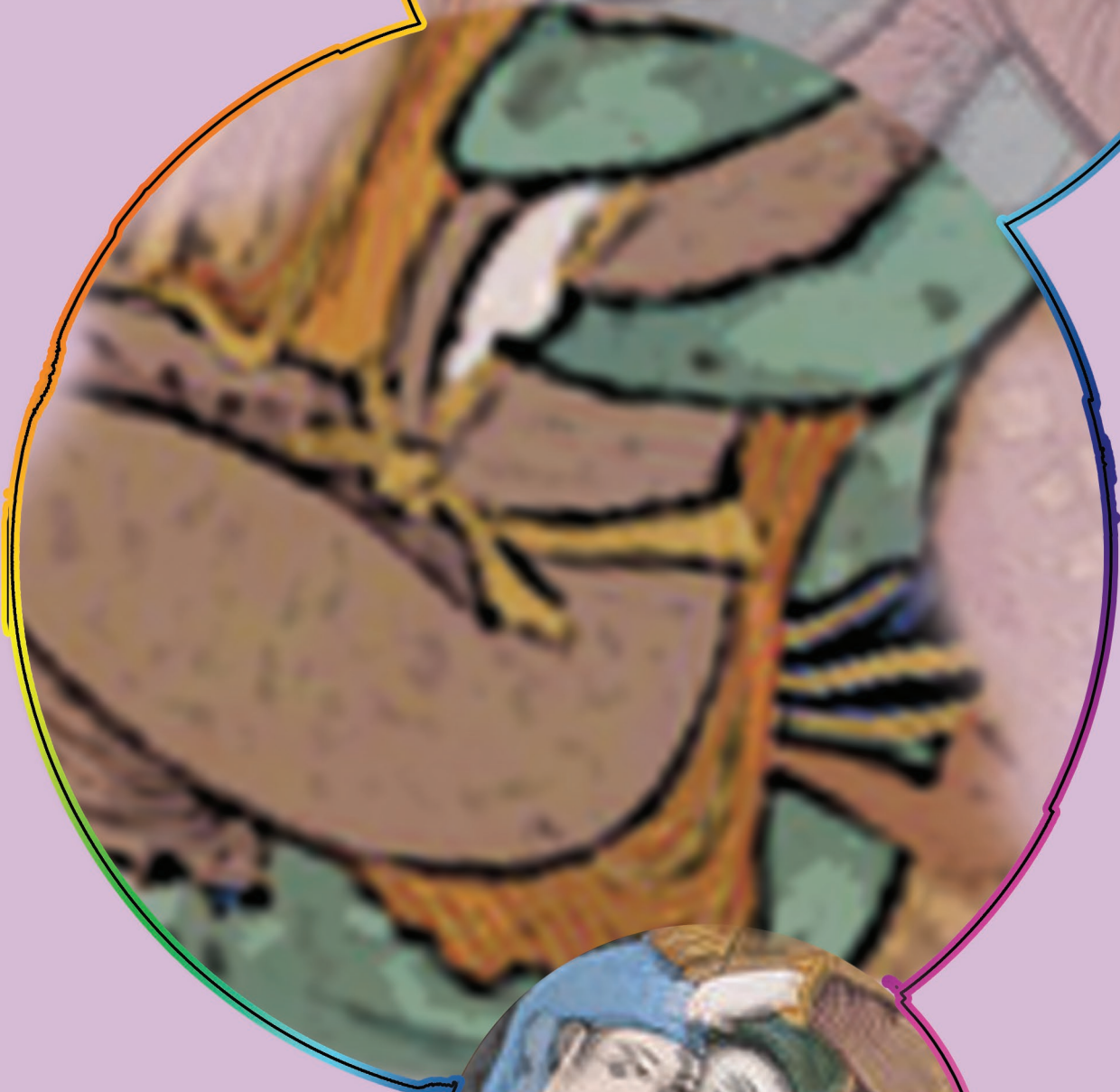
Foucault, Michel, Valerio Marchetti, Antonella Salomoni, and Arnold I. Davidson. *Abnormal: Lectures at the Collège De France, 1974-1975*. New York: Picador, 2004. Print.

63. Warner, Michael. *The Trouble with Normal: Sex, Politics, and the Ethics of Queer Life*. New York: Free, 1999. Print.

64. Sedgwick, Eve Kosofsky. *Tendencies*. Durham: Duke UP, 1993. Print; Parker, Andrew, and Eve Kosofsky. *Sedgwick. Performativity and Performance*. New York: Routledge, 1995. Print.

65. Butler, Judith. *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*. New York: Routledge, 2006. Print.

«انحراف جنسی» خواندن رابطه جنسی با همجنس توهین آمیز است. متخصصین ارتباطات، روزنامه‌نگاران و تولیدکننده‌های محصولات فرهنگی که در راستای احیای حقوق دگرباشان جنسی تلاش می‌کنند، نسبت به این نوع برخوردهای تبعیض آمیز حساسند و از به کار بردن واژگان و ترکیب‌هایی مانند «ناهنجار»، «غیر نرمال» و «منحرف جنسی» و... که دگرباشان جنسی را تحقیر می‌کنند، اجتناب می‌ورزند.



گوناگونی جنسی و روابط با همجنس در ایران و زبان فارسی

سکسیت، جنسیت و جنس‌گونی و هویت‌های مختلف دگرباشان جنسی و معادل‌یابی در زبان فارسی

به دلیل این که گفتمان حوزه مطالعات جنسیت و گرایش جنسی هم در چهارچوب علوم پزشکی و هم در چهارچوب فلسفه، در کشورهای غربی شکل گرفته است، بسیاری از مفاهیم به شکل اولیه آن به زبان‌های غیر فارسی مطرح شده‌اند. معادل‌یابی برای این مفاهیم و واژگان، تبدیل به چالشی بزرگ در زبان فارسی شده است. از واژه سکس گرفته تا واژگان مختلف در توصیف گرایش‌های جنسی، هنوز معادل‌های خوبی در زبان فارسی ندارند. بسیاری پیشنهاد می‌کنند که این واژگان همان‌طور که در زبان‌های غربی استفاده می‌شوند، به فارسی نوشته شوند. به‌عنوان مثال: Lesbian، همجنس‌گرای زن را به فارسی نیز بنویسیم لزبین.

روزنامه‌نگاران و متخصصان ارتباطات بهتر است به واژگان و هویت‌هایی که خود افراد برای توصیف خودشان استفاده می‌کنند، دقت کنند. پیچیدگی‌های هویتی موجود گاهی افراد را نسبت به آن هویتی که به ایشان نسبت داده می‌شود، حساس می‌کند. چنان‌چه در مورد هویت جنسیتی و تمایلات جنسی فردی مطمئن نیستید، بهتر است از واژگان عمومی‌تر و همه‌شمول‌تر مانند «دگرباش جنسی» استفاده کنید. هویت‌ها و گوناگونی‌های جنسی و جنسیتی اهمیت دارند و افرادی که کار رسانه‌ای می‌کنند با آگاهی بیشتر نسبت به این گوناگونی‌ها می‌توانند در آگاه‌سازی عمومی و نشان دادن تصویری دقیق‌تر از زندگی دگرباشان جنسی، سهیم باشند.

معادل‌یابی فراتاریخی هویت‌های جنسیتی و گرایش جنسی

معادل‌یابی برای مفاهیم مرتبط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی که عموماً به زبان‌های غربی در حوزه سکسیت، جنسیت، جنس‌گونی و گرایش جنسی مطرح شده‌اند، کاری دشوار است. برای بسیاری از این کلمات معادل‌های

برابر در زبان فارسی وجود ندارد. روابط جنسی با همجنس در گذر تاریخ در مناطق مختلف جهان از جمله مناطقی که با اسم عمومی دارالاسلام یا کشورهای اسلامی کنونی شناخته می‌شوند، وجود داشته و تاریخ‌نگاری شده است. این موضوع که انواع این روابط جنسی چه نام‌هایی داشته‌اند یا این که چگونه در عرف اجتماعی تعریف می‌شده‌اند با بیان‌های هویتی و فردی امروزی از گرایش جنسی و هویت جنسیتی تفاوت داشته است.

این به این مفهوم است که تکثر و گوناگونی در حوزه سکس، جنسیت و گرایش جنسی در فرهنگ ایران تاریخی وجود داشته است.^{۶۶} گوناگونی جنسیتی، جنس‌گونگی‌های متفاوت، روابط احساسی و جنسی با همجنس در ایران تاریخی وجود داشته‌اند و کلمات خاصی هم برای توضیح این مفاهیم وجود داشته است. هر چند تعاریف و واژگانی که برای توصیف گوناگونی‌های روابط جنسی با همجنس یا اجراگری‌های جنسیتی در ایران تاریخی استفاده می‌شده است، دقیقاً دلالت بر معانی کلمات مشابه در فرهنگ انگلیسی‌زبان‌ها (یا زبان‌های دیگر لاتین) ندارد.

جوزف مسعد متخصص تاریخ اندیشه، مدرنیته و سکسوالیته در کشورهای عربی و اسلامی، منتقد استفاده فراتاریخی از کلمات «گی»، «لزبین»، «بایسکسوال»، «ترنس سکسوال» و... (که در دنیای غرب جا افتاده‌اند) برای توضیح گوناگونی‌های هویت جنسی در کشورهای اسلامی و شرقی است. او معتقد است که برداشت‌های شرق‌شناسانه از مسأله جنسیت در کشورهای اسلامی و قوم‌نگاری‌هایی که به جا مانده است، این مناطق را همزمان به نوعی بهشت جنسی، مکانی پر از رفتارهای لذت‌جویانه جنسی و در عین حال مکانی پر خشونت نسبت به تمایلات جنسی افراد ترسیم می‌کند.^{۶۷} این روند به نظر مسعد تا دوران معاصر ادامه پیدا می‌کند و گفتمان‌های حقوق بشر در غرب را هم تحت شعاع قرار می‌دهد.

به گفته مسعد حتی اگر در دوران مدرن و در تعامل مدرنیته در شرق و مدرنیته در غرب ما شاهد چنین خشونت‌هایی نسبت به هویت‌های جنسی گوناگون باشیم، تاریخ کشورهای اسلامی همیشه اینطور نبوده است. مسعد در کتاب خود «کام‌خواهی اعراب» مثال‌های فراوانی از ادبیات و تاریخ عرب ارائه می‌دهد که کیفیت گوناگونی جنسیت‌ها و روابط با همجنس در فرهنگ عرب را در گذر تاریخ نشان می‌دهد. نگاه انتقادی مسعد به‌ویژه نسبت به دوگانه همجنس‌گرا و دگرجنس‌گرا حساس است و معتقد است که تحمیل این دوگانه به فرهنگ‌های اسلامی/شرقی تمامی گوناگونی‌های مربوط به گرایش جنسی در این فرهنگ‌ها را تحت شعاع قرار داده است.

پیشنهاد مسعد این است که به جای معادل‌یابی برای مفاهیم غربی و تحمیل این معادل‌ها بر گوناگونی‌های جنسی، جنسیتی و گرایش‌های جنسی در شرق، برای توضیح دقیق این گرایش‌ها یا تمایلات جنسی در کشورهای اسلامی/شرقی، خود این مفاهیم با واژگان موجود در تاریخ و زبان‌های بومی هر منطقه توضیح داده شوند.^{۶۸} ایراد مسعد البته به بیان‌های فراتاریخی در توضیح گوناگونی‌های جنسیتی و روابط جنسی در کشورهای عربی است.

۶۶ ایران تاریخی این‌جا به مفهوم جغرافیایی که از سال‌های دور تا به امروز به عنوان ایران، یا مناطق محروسه حکومت‌های مختلف ایرانی محسوب می‌شدند، استفاده شده است.

۶۷ نگاه کنید به:

Massad, Joseph. "Re-Orienting Desire: The Gay International and the Arab World." Public Culture. 14.2

۶۸ نگاه کنید به:

Massad, Joseph. Desiring Arabs. Chicago: U of Chicago Press, 2007.

نظرات او در این حوزه جنجالی‌اند. منتقدان مسعد بر این باورند که نگاه تاریخی او از تحلیل دوران معاصر و امروزه روز که مسأله اقلیت‌های جنسی، مسأله حقوق بشر است و اقلیت‌های جنسی باید سختی‌های بسیاری را متحمل شوند تا بتوانند با هویت جنسیتی یا گرایش جنسی منتخب خود زندگی کنند، وامانده است.^{۶۹}

درست است که در گذر تاریخ در ایران و سایر کشورهای اسلامی، گونه‌های مختلفی از روابط با همجنس وجود داشته است، اما زندگی معاصر اقلیت‌های جنسی‌ای که در کشورهای اسلامی زیست می‌کنند، قسمتی از جنبش جهانی دگرباشان جنسی و در رابطه و دیالوگ با این جنبش است. عاملیت انسان‌های امروزی در انتخاب هویت‌های جنسیتی و گرایش‌های جنسی را نباید نادیده گرفت.^{۷۰}

روابط جنسی با همجنس در ایران تاریخی

حوزه تاریخ‌نگاری روابط با همجنس در ایران در گذر تاریخ، حوزه‌ای است که به تازگی توجه محققان را به خود جلب کرده است. کمبود منابع در حوزه تاریخ مردمی، نبودن بودجه‌های دولتی برای تحقیقات این‌چنینی در ایران و کتمان همه‌جانبه سیاسی روابط با همجنس، کار را مشکل کرده است. به همین دلیل پژوهش‌ها در این حوزه محدود به پروژه‌های تحقیقاتی دانشگاه‌های خارج از ایران شده است.

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، سیروس شمیسا، استاد ادبیات فارسی، تنها دانشگاهی ساکن ایران است که پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، روابط با همجنس در ادبیات فارسی را مورد نقد و بررسی قرار داده است. شمیسا توجه ویژه‌ای به مسأله «شاهدها»، یکی از انواع معشوق‌های همجنس برای مردان، در ادبیات فارسی دارد. شمیسا در کتاب خود با عنوان «شاهدبازی در ادبیات فارسی» به بررسی نقش شاهد در ادبیات فارسی در سده‌های مختلف تاریخی می‌پردازد. این کتاب به دلیل این که گاهی دارای لحن همجنس‌گراهراس است، مورد انتقاد است، اما از جنبه یافتن منابع، تحقیقات آرشیوی و تحلیل ادبی، منبع معتبری است.^{۷۱}

به غیر از تحقیقات سیروس شمیسا در مورد «شاهدبازی» که در نهایت توقیف و ممنوع از چاپ می‌شود، افسانه نجم‌آبادی استاد دانشگاه هاروارد، دو پژوهش عمده در حوزه روابط با همجنس در تاریخ قاجار و مسأله عمل تغییر کارکرد جنسیت و تراجنسیتی‌های ایران معاصر را به انتشار رسانده است.

افسانه نجم‌آبادی متخصص حوزه جنسیت و جنس‌گونگی در تاریخ ایران (و به‌خصوص تاریخ قاجار) پروژه‌های مشابه با آن چه مسعد در نظر دارد، انجام داده است. او به بررسی اجمالی تاریخ ایران و بررسی دقیق تاریخ قاجار پرداخته و در کتاب «زنان سیلو، مردان بی‌ریش» تلاش کرده است که گوناگونی جنسیت‌ها، رفتارهای جنسی و گرایش‌های جنسی این دوران را تاریخ‌نگاری کند.^{۷۲}

69. Schmitt, A. «Gay Rights versus Human Rights: A Response to Joseph Massad.» *Public Culture* 15.3 (2003): 587-92.

70. Amer, S. «Joseph Massad And The Alleged Violence Of Human Rights.» *GLQ: A Journal of Lesbian and Gay Studies* 16.4 (2010): 649-53.

۷۱. شمیسا، سیروس. شاهدبازی در ادبیات فارسی. چاپ اول. تهران: چاپ خانه رامین، ۱۳۸۱.

۷۲. نگاه کنید به:

Najmabadi, Afsaneh. *Women with Mustaches and Men without Beards Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity*. Berkeley: University of California Press, 2005.

افسانه نجم‌آبادی که سفرنامه‌های مستشرقان را بررسی کرده است، به حضور پسران و مردان جوانی که مانند زنان در دربار صفوی لباس می‌پوشند، آواز می‌خوانند و می‌رقصند اشاره می‌کند. برای مسافران اروپایی‌ای مانند توماس هربرت (۱۶۸۲-۱۶۰۶) که با سفیر وقت انگلستان ایران‌گردی می‌کرده است، این پسران جوان ملبس به لباس زنانه حکم دگرجنس‌پوش‌هایی را که زن شده‌اند داشته‌اند و آن‌ها این‌طور برداشت کرده‌اند که بین اینان و مردان دیگر روابط جنسی برقرار است. به‌غیر از توماس هربرت، افسانه نجم‌آبادی بسیاری دیگر از سفرنامه‌های اروپایی‌هایی را که به ایران سفر کرده بودند، نام می‌برد که در مورد روابط با همجنس در ایران نوشته‌اند. این مسافران اروپایی، قضاوت‌های مختلفی نسبت به این روابط ارائه داده‌اند: گاهی آن را مربوط به تفکیک جنسیتی و فشارهای جنسی دانسته‌اند، گاهی از روابط غیر طبیعی زنان و بی‌مهری زنان به مردان و برعکس سخن گفته‌اند و گاه نیز مستقیماً این روابط را مصداق «همجنس‌بازی» برداشت کرده‌اند.^{۷۳}

در عین حال منابع تاریخی در مورد روابط نزدیکی جنسی با همجنس در میان زنان، هنوز تاریخ‌نگاری نشده‌اند، ولی واژگانی همچون «سعتربازی» نیز در ادبیات فارسی یافت می‌شود که به مفهوم آمیزش جنسی دو زن با هم از طریق جسمی خارجی مانند «مچ‌چانگ» (دیلدوهای چرمی) است که زنی آن را به خود می‌بندد و بر روی زن دیگر عمل دخول انجام می‌دهد.^{۷۵}

گوناگونی‌های روابط جنسی در گذر تاریخ در ایران

در این بخش به برخی از واژه‌هایی که بیشتر در دوران صفویه و قاجار برای توضیح گوناگونی‌های جنسی باب بوده‌اند می‌پردازیم.

آبجی، باجی: به ترکی مفهوم خواهر را دارد، ولی برای مردان نیز به کار می‌رفته است. مردی که از دخول در مقعدش لذت جنسی می‌برد و ترجیح می‌دهد با مردان دیگر رابطه جنسی از طریق دخول مقعدی ایجاد کند.^{۷۴}

شاهد: نوعی نظربازی در سنت صوفیان با پسران زیبا بوده است که زیبایی آن‌ها شهادت وجود/قدرت/زیبایی خداوند قلمداد می‌شده است. شاهدبازی و اشعار عاشقانه برای شهدا در ادبیات فارسی بسیار یافت می‌شود.^{۷۷}

۷۳. نگاه کنید به «زنان سیلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۳۴-۳۶.

۷۴. برای تاریخ‌نگاری دوستی‌های زنانه و نزدیکی‌های زنانه در ایران دوران صفوی که لزوماً مربوط به روابط فیزیکی جنسی نیستند، نگاه کنید به:

Kathryn Babayan, "In spirit We Ate of Each Other's Sorrow: Female Companionship in Seventeenth Century Safavi Iran." Pp. 239-274 in *Islamicate Sexualities: Translations across Temporal Geographies of Desire*, eds. Kathryn

Babayan and Afsaneh Najmabadi, Harvard University CMES, 2008.

۷۵. افسانه نجم‌آبادی معتقد است که منابع تاریخی که در مورد مردان هستند، اگر به صورت تحلیلی واکاوی شوند منابعی در مورد زنان نیز خواهند بود. با این حال ابراز تأسف می‌کند، کتاب «زنان سیلو، مردان بی‌ریش» حاوی اطلاعات تاریخی زیادی در مورد روابط همجنس‌خواهانه در میان زنان نیست. او ذکر می‌کند که تاریخ‌نگاری روابط همجنس‌خواهانه در میان زنان، پروژه خواهد بود که مایل است دنبال کند.

۷۶. نگاه کنید به «زنان سیلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۲۱۲.

۷۷. نگاه کنید به «زنان سیلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۱۷.

بی‌ریش: به مردی اطلاق می‌شده که موی صورتش تازه درآمده بوده یا کمتر از عموم مردان بوده است و با مردان یا پسران رابطه جنسی داشته است.^{۷۸}

مأبون: مأبون یا مرد ابنه‌ای مردی بوده که معشوق مردان دیگر می‌شده است. ابن سینا در کتب پزشکی‌اش، مأبون بودن را نوعی بیماری از سر بی‌ارادگی تعریف می‌کند، اما برداشت ابن سینا همانند برخورد عالم پزشکی در اروپای قرن ۱۸-۱۹ نبوده که همجنس‌گرا را به عنوان یک «گونه منحرف» مطرح می‌کنند.^{۷۹}

کافر بچه، مغ بچه یا ترسبچه: معشوق مردان مسلمان از ادیانی غیر از اسلام بودند و نوعی رابطه مرئوسی جنسی بین مسلمانی که با کافر بچه عشق‌بازی می‌کرده، وجود داشته است. کافر بچه، اشاره به پسران از هر دینی غیر از اسلام، مغ بچه اشاره به پسران زرتشتی و ترسبچه اشاره به پسران مسیحی دارد.^{۸۰}

آمرد، ساده و یا کوسه: امرد اشاره به جوانی داشته است که تازه ریش درآورده، اما هنوز ریشش پر پشت نشده است. امردها معشوق مردان بودند و این صفت سنخیتی با «زن صفتی» نداشته است.^{۸۱} به عبارتی مردان دیگر به امردها به دلیل «زنانه بودن» آن‌ها جذب نمی‌شدند.^{۸۲}

مخنث: مردی بزرگسال که تمایل به ایجاد رابطه با مردان بزرگسال دیگر داشته است و معمولاً خود را شبیه مردان جوان‌تر و بی‌ریش آرایش می‌کرده است. مخنث‌ها نیز به «زن صفتی» معروف نبودند و دلیل جذب مردان دیگر به آن‌ها، زنانه بودن مخنث‌ها نبوده است.^{۸۳}

آدم‌داری: سنت مردان بزرگسال برای مصاحبت جنسی، معاشرت و همراهی با مردان جوان‌تر از خود بوده که به مرد بزرگسال در این رابطه «ملحف» (به مفهوم دربرگیرنده) می‌گفتند.^{۸۴}

واژگان ذکر شده در بالا، دیگر عملاً منسوخ شده‌اند و این نوع روابط هم اگر وجود داشته باشد، این روزها اسم خاص یا رسم خاصی ندارند (چنانچه مثلاً بی‌ریش‌های دربار قاجار داشته‌اند). هویت‌ها یا اجراگری‌های جنسی که شامل روابط با همجنس یا رفتارهای خارج از تعریف روابط جنسی بر اساس دوگانه زن و مرد بوده است، امروز اگرچه همچنان وجود دارند، اما با همان تعاریف و اسامی که در تاریخ ادبیات فارسی و تاریخ مردمی ایران مطرح بوده‌اند، دیگر مرسوم نیستند. کسی دیگر از کلمات شاهدبازی،

افسانه نجم‌آبادی متخصص حوزه جنسیت و جنس‌گونی در تاریخ ایران (و به خصوص تاریخ قاجار) پروژه‌ای مشابه با آن چه مسعد در نظر دارد، انجام داده است. او به بررسی اجمالی تاریخ ایران و بررسی دقیق تاریخ قاجار پرداخته و در کتاب «زنان سبیلو، مردان بی‌ریش» تلاش کرده است که گوناگونی جنسیت‌ها، رفتارهای جنسی و گرایش‌های جنسی این دوران را تاریخ‌نگاری کند.

۷۸. نگاه کنید به «زنان سبیلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۳۵.

۷۹. نگاه کنید به «زنان سبیلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۱۷ و ۵۷.

۸۰. نگاه کنید به «زنان سبیلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۲۵۳.

۸۱. دلیل تأکید به این مسأله این است که انسان معاصر، مردانی که معشوق مردان دیگراند یا تمایل به ایجاد رابطه احساسی و جنسی با مردان دیگر دارند را با پیش فرض، زنانه محسوب می‌کنند. این رابطه در ایران قاجار برقرار نبوده است و امرد برای جذب مردی دیگر به خود، اجراگری زنانگی از خود بروز نمی‌داده است و نقش‌های جنسیتی خود را به‌عنوان یک امرد حفظ می‌کرده است.

۸۲. نگاه کنید به «زنان سبیلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۱۵-۲۵.

۸۳. نگاه کنید به «زنان سبیلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۱۶.

۸۴. نگاه کنید به «زنان سبیلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۲۴.

امردبازی، بی‌ریش‌نوازی، آدم‌داری یا مأبون‌بازی برای توصیف انواع خاص روابط بین دو مرد استفاده نمی‌کند. همچنین هویت‌های جنسی/جنسیتی امرد، بی‌ریش، شاهد، مأبون، مخنث که تا اوایل دوران پهلوی در ایران هم کاربرد داشته‌اند، دیگر هویتی نیستند که اشخاص برای تعریف خود از آن استفاده کنند.^{۸۵}

دغدغه دگرباشان جنسی ساکن ایران معاصر، در شرایطی که از حقوق اولیه خود بی‌بهره‌اند، احیای تاریخ روابط با همجنس نیست. چه بسا بسیاری از آن‌ها از این تاریخ بی‌اطلاع باشند. هرچند شاید مطرح شدن این مبحث توسط پژوهشگران، روزنامه‌نگاران، متخصصان ارتباطات باب تولید دانش بیشتری را در حوزه تاریخ جنسیت در ایران را فراهم آورد.

۸۵. هلن کافی، در مطلبی که با عنوان «تهران: عشقی پرخطر» که در کتاب با عنوان سکسوالیته و اروتیسم در میان مردان جوامع مسلمان در سال ۱۹۹۱ منتشر شده است، می‌نویسد:

«در طول سال‌های پایانی حکومت شاه، شاهدبازی (که هیچ‌گاه رضایت شاهد‌ها یا پسر‌ها لحاظ نمی‌شد) آرام‌آرام جای‌اش را به همجنس‌گرایی (سبک غربی) داد. در ۱۹۷۷ همه مردم تهران شایعه ازدواج یک نقاش و یک موسیقی‌دان را دهان به دهان نقل می‌کردند. امروزه ناممکن است که بتوان علایق «ناهنجار و غیر اسلامی» افراد را بر زبان آورد. اما حتی کورتترین و شدیدترین سرکوب‌ها هم نمی‌تواند ماهیت انسان را تغییر دهد... و نبود آزادی، حاشیه‌نشینی زنان، اقتصاد بیمار باعث می‌شوند تا هزاران اکبر [مردی همجنس‌گرا از طبقات فقیرتر جامعه ایران است] به تن‌فروشی رو کنند، باعث می‌شود تا سربازها تجاوزگر شوند و باعث می‌شود تا هنرمندان همجنس‌گرا تن و روحشان را روانه تبعید کنند» (ترجمه از حمید پرنیان).

نگاه کنید به:

Helene Kafi. 1982. "Tehran: Dangerous Love". In: *Sexuality and Eroticism Among Males in Moslem Societies*. Edited by Arno Schmitt. New York: Haworth Press, 1992. 67-69.





روابط جنسی با همجنس در ایران معاصر

در دوران معاصر روابط با همجنس در ایران قبح عرفی دارد و بر طبق باورهای ادیان مختلف در ایران به‌ویژه اکثریت شیعه حاکم بر ایران، روابط جنسی با همجنس به اشکال مختلف آن گناه است. در بخش‌های بعدی بیشتر به کیفیت قوانین و احکام شیعه در خصوص روابط با همجنس در چهارچوب قوانین شرعی و قانون مجازات اسلامی در ایران، خواهیم پرداخت. گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی فراهنجار در ایران معاصر قبح عرفی نیز دارند. در پروژه‌های مستندسازی نقض حقوق انسانی که به‌طور مستقیم با همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌های ایرانی گفت‌وگو شده است، همه آن‌ها به مشکلات فرهنگی و اجتماعی به ویژه خشونت‌های خانوادگی اشاره کرده‌اند.

با وجود تمام خشونت‌های قانونی، فراقانونی و محدودیت‌های اجتماعی، دگرباشان ایرانی در ایران شروع به گفتن و نوشتن درباره زندگی‌هایشان کرده‌اند. هویت‌های انتخابی بسیاری از دگرباشان جنسی ایران معاصر همراه با جنبش جهانی دگرباشان جنسی است. بسیاری از دگرباشان جنسی ایرانی، از واژگانی که توسط جنبش جهانی حقوق همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها برای توصیف احساس‌های جنسی افراد به یکدیگر و پیامدهای اجتماعی این تمایلات و احساس‌ها تعریف شده، استفاده می‌کنند. در ایران امروزی و در میان گروه‌های اقلیت‌های جنسی شما افرادی را خواهید یافت که مصرانه خود را گی، لزبین، بای سکسوال یا تراجنسی می‌خوانند.

همجنس‌گرایی با روابط جنسی با همجنس تفاوت دارد

بیشتر دگرباشان جنسی در زبان فارسی، از واژگان مرسوم در غرب مانند گی، لزبین، ترنس و بای استفاده می‌کنند. در ایران معاصر اما افرادی نیز هستند که تمایل به روابط جنسی با همجنس دارند، اما تمایلی به تعریف این روابط با گرایش جنسی ندارند. به این ترتیب، این تمایلات تنها در صورتی جنبه هویت‌گرایش جنسی پیدا می‌کنند که

خود شخص این هویت را قبول کرده و خود را با آن تعریف کند. در غیر این صورت هر نوع رابطه جنسی خارج از عرف دگر جنس گرایی می‌تواند حالت خاصی باشد که نیازمند توضیحی طولانی‌تر از یک واژه یا اسم خاص است. به طور کلی، داشتن رابطه جنسی با همجنس لزوماً به مفهوم همجنس‌گرا بودن نیست و هر مرد یا زنی که با همجنس خود رابطه جنسی برقرار می‌کند، لزوماً خود را همجنس‌گرا نمی‌داند. همجنس‌گرایی، یک گرایش جنسی هویتی است که شخص برای خود انتخاب می‌کند یا با توجه به شرایط و قرائن آن را گرایش جنسی خود می‌داند. مسأله انتخابی بودن یا اکتسابی بودن گرایش جنسی، چنانچه در بخش تقسیم‌بندی‌های زیستی هویت جنسیتی گفته شد، تفاوت نگاه به مسأله گرایش جنسی است. بسیاری از دگرباشان جنسی و پژوهشگران حوزه دانش‌های زیستی، گرایش جنسی را صرفاً انتخابی یا اکتسابی نمی‌دانند، بلکه معتقدند که عوامل وراثتی زیستی همراه با محیط پیرامونی در نمود گرایش‌های جنسی همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و دگرجنس‌گرا مؤثر است.

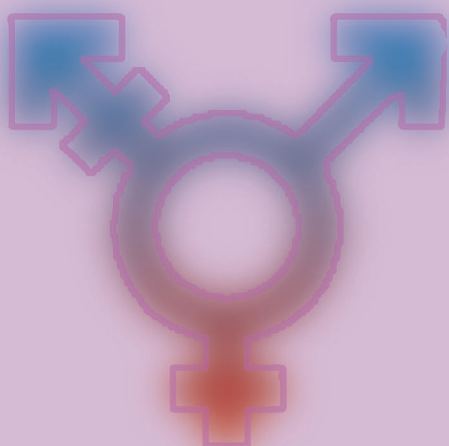
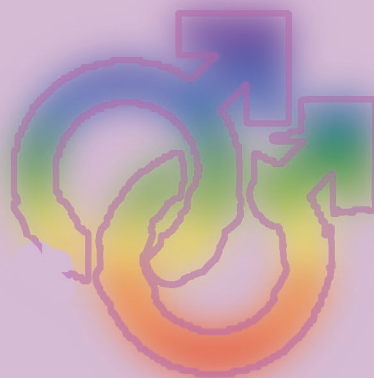
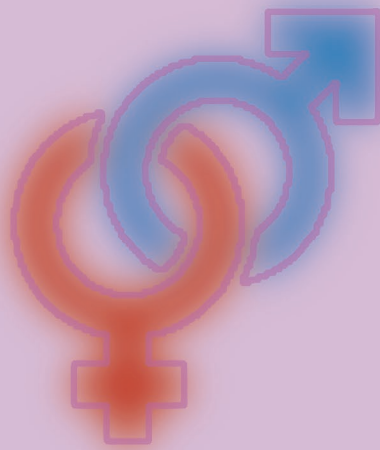
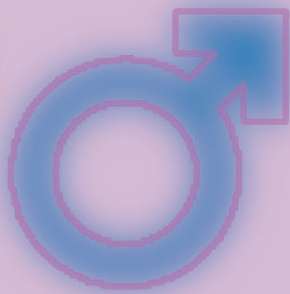
باین‌حال روزنامه‌نگاران در گفت‌وگو با دگرباشان جنسی، با افرادی مواجه خواهند شد که تأکید بیشتری بر وجه اکتسابی یا انتخابی گرایش جنسی خود می‌گذارند. به‌عنوان مثال، می‌گویند که من همجنس‌گرا زاده شدم. یا می‌گویند همجنس‌گرایی را انتخاب کردم. تفکیک بین کسی که رابطه جنسی با همجنس دارد و کسی که خود را همجنس‌گرا می‌داند در حوزه شخصی و «سابجکتیو» هر فرد است و خبرنگاران بهتر است به انتخاب واژگان افراد برای توضیح گرایش جنسی خود دقت کنند و هر کسی را که رابطه جنسی با همجنس دارد، همجنس‌گرا فرض نکنند. همچنین، بهتر است که به توضیح فلسفه وجودی گرایش جنسی هر فرد از زبان خود او توجه کنند. اگر فردی گرایش جنسی‌اش را امری صددرصد اکتسابی می‌داند، این مسأله حساسیتی است که باید به آن توجه شود.

سیالیت گرایش جنسی و هویت جنسیتی

تمایلات جنسی افراد سیالند و افراد می‌توانند در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف، گرایش و تمایل جنسی متفاوتی داشته باشند. مهم است که مسأله اخلاق، حفظ حریم شخصی افراد، حق فردی بر تعیین سرنوشت، استقلال افراد برای ایجاد تغییر در هویت‌های جنسی و جنسیت‌شان، تمایلات و گرایش‌های جنسی افراد به رسمیت شناخته شوند. هرگونه به رسمیت نشناختن حقوق افراد به‌خاطر داشتن گرایش جنسی و هویت جنسیتی متفاوت از مصادیق همجنس‌گراهراسی است که معضلی فرهنگی در جامعه ایران است.^{۸۶}

۸۶. مسأله سیالیت هویت جنسیتی و گرایش جنسی مبحثی مفصل در نظریه کویر است. این جزوه مجال پرداختن به تمام وجوه این نظریه را ندارد، اما اگر مایل هستید بیشتر در مورد سیالیت هویت جنسیتی و گرایش جنسی بخوانید، نگاه کنید به:

Diamond, Lisa M. *Sexual Fluidity: Understanding Women's Love and Desire*. Cambridge, MA: Harvard UP, 2008. Print.



واژه‌ها و اصطلاحات مورد نیاز در حوزه جنسیت و گرایش جنسی

همجنس‌گرا (Homosexual): در دنیای «غرب» واژه «هوموسکسوال» به مفهوم همجنس‌گرا، برای اولین بار توسط یک پزشک مجارستانی به نام کارولی ماریا کرتینی، در سال ۱۸۶۹ میلادی ساخته شد. کرتینی که بنا به روایت‌های مختلف، خود نیز همجنس‌گرا بود، به دنبال راهی بود تا تمایل داشتن به رابطه جنسی با همجنس را طبقه‌بندی علمی کند تا به این وسیله «توجیهی» علمی برای حقانیت همجنس‌گرایان مقابل مؤاخذه اجتماعی، سیاسی و مذهبی در اروپای قرن نوزدهم پیدا کند.

خود کلمه «هوموسکسوال» در ساختار زبان لاتین از واژه یونانی «homos» به مفهوم «همان» یا «هم» و واژه لاتین «sexualis» به مفهوم «کنش سکس» یا کنش رابطه جنسی ساخته شد. هوموسکسوال یا همجنس‌گرا، به این ترتیب فردی است که با همجنس خود رابطه فیزیکی جنسی برقرار می‌کند.^{۸۷}

لزبین (Lesbian): در زبان‌های با ریشه لاتین به مفهوم زنی است که تمایل و گرایش جنسی به همجنس خود دارد. واژه‌ای است که اسم خاص برای همجنس‌گرایان زن است. با این که واژه لزبین می‌تواند انواع لذت‌های بین دو یا چند زن را تداعی کند، شاخص گرایش جنسی و رابطه جنسی بین دو یا چند زن، بیشتر مد نظر است. ریشه کلمه لزبین از واژه یونانی «لزبوس» (Lesbos) می‌آید و اشاره به نام جزیره‌ای در یونان باستان دارد که «سافو» (Sappho) زنی شاعر در سال ۶۳۰ قبل از میلاد در آن جا به دنیا آمد و در آن زیست. سافو که به نوعی الهه

۸۷. برای اطلاعات بیشتر در مورد «ساخته شدن» مفهوم همجنس‌گرا در گفتمان‌های پزشکی و روان‌پزشکی و سپس ساخته شدن مفهوم همجنس‌گرایی در جوامع اروپایی در گذر تاریخ، مراجعه کنید به:

Greenberg, David. The Construction of Homosexuality. Chicago: University of Chicago Press, 1990.

برای نگاه انتقادی به ساخته شدن مفهوم همجنس‌گرا در ساختار تأدیبی علم پزشکی و روان‌پزشکی مراجعه کنید به:

Foucault, Michel. The History of Sexuality. New York: Vintage Books, 1988.

نمادین لزیب‌های امروزی است، بیشتر اشعار خود را در مدح و ثنای زنان می‌نوشته و بسیاری از این اشعار خطاب به معشوقه زن نوشته شده است.^{۸۸}

واژه لزیب در زبان فارسی معادل ندارد و با این حال در میان خود همجنس‌گرایان فارسی‌زبان، استفاده از واژه لزیب رواج دارد. برخی پیشنهاد کرده‌اند که از واژه «بارونی» که در زبان عامیانه به مفهوم نوع خاصی از رابطه عاشقانه یک زن نسبت به زنی دیگر است، به‌عنوان معادل استفاده شود. واژه «بارونی» عموماً به زن یا دختری اطلاق می‌شود که عاشق زنی دیگر می‌شود و تأکید بر وجود تمایل جنسی و احساسی دارد. مطالعات ریشه‌یابی در مورد این واژه، منتشر نشده است و برخی واژه «بارونی» را به اواخر دوران قاجار نسبت می‌دهند.^{۸۹}

گی (Gay): به مفهوم واقعی کلمه یعنی خوشحال یا بی‌خیال؛ اما در طی سال‌ها به صفتی برای توصیف همجنس‌گرایان (هم‌زن و هم‌مرد) تبدیل شده است. امروزه این واژه به‌عنوان اسم خاصی برای همجنس‌گرایان زن و مرد استفاده می‌شود. برای مشخص کردن جنسیت فرد «گی» از واژه‌های زن و مرد استفاده می‌شود؛ مثلاً مرد گی و یا زن گی به ترتیب به مفهوم مرد همجنس‌گرا و زن همجنس‌گراست.

زبان‌شناسان بر سر تاریخ واژه «گی» و ریشه آن اختلاف دارند، اما برخی معتقدند که استفاده از آن به قرن ۱۲ میلادی بر می‌گردد. برخی دیگر، «گی» را واژه‌ای فرنگی (منسوب به قبایل «فرانک»، مردمان ساکن اطراف رودخانه راین) می‌دانند. از قرن ۱۴ تا ۱۸ واژه «گی» به مفهوم «شاد و بی‌خیال»، «با شکوه و زیبا» و گاهی نیز به مفهوم «هرزه» یا «شهوت‌برانگیز» استفاده می‌شده است. در اواخر قرن نوزدهم میلادی، واژه «گی» با مفاهیم مربوط به بی‌بندبازی و بی‌قیدی جنسی مرتبط شد و حتی به فاحشه‌خانه‌ها «خانه گی‌ها» (Gay House) می‌گفتند.^{۹۰} واژه «گی» به مفهوم همجنس‌گرا در بین خود همجنس‌گرایان از سال‌های ۱۹۲۰ رواج داشته و به‌عنوان اسم رمز استفاده می‌شده است. امروزه واژه «گی»، تبدیل به مفهومی جهانی شده و در بسیاری از زبان‌ها دقیقاً همین واژه به مفهوم همجنس‌گرا استفاده می‌شود (مثلاً در فرانسوی، هلندی، دانمارکی، ژاپنی، سوئدی و انگلیسی). با این‌که هنوز معادلی همه‌پسند برای این واژه در زبان فارسی ارائه نشده است، در میان خود همجنس‌گرایان ایرانی خود واژه «گی» رواج دارد.^{۹۱}

۸۸. نگاه کنید به:

Reynolds, Margaret. *The Sappho Companion*. New York, N.Y.: Palgrave, 2002.

۸۹. مطالعات آرشپوی افسانه نجم‌آبادی در کتاب «زنان سبیلو، مردان بی‌ریش نشان» می‌دهد که تعدادی از مستشرقین روابط خواهرخواندگی زانی که با هم صیغه خواهری می‌خوانند، آن را نوعی رابطه جنسی همجنس با هجنس خوانده‌اند. البته نجم‌آبادی منتقدانه این منابع را ذکر می‌کند و معتقد است هیچ مدرک تاریخی‌ای که نشانی برای وجود رابطه جنسی در صیغه خواهرخواندگی باشد، به جای نمانده است (ص. ۳۸). بیشتر این مستشرقین در مورد فضاهای تفکیک شده جنسیتی این‌طور برداشت کرده بودند که رابطه همجنس‌خواهانه در این فضاها وجود دارد؛ برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

Najmabadi, Afsaneh. *Women with Mustaches and Men without Beards Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity*. Berkeley: University of California Press, 2005.

۹۰. همچنین نگاه کنید به:

- Leap, William L. «Rethinking Language and Gender: Recent Steps toward a Lesbian, Gay, Bisexual and Transgendered Linguistics.» *World Englishes* 17.2 (1998): 191-92.

- Pierce, Dean. «Language, Violence, and Queer People.» *Journal of Gay & Lesbian Social Services* 13.1-2 (2001): 47-62.

- Chonody, Jill M., Scott Edward Rutledge, and Scott Smith. «Thats so Gay»: Language Use and Antigay Bias Among Heterosexual College Students.» *Journal of Gay & Lesbian Social Services* 24.3 (2012): 241-59.

۹۱. برای ریشه واژه «گی» نگاه کنید به:

«Online Etymology Dictionary.» *Online Etymology Dictionary*. N.p., n.d. Web. 24 Oct. 2012. <<http://www.etymonline.com/index.php?term=gay>>.

دگر جنس گرایی (Heterosexuality): واژه‌ای برای توصیف تمایل و گرایش جنسی افراد به جنس مخالف خود است. این واژه در همان سال ۱۸۶۹ که واژه «هوموسکسوال» ساخته شد، به‌عنوان کلمه‌ای معادل برای دگر جنس گرایی به قصد ایجاد یک طبقه‌بندی علمی برای توضیح رفتارهای جنسی انسان‌ها، ساخته شد. در وسیع‌ترین معنای آن، «دگر جنس گرایی» می‌تواند مفهوم جاذبه جنسی به جنس مخالف را بیان کند. عموماً مسأله آمیزش جنسی و خود کنش «سکس» با جنس مخالف، در مفهوم دگر جنس‌گرا مندرج است. به‌عبارتی، فردی که می‌گوید دگر جنس‌گراست، به جنس مخالف جذب می‌شود و با جنس مخالف نزدیکی جنسی دارد.

دوجنس گرایی (Bisexuality): واژه‌ای برای توصیف تمایل و گرایش هم به جنس مخالف و هم به همجنس است. عموماً در نظام دگر جنس‌گرا محور که جنسیت‌ها به زن و مرد تقسیم می‌شود، این واژه به مفهوم تمایل و گرایش جنسی هم به زنان و هم به مردان است. شخص دوجنس‌گرا به این ترتیب هم به خصوصیات جنسی زنان جذب می‌شود و هم به خصوصیات مردان.

دوجنس‌گراهراسی، مفهومی است که در سال‌های اخیر توسط جنبش حقوق دوجنس‌گرایان مطرح شده است. برداشت‌های ذات‌گرا و طبیعت‌محور نسبت به گرایش جنسی، آن را منوط به اکتسابی بودن کرده‌اند. این برداشت‌ها که در دل خود جنبش دگرباشان جنسی شکل گرفته‌اند، دوجنس‌گرایی را با اکتسابی بودن توضیح نمی‌دادند. این موجب دیگری‌سازی نسبت به دوجنس‌گرایان درون خود جنبش‌های اقلیت‌های جنسی شده است. در ۲۰ سال گذشته گروه‌های بیشتری کلمه دوجنس‌گرا را به نام گروه خود افزوده‌اند و مسأله عدم حاشیه‌سازی و دیگری‌سازی درون جنبش دگرباشان جنسی مطرح شده است.^{۹۲}

گرایش دگرباش جنسی (Queer Orientation): معمولاً واژه‌ای برای توصیف

گرایش جنسی غیر دگر جنس‌گرا است که در محدوده همجنس‌گرایی یا دوجنس‌گرایی نمی‌گنجد. همچنین کسانی که مایل نیستند گرایش جنسی‌شان به سه حالت همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و دگر جنس‌گرا محدود باشد، برای توصیف گرایش جنسی خود از واژه دگرباش جنسی استفاده می‌کنند.

در حوزه توصیف جنسیت و جنس‌گونگی، واژه دگرباش در مورد کسانی که نمی‌خواهند جنسیت‌شان محدود به دوگانه زن و مرد باشد نیز، استفاده می‌شود. در این حالت شخص خود را دارای جنسیت دگرباش (Queer Gender) معرفی می‌کند. این ترکیب هویت‌گریز است.

بی‌میلی به سکس یا آسکسوالیته (Asexuality): در توضیح فقدان جاذبه جنسی به دیگران است؛ واژه‌ای برای توصیف حالتی است که فرد از کنش آمیزش جنسی، لذت نمی‌برد. این سؤال که آیا بی‌میلی به سکس نوعی

92. - Obradors-Campos, Miguel. «Deconstructing Biphobia.» Journal of Bisexuality 11.2-3 (2011): 207-26. Web.

- Galupo, M. Paz. «Sexism, Heterosexism, and Biphobia.» Journal of Bisexuality 6.3 (2006): 35-45.

واژه لژیون در زبان فارسی معادل ندارد و باین حال در میان خود همجنس‌گرایان فارسی‌زبان، استفاده از واژه لژیون رواج دارد. برخی پیشنهاد کرده‌اند که از واژه «بارونی» که در زبان عامیانه به مفهوم نوع خاصی از رابطه عاشقانه یک زن نسبت به زنی دیگر است، به‌عنوان معادل استفاده شود. واژه «بارونی» عموماً به زن یا دختری اطلاق می‌شود که عاشق زنی دیگر می‌شود و تأکید بر وجود تمایل جنسی و احساسی دارد. مطالعات ریشه‌یابی در مورد این واژه، منتشر نشده است و برخی واژه «بارونی» را به اواخر دوران قاجار نسبت می‌دهند.

گرایش جنسی است یا نه، محل اختلاف است. با این حال افرادی هستند که گرایش جنسی خود را آسکسوال معرفی می‌کنند. همچنین کسانی هستند که افراد آسکسوال را بدون گرایش جنسی می‌دانند که خود این به دلیل به رسمیت نشناختن احساسات جنسی افراد مورد انتقاد است (فقدان جاذبه جنسی خود می‌تواند حسی جنسی باشد). مفهوم بی‌میلی به آمیزش جنسی با مفهوم «پرهیزکننده از سکس» متفاوت است. کسانی که به کنش آمیزش جنسی علاقه دارند و از آن لذت می‌برند، اما با عاملیت خود تصمیم می‌گیرند که رابطه جنسی نداشته باشند، «پرهیزکننده» اند.

میان سکسی، میان جنسی یا اینترسکسوالیته (Intersexuality): به‌عنوان واژه «صحیح سیاسی»، در علوم پزشکی، علوم انسانی و علوم اجتماعی، برای اطلاق به انسان‌هایی که ویژگی‌های فیزیکی و دستگاه تناسلی‌شان چیزی بین نر و ماده، هم نر و هم ماده و یا کاملاً متفاوت از آن چه نر و ماده فرض می‌شود است.

میان سکسی، در گفتمان‌های پزشکی اسم خاص افرادی است که به‌طور مادرزادی دارای خاصیت‌های فوق‌همراه با گوناگونی ژنتیکی متفاوت از کروموزم‌های ایکس و وی باشند. در لحظه لقاح و ترکیب کروموزمی، هر نوع ترکیبی که منجر به تولید کروموزم‌های جنس زن = XY و جنس مرد = XX نشود، می‌تواند نوزادی تولید کند که چه در بدو تولد و چه در مرحله رشد ثانویه جنسی (رشد سینه‌ها، موی صورت، موی آلت تناسلی و...) تبدیل به انسانی میان جنسی شود.

در فارسی و همچنین در ادبیات پزشکی فارسی به افراد میان سکسی، دوجنسی نیز گفته می‌شود و این به دلیل این است که برخی از میان جنسی‌ها، دارای آلت تناسلی زنانه و مردانه توأم با هم‌اند، اما این شامل حال همه میان جنسی‌ها نمی‌شود. میان سکسی و میان جنسی دو واژه است که به هر دو هم برای اطلاق به جنس/سکس استفاده می‌شود و هم برای توصیف جنس‌گونگی/جنسیت.

واژه هرمافرودیت: به شکل کلاسیک آن در ادبیات علوم پزشکی برای اطلاق به «بیمارانی» که دچار «ابهام تناسلی» هستند استفاده می‌شده است (این واژه هنوز در ادبیات پزشکی در زبان فارسی استفاده می‌شود). به دلیل «نگ‌آمیز» بودن واژه «هرمافرودیت» و «بیمار» دانستن این افراد، واژه «میان سکسی» به‌عنوان واژه صحیح سیاسی، در میان جامعه پزشکی در غرب بیشتر کاربرد دارد.

موزاییسم جنسی، واژه‌ای است که در میان نظریه‌پردازان علوم انسانی در حوزه میان جنسی‌ها هستند، پیشنهاد شده است که تأکید به رسمیت شناختن گوناگونی‌ها در شاخص سکسیت و جنسیت دارد و برتری و اولویت‌بندی دوگانه زن و مرد را به چالش می‌کشد.^{۹۳}

۹۳. برای اطلاعات بیشتر در مورد تاریخ علم پزشکی و خشونت آن به افرادی که جنسیت بیولوژیک آن‌ها مبهم بوده است مراجعه کنید به مقدمه کتاب:

Barbin, Herculine, and Michel Foucault. Herculine Barbin: Being the Recently Discovered Memoirs of a Nineteenth-century French Hermaphrodite. New York: Pantheon, 1980. Print.

دانشی که امروز در مطالعات تراجنسیتی تولید می‌شود، مدیون تاریخ‌نگاری‌ها و نظریه‌پردازی‌های میشل فوکوست، فوکو در پژوهش‌های آرشیوی خود به دست‌نوشته‌های تراجنسی فرانسوی هرکولین باربین بر خورد و تحلیل‌های او از این دست‌نوشته‌ها منجر به مطرح شدن ابهام جنسیتی در محافل علوم انسانی و علوم اجتماعی شد.

هرکولین باربین (Herculine Barbin): در سال ۱۸۳۸ در کشور فرانسه با جنس رسمی و ثبت شده «زن» به دنیا آمد. رابطه جنسی او با زنی دیگر او را مورد پیگرد قانونی قرار داد و در سال ۱۸۶۰ قاضی حکم داد که جنسیت او باید به «مرد» تغییر پیدا کند و نام او هم تغییر کند. باربین در سال ۱۸۶۸ در سن ۳۱ سالگی خودکشی کرد. قبل از مرگ او خاطرات خود را از برخورد پزشکان، روان‌پزشکان و بازپرسان و مسئولان دادگاه و همچنین عشق خود به زنی دیگر نوشت. میشل فوکو تاریخ‌نگار و فیلسوف فرانسوی، خاطرات باربین را در حین پژوهش‌های آرشیوی‌اش در مورد تاریخ سکس و روند برخورد با هموفروditها در اروپا، در میان کتاب‌های خاک خورده کتابخانه‌های قدیمی یافت.

فوکو در مقدمه‌ای بر خاطرات هرکولین باربین نوشت و توضیح داد که بر خلاف پذیرش جنس سوم، جنسیت‌های مبهم و موزاییسم جنسی در قرون وسطی و در قرن ۱۹ میلادی علوم پزشکی و روان‌پزشکی و به همراه آن نهادهای مذهبی و قانونی، تأکید بر مشخص شدن سکس افراد و تعریف آن بر اساس دوگانه زن و مرد داشته‌اند. بررسی‌های تاریخی میشل فوکو نشان می‌دهد که در طول قرون وسطی، هموفروditها به‌عنوان افرادی دارای

کلاژی از صفات مردانه و زنانه به رسمیت شناخته می‌شدند و هنگامی که به بزرگسالی و بلوغ می‌رسیدند، حق داشتند جنسیت مورد علاقه خود را انتخاب کنند. همزمان با این اندیشه در علوم زیستی که هر فرد دارای یک جنس واقعی است و هر فردی که جنس او زن یا مرد نیست، دچار اختلال است، مشکلات افرادی که جنس سوم داشتند نیز افزون شد.^{۹۴}

دگر جنس‌شدگی، تراجنسی، تراسکسیته و یا ترنس سکسوالیته (Transsexuality): این واژه حالتی را توصیف می‌کند که فرد تمایل به تغییر جنسیت خود به جنسیتی متفاوت از آن چه در لحظه تولد خوانده شده است، دارد. به کمک پیشرفت‌های پزشکی، می‌توان با جراحی و با هورمون‌درمانی، جنسیت آناتومی و فیزیولوژی بدن هر کسی را تغییر داد. به این ترتیب فرد ترنس سکسوال، تراسکسی، تراجنسی و یا دگر جنس شده، فردی است که تمایل ندارد با جنسیتی که در لحظه تولد با آن زاده شده است، ادامه زندگی دهد و می‌خواهد هویت جنسی‌ای متفاوت از جنسیت بیولوژیک تعیین شده در زمان تولدش داشته باشد.

۹۴. نگاه کنید به مقدمه این کتاب:

Barbin, Herculine. Herculine Barbin: Being the Recently Discovered Memoirs of a Nineteenth-Century French Hermaphrodite. Comp. Michel Foucault. Trans. Richard McDougall. New York: Vintage, 2010. Print.

چیزی که در ایران امروز به جراحی تغییر جنسیت مشهور است، در علم پزشکی «عمل جراحی انتساب جنسیت» یا sex reassignment surgery خوانده می‌شود. در این عمل جراحی، سعی می‌شود که جنسیت طوری متحول شود که با هویت جنسیتی مورد درخواست فرد همخوان باشد. هرچند این همخوانی ممکن است به دلیل محدودیت‌های بیولوژیک با ایده‌آل‌های شخصی و تصور شخصی فرد از جنسیتش تفاوت داشته باشد. به همین دلیل بیشتر از خود عمل جراحی، کمک‌های روان‌درمان‌گران در پروسه انتساب جنسیت اهمیت دارد.

به مانند دیگر واژه‌ها و مفاهیم وارد شده به فارسی از زبان‌های دیگر، برای تمامی کلمات آورده شده در پاراگراف بالا، معادل‌های مختلف پیشنهاد شده برای واژه ترنس سکسوال هستند. در بین خود تراجنسی‌های فارسی‌زبان اما، واژه «ترنس» استفاده عمومی می‌شود. برای نشان دادن کیفیت تمایل به تغییر جنسیت معمولاً کسانی که تمایل دارند از مرد به زن تغییر جنسیت بدهند را «ام تو اف» می‌خوانند. ام تو اف مخفف Male to Female به زبان انگلیسی است که در فارسی، در بین خود دگرباشان جنسی جا افتاده است. به همین ترتیب کسی که «ترنس اف تو ام» است، زنی است که تمایل دارد مرد باشد یا مرد بشود.

تراجنسی یا دگرجنس شده عموماً به کسانی گفته می‌شود که با عمل جراحی جنسیت خودشان را تغییر داده‌اند. کسانی که تمایل به تغییر جنسیت از طریق انجام جراحی و هورمون‌درمانی دارند اما هنوز جراحی نکرده‌اند و همچنین کسانی که به‌طور کلی تمایل به عمل جراحی ندارند نیز خود را ترنس سکسوال می‌نامند.

خود واژه ترنس سکسوال و تقسیم‌بندی افراد بر اساس این که آیا عمل تغییر جنسیت صورت گرفته است یا نه، از تقسیم‌بندی‌های علم پزشکی و روان‌پزشکی بوده است که مورد نقد بسیاری از فعالین حقوق دگرباشان جنسی و اندیشمندان حوزه گوناگونی جنسی است. تاریخ علوم پزشکی نشان می‌دهند که این تقسیم‌بندی‌ها برای توضیح درمان بیماری «اختلال هویت جنسی» معرفی شده‌اند. نفس بیماری بودن ترنس سکسوالیته مورد نقد اندیشمندان حوزه جنسیت و جنس‌گونی و همچنین فلسفه اخلاق در مطالعات سکس و جنسیت است.^{۹۵}

باین حال علم پزشکی و روان‌پزشکی همچنان ترنس سکسوال‌ها را به سه گروه ۱. قبل از عمل یا pre-opera-tive؛ ۲. بعد از عمل یا post-operative و ۳. کسانی که به‌طور کلی تمایل به عمل کردن ندارند، تقسیم می‌کنند. اسامی پزشکی برای افراد ترنس سکسوال قبل و بعد از جراحی در زبان تراجنسی‌های فارسی‌زبان (و همچنین در فرهنگ‌های دیگر)، جنبه‌ای هویتی یافته است. کسانی که هنوز جراحی نکرده‌اند خود را «ترنس قبل عمل» (ترجمه واژه انگلیسی pre-operative) می‌خوانند.

دیوید ولنتاین، مردم‌شناس، یکی از کامل‌ترین تحقیقات را روی جنبش تغییر جنسیت انجام داده است. او به ارتباط کلمات مختلف مورد استفاده کارشناسان پزشکی، روان‌پزشکی، کنشگران حقوق ترنس سکسوال‌ها و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی و ارتباط این واژه‌ها در مقاطع مختلف تاریخی با برخوردهای تبعیض‌آمیز

۹۵. برای مطالعه‌ای فلسفی و نظری در حوزه عمل تغییر جنسیت و خشونت‌های خانوادگی و اجتماعی، نگاه کنید به کتاب فیلسوف جنسیت، جنس‌گونی و گرایش جنسی جودیت باتلر:

Butler, Judith. Undoing Gender. New York: Routledge, 2004. Print.

می‌پردازد. مسأله بیمار انگاشتن ترنس‌سکسوال‌ها با عنوان اختلال هویت جنسی یا Gender Identity Disorder همچنان محل اختلاف است.

بالین‌وجود، به دلیل هزینه بسیار بالای عمل جراحی تغییر جنسیت و هورمون‌درمانی‌های دائمی، بیماری شمردن شرایط خاص ترنس‌سکسوال‌ها در بسیاری از کشورها مسأله گرفتن کمک‌های دولتی، استفاده از سرویس‌های تأمین اجتماعی و بیمه‌های درمانی را از لحاظ حقوقی برای ترنس‌سکسوال‌ها راحت‌تر کرده است.^{۹۶}

ترنس‌سکسوالیته در ایران^{۹۷}: ترنس‌سکسوالیته به‌عنوان «اختلال هویت جنسی» برای اولین بار در ایران در سال‌های ۱۹۴۰ مطرح شد و بیشتر گفتمان‌های موجود روی تغییر جنسیت توسط مترجم‌های کتاب‌های پزشکی و روان‌پزشکی وارد زبان فارسی شد.^{۹۸}

پس از انقلاب ۱۳۵۷، در سال ۱۳۶۳ مریم خاتون ملک‌آرا موفق می‌شود که آیت‌الله خمینی را مجاب کند^{۹۹} تا فتوایی برای اجازه تغییر جنسیت صادر کند. از آن روز به بعد ساختارهای مذهبی و حقوقی در رابطه با مسأله تغییر جنسیت در ایران تغییر می‌کند و دولت ایران از طریق سازمان بهزیستی یارانه‌های درمانی در اختیار کسانی قرار می‌دهد که دچار «اختلال هویت جنسی» اند. این یارانه‌ها اما به شکل کنونی آن کفاف مخارج عمل تغییر جنسیت و هورمون‌درمانی‌ها را نمی‌دهند.

این مسأله که کشوری بنیادگرا به تراجنسی‌ها جواز تغییر جنسیت می‌دهد، توجه بسیاری از رسانه‌های غربی را جلب کرده است. به این ترتیب مسأله تراجنسی‌های ایران از طریق رسانه‌ها، تولیدات فرهنگی و فیلم‌های مستند («تولد» در سال ۲۰۰۶ و «مانند دیگران» در سال ۲۰۰۸) به جهانیان منتقل شده است.^{۱۰۱}

۹۶. برای اطلاعات بیشتر در مورد نقد اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی انسانی به روند برخورد با ترنس‌سکسوال‌ها در علم زیست‌شناسی، پزشکی و روان‌پزشکی مراجعه کنید به کتاب دوید ولنتاین:

Valentine, David. *Imagining Transgender: An Ethnography of a Category*. Durham: Duke University Press, 2007.

۹۷. برای اجراگری‌های تراجنسی یا تراجنسیتی در افغانستان، نگاه کنید به:

Margaret Mills, "Sex Role Reversals, Sex Changes, and Transvestite Disguise in the Oral Tradition of a Conservative Muslim Community in Afghanistan," pp. 187-213, in *Women's Folklore, Women's Culture*, edited by Rosan A. Jordan and Susan J. Kalcik. SB

۹۸. نگاه کنید به تحقیق میدانی و تاریخی افسانه نجم‌آبادی:

Najmabadi, Afsaneh. «Transing and Transpassing across Sex-Gender Walls in Iran.» *Women's Studies Quarterly*

36.3 & 4 (2008): 23-42 < <http://muse.jhu.edu/login?uri=/journals/wsq/v036/36.3-4.najmabadi.html> >.

۹۹. آیت‌الله خمینی قبلاً نیز در برداشت فقهی خود از مسأله روح و جسم به این نکته اشاره داشت که ممکن است کسی از لحاظ روحی در بدنی باشد که به وی تعلق ندارد. مسأله مخنث‌ها همیشه در فقه شیعه مطرح بوده است و آیت‌الله خمینی نیز به آن پرداخته است؛ نگاه کنید به:

Khomeini, Ruhallah. *Tahrir al-wasila*. Najaf: Matba'at al-Adab, 1967.

۱۰۰. برای شرح کامل داستان تغییر جنسیت مریم خاتون ملک‌آرا نگاه کنید به:

Tait, Robert. «A Fatwa for Freedom.» *Guardian*. 2005 July 27. <<http://www.guardian.co.uk/world/2005/jul/27/gayrights.iran>>

۱۰۱. برای نمونه نگاه کنید به:

- Abdo, Geneive. «Sex-Change Iranian Hates Life as Woman.» *Guardian*. 2000 June 20.

- Ellison, Jesse. «Be Like Others' Director Tanaz Eshaghian on Sundance, Sex Changes, and the Ayatollah.» 24 Jan 2008. *NYMag*. 16 Sept. 2009 < http://nymag.com/daily/entertainment/2008/01/be_like_others_director_tanaz.html >.

- Eqbali, Aresu. «Iran's Transsexuals Get Islamic Approval, But!» September 2004. *Middle East Online*. 4 May 2009. <<http://www.middle-east-online.com/english/?id=11423>>.

- Fathi, Nazila. «As Repression Eases, More Iranians Change their Sex.» *New York Times*. 2 August 2004.

- Harrison, Frances. «Iran's Sex-Change Operation.» January 2005. *BBC Newsnight*. 4 May 2009. <<http://news.bbc.co.uk/1/hi/programmes/>>

تراجنسی یا دگرجنس شده عموماً به کسانی گفته می‌شود که با عمل جراحی جنسیت خودشان را تغییر داده‌اند. کسانی که تمایل به تغییر جنسیت از طریق انجام جراحی و هورمون‌درمانی دارند اما هنوز جراحی نکرده‌اند و همچنین کسانی که به‌طور کلی تمایل به عمل جراحی ندارند نیز خود را ترنس‌سکسوال می‌نامند.

افسانه نجم‌آبادی نگاهی منتقدانه نسبت به روند تاریخی پزشکی محور شدن ترنس سکسوالیته در ایران دارد، اما توأمًا بر این باور است که بیماری شمردن اختلال هویت جنسی تا حدودی هم به یاری تراجنسی‌ها آمده است و هم زندگی همجنس‌گرایان را تا حدودی کم‌دردتر کرده است.^{۱۰۲} افسانه نجم‌آبادی، مداخله روان‌پزشکی و پزشکی برای تعیین «سکس» افراد را به همراه مشروعیت بخشی حکومتی به عمل تغییر جنسیت را مشکل‌زا پیش‌بینی کرده بود.

این خطر همیشه وجود دارد که مداخله جراحی زیستی به‌عنوان تنها گزینه برای به رسمیت شناختن قانونی از همجنس‌خواهی مطرح شود.^{۱۰۳} نجم‌آبادی پس از انجام یک مطالعه میدانی در ایران، اکنون بر این باور است که قانونی و شرعی شمردن تغییر جنسیت «اثرات ناخواسته‌ای» هم برای حکومت ایران داشته است «که در طول زمان به نفع همجنس‌گرایان» تمام شده است. او استدلال می‌کند که اگر چه در ساختار قانونی و اجتماعی کشور ایران خشونت قابل توجهی نسبت به همجنس‌گرایان می‌شود، قانون تغییر جنسیت فضای نسبتاً امن‌تری برای زنان و مردان همجنس‌گرا ایجاد کرده است. هم‌اکنون این بخش از شهروندان ایرانی با اتکا به فضای قانونی‌ای که مسأله «اختلال هویت جنسی» به وجود آورده است، کمی راحت‌تر به زیست خود ادامه دهند.^{۱۰۴}

فراجنسیتی، تراجنسیتی، دگر جنس‌گونه یا ترنس جندر (Transgender): این واژگان بیشتر دلالت بر جنبه جنس‌گونه‌ی و جنسیت در افرادی دارد که هویت جنس‌گونه‌ی آن‌ها فرای تعاریف مرسوم و دوگانه زن و مرد است. این واژه، برای همه افرادی که به نوعی جنسیت خود را تغییر می‌دهند یا ترجیح می‌دهند در هویت‌های جنسیتی متفاوت از سکسیت بیولوژیک‌شان، اجراگری جنسیتی داشته باشند، استفاده می‌شوند.

این واژه تاحدودی هویت‌گریز است و تمامی افرادی که به‌نوعی بین جنسیت‌های مختلف سیال در حرکت هستند، شامل آن می‌شوند. واژه تراجنسیتی در حوزه گرایش جنسی افراد قابل استفاده نیست و ارتباطی به گرایش جنسی ندارد؛ این واژه در مورد جنسیت فرد است. به این ترتیب، یک فرد تراجنسیتی بنا به جنسیتی که برای خود انتخاب

newsnight/4115535.stm>

- Ireland, Doug. «Change Sex or Die.» May 2007. <http://direland.typepad.com/direland/2007/05/change_sex_or_d.html>.

- Jandaghian, Shohreh. «To be a Transsexual in Iran, an Interview with Director of «Birthday», Negin Kianfar.» 6 Dec 2009. Cinema without Borders. Nov 4 2009 <<http://www.cinemawithoutborders.com/news/127/ARTICLE/1236/2007-03-31.html>>.

- Keung, Nicholas. «Iran's gays risk death for report: the perils of life in the fundamentalist state.» 16 Feb. 2007. Toronto Star. 22 July 2009 <<http://www.thestar.com/article/182449>>.

- Najmabadi, Afsaneh. «Truth of Sex.» 12 January 2005. Iranian.com. 7 March 2009. <<http://www.iranian.com/Najmabadi/2005/January/Sex/index.html>>.

- Najmabadi, Afsaneh. «Transing and Transpassing across Sex-Gender Walls in Iran.» *Womens Studies Quarterly* 36.3 & 4 (2008): 23-42 <<http://muse.jhu.edu/login?uri=/journals/wsq/v036/36.3-4.najmabadi.html>>.

- Stack, Megan. «Changing Their Sexes in Iran.» *Los Angeles Times*. 25 January 2005.

- Tait, Robert. «A Fatwa for Freedom.» *Guardian*. 2005 July 27. <<http://www.guardian.co.uk/world/2005/jul/27/gayrights.iran>>.

۱۰۲. نگاه کنید به:

Najmabadi, Afsaneh. «Transing and Transpassing across Sex-Gender Walls in Iran.» *Womens Studies Quarterly*

36.3 & 4 (2008): 23-42 <<http://muse.jhu.edu/login?uri=/journals/wsq/v036/36.3-4.najmabadi.html>>.

۱۰۳. نگاه کنید به:

Najmabadi, Afsaneh. «Truth of Sex.» 12 January 2005. Iranian.com. 7 March 2009.

<<http://www.iranian.com/Najmabadi/2005/January/Sex/index.html>>.

۱۰۴. نگاه کنید به ص. ۲۵:

Najmabadi, Afsaneh. «Transing and Transpassing across Sex-Gender Walls in Iran.» *Womens Studies Quarterly*

36.3 & 4 (2008): 23-42 <<http://muse.jhu.edu/login?uri=/journals/wsq/v036/36.3-4.najmabadi.html>>.

کرده است می‌تواند به تراجنسیتی‌های دیگر گرایش جنسی داشته باشد، علاقمند به ایجاد رابطه با مردان و زنان دگرجنس‌گرا یا که اصلاً تمایل برقراری رابطه جنسی با هیچکس نداشته باشد، چنین فردی آسکسوال باشد.^{۱۰۵} استفاده از پسوند «ترا» یا «فرا» برای Trans محل اختلاف است. در معادل‌یابی اما وقتی از پسوند «فرا» استفاده می‌شود که مفهوم مورد بحث به‌نوعی خارج از چهارچوب‌های گفتمانی معمول تعریف شود. به این ترتیب فراجنسیتی کسی است که خارج از گفتمان‌های معمول جنسیت، جنسیتش تعریف می‌شود.

تمام کسانی که از روش‌های تغییر جنسیت استفاده می‌کنند می‌توانند تراجنسیتی خوانده شوند. برخی از این روش‌ها، شامل بر تغییر به کمک هورمون‌درمانی، عمل جراحی تغییر جنسیت، عمل جراحی پلاستیک برای برداشتن و یا

گذاشتن برخی از اندام‌های جنسی ثانویه و یا به کمک پوشاک مخصوص دگرپوشی مثل سینه‌های مصنوعی، کلاه‌گیس، آلت جنسی مصنوعی، لباس‌های زنانه یا مردانه، است. همچنین کسانی که از هیچ‌کدام از این روش‌های تغییر جنسیت استفاده نمی‌کنند، اما هویت جنسی خود را سیال، متفاوت از جنسیت زمان تولدشان یا به‌طور کلی سیال بین زن و مرد می‌دانند نیز می‌توان فراجنسیتی خواند.^{۱۰۶}

به عنوان مثال، اگر در مورد عمل جراحی تغییر جنسیت کسی صحبتی نشده است یا آن فرد مایل نیست این اطلاعات شخصی را در اختیار کسی قرار بدهد، آن فرد می‌تواند از واژه فراجنسیتی یا تراجنسیتی برای توضیح هویت خود استفاده کند. برای استفاده از این کلمات برای توضیح هویت‌های جنسی یا جنسیتی افراد، همیشه بهتر است منتظر بمانید تا خود فرد هویتش را تعریف کند. در غیر این صورت استفاده از کلمات کلی‌تر و عمومی‌تر مانند دگرباش جنسی، از لحاظ سیاسی صحیح‌تر است.

افراد تراجنسیتی در گذشته در حاشیه جنبش‌های دگرباش جنسی قرار داشته‌اند و بسیاری از مسائل مربوط به حقوق ایشان همچنان حل نشده باقی مانده است. در سال‌های اخیر کانادا، استرالیا و برخی دیگر از کشورها، سعی کرده‌اند تا قوانین خاصی برای مبارزه با تراجنسیتی‌هراسی و تبعیض‌های ضد تراجنسی‌ها وضع کنند.^{۱۰۷}

این خطر همیشه وجود دارد که مداخله جراحی زیستی به‌عنوان تنها گزینه برای به رسمیت شناختن قانونی از همجنس‌خواهی مطرح شود. نجم‌آبادی پس از انجام یک مطالعه میدانی در ایران، اکنون بر این باور است که قانونی و شرعی شمردن تغییر جنسیت «اثرات ناخواسته‌ای» هم برای حکومت ایران داشته است «که در طول زمان به نفع همجنس‌گرایان» تمام شده است. او استدلال می‌کند که اگر چه در ساختار قانونی و اجتماعی کشور ایران خشونت قابل توجهی نسبت به همجنس‌گرایان می‌شود، قانون تغییر جنسیت فضای نسبتاً امن‌تری برای زنان و مردان همجنس‌گرا ایجاد کرده است. هم‌اکنون این بخش از شهروندان ایرانی با اتکا به فضای قانونی‌ای که مسأله «اختلال هویت جنسی» به وجود آورده است، کمی راحت‌تر به زیست خود ادامه دهند.

۱۰۵. برای توجه ویژه به تفاوت‌های جنس‌گونی‌های مختلف که در زیرمجموعه قابل توضیح با واژه تراجنسیتی قرار می‌گیرند، نگاه کنید به: Lombardi, Emilia. «Varieties of Transgender/Transsexual Lives and Their Relationship with Transphobia.» *Journal of Homosexuality* 56.8 (2009): 977-92.

۱۰۶. نگاه کنید به:

Definition of Terms | UC Berkeley Gender Equity Resource Center. Home | UC Berkeley Gender Equity Resource Center. < http://geneq.berkeley.edu/lgbt_resources_definiton_of_terms#transgender >.

۱۰۷. الف - برای اطلاعات بیشتر، مراجعه کنید به کتابی که نیکولاس تایتک، مددکار اجتماعی که خود نیز متعلق به جامعه تراجنسیتی هاست نوشته است و به پیچیدگی‌های مربوط به این زندگی واقعی تراجنسیتی‌ها در جوامع غربی پرداخته است:

Teich, Nicholas. *Transgender 101: A Simple Guide to a Complex Issue*. New York: Columbia University Press, 2012.

ب - همچنین برای اطلاعات بیشتر در مورد اقدامات کشور کانادا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز نسبت به تراجنسیتی‌ها نگاه کنید به:

Canada. The House of Commons. Bill C-389: An Act to Amend the Canadian Human Rights Act and the Criminal Code (gender Identity and Gender Expression). Open Parliament. Web. 10 Apr. 2012. <<http://openparliament.ca/bills/40-3/C-389/>>.

دگر جنس پوشش یا دگرپوش (Transvestite): برای توصیف اجراگری جنسیتی کسی به کار می‌رود که پوشش، رفتارهای جنسیتی، زبان بدنی و لحن کلام جنسیتی‌ای متفاوت از جنسیت بیولوژیک خود انتخاب می‌کند. در مورد دگر جنس پوشش‌ها مسأله پوشش، زیورآلات و آرایش بدنی بیشتر مد نظر است. دگر جنس پوشش‌ها افرادی هستند که به‌طور مداوم، به کرات و یا بعضی از مواقع لباسی که در عرف اجتماعی مخصوص جنسیتی متفاوت از جنسیت بیولوژیک‌شان است می‌پوشند. حضور در فضای اجتماعی با این لباس لزوماً رفتاری نیست که تمامی دگر جنس پوشش‌ها انتخاب کنند. برخی از دگر جنس پوشش‌ها اما از اجراگری نمایشی لذت می‌برند و ممکن است برای تماشاچیان و یا مخاطبان خاصی، دگر جنس پوشش باشند.

تفاوت دگر جنس پوشش‌ها با تراجنسی‌ها (ترنس سکسوال‌ها) این است که افراد دگر جنس پوشش آناتومی و فیزیولوژی بدن خودشان را تغییر نمی‌دهند و تمایل به تغییر این اندام‌های جنسی از طریق هورمون‌درمانی یا عمل جراحی ندارد. به این ترتیب یک دگر جنس پوشش مشکلی خاصی با اندام‌های جنسی مردانه یا زنانه بیولوژیک خود ندارد، اما تمایل دارد که پوششی متفاوت از جنسیت بیولوژیک خود را به تن کند. مردان زن‌پوش و زنان مردپوش از انواع دگر جنس پوشش‌ها هستند.

واژه دگر جنس پوشش اشاره به اجراگری جنسیتی فرد دارد و هیچ ارتباطی به گرایش جنسی فرد ندارد. به این ترتیب کسی که نقش‌های جنسیتی‌ای متفاوت از جنسیت بیولوژیکش را انتخاب می‌کند، می‌تواند دگر جنس‌گرا، همجنس‌گرا یا دگرباش جنسی به هر صورت ممکن باشد.

برخی از تحلیل‌گران، دگر جنس پوششی را به نمایش نقش‌های جنسیتی جنس مخالف و تقلید از جنس مخالف تقلیل می‌دهند. هر چند برخی دیگر بر این باورند که کسی که نقش‌های جنسیتی‌ای متفاوت از جنسیت بیولوژیک خود را اجرا می‌کند، وارد وادی هویتی‌ای شده که دوگانه زن و مرد را دچار بحران کرده و هویت جنسی و جنسیتی فرد را به وادی فراجنسیت سوق داده است. این تحلیل‌گران بر این باورند که این اجراگری، نوعی انقلابی یا حداقل استراتژی برای ارتقای هویت فراجنسیتی در نمایش عمومی آن است.^{۱۰۸}

دوگانه پوششی (Cross-Dressing): اشاره به افرادی دارد که معمولاً پوشش، آرایش و اجراگری جنس مخالف را انتخاب می‌کنند. همچنین معمولاً برای افرادی استفاده می‌شود که هم پوشش جنس خودشان را دارند و هم پوشش جنس مخالف را. مسأله لباس برای دوگانه‌پوش‌ها مسأله لذت پوشش و اجراگری‌ای متفاوت از جنس موافق خود است و لزوماً ارتباطی به مسأله گرایش جنسی ندارد.

هستند مردان دگر جنس‌گرایی که از پوشیدن لباس‌های زنانه لذت می‌برند. همچنین دگر جنس پوششی لزوماً دلیل بر فراجنسیتی بودن نیست، بلکه صرفاً محدود به پوشش و اجراگری هر شخص در لباسی است که انتخاب

۱۰۸. نگاه کنید به خلاصه تحقیقاتی که سلی هاینز بررسی کرده است:

Hines, Sally. *TransForming Gender: Transgender Practices of Identity, Intimacy and Care*. Bristol, U.K.: Policy Press, 2007.

کرده است. برخی دگرجنس‌پوشی را در دسته فتیش‌های جنسی می‌گذارند که این محل اختلاف است. برخی از دوگانه‌پوش‌ها هم لذت دوگانه‌پوشی را جنسی توصیف نمی‌کنند.^{۱۰۹}

دوگانه‌پوشی همیشه به دلیل لذت جنسی و لذت از انواع دیگر آن اتفاق نمی‌افتد. دوگانه‌پوشی برای آرمان‌خواهی نیز وجود داشته است و در طی تاریخ بسیاری از زنان برای راه یافتن به محافل مردانه، لباس مردانه می‌پوشیدند. چنانچه در ایران معاصر زنان برای راه یافتن به استادیوم‌های فوتبال لباس مردانه می‌پوشند. در دوران مشروطه نیز، برخی از زنان ایرانی برای حمایت از مشروطه لباس مردانه رزم می‌پوشیدند و به میدان جنگ می‌رفتند.^{۱۱۰}

درگ کوئین (Drag Queen): به مردی می‌گویند که معمولاً برای نمایش، طنز، شادی و تفریح همچون زنی کاریکاتور مانند لباس می‌پوشد و رفتار می‌کند. تمرکز اجراگری زنانه یک مرد درگ بیشتر روی مسأله اغراق اجرای زنانه، عشوه‌های زنانه، صدای زنانه و طنز است. ریشه ترکیب درگ کوئین مشخص نیست، اما برخی آن را به سده ۱۹ میلادی و دامن‌های بلند کارکنرهای زن در نمایشنامه‌ها نسبت داده‌اند که به روی زمین کشیده می‌شدند.^{۱۱۱} در سده ۱۹ در اروپا، نقش‌های زنان در نمایشنامه‌ها توسط مردان اجرا می‌شد.

واژه درگ کوئین در زبان فارسی معادل ندارد، ولی در فرهنگ ایران تاریخی مردان جوانی که لباس زنانه می‌پوشیده‌اند و به‌عنوان هنرمند برای جمعی برنامه‌های مفرح همراه با ساز، آواز و رقص اجرا می‌کرده‌اند، وجود داشته‌اند. در دوران معاصر، برنامه‌های رقص‌های روحی با اجراگری هنرمندان مرد ملبس به لباس زنانه رایج بوده است. بسیاری از این مردان، نوجوانان تازه ریش درآورده یا بی‌ریش‌هایی بودند که با گروه مطربان سفر می‌کردند.

همچنین در جشن‌های مذهبی همچون ملودی‌های شخصیت‌های مذهبی یا مهمانی برای تمسخر شخصیت‌های مذهبی سنی (مانند مراسم عمرکشان که توهین استهزا عمر بن الخطاب در فرهنگ شیعه بوده و توسط دربار صفوی نیز تشویق می‌شده است)، مردان ملبس به لباس مبدل زنانه برنامه رقص و آواز اجرا می‌کردند. افسانه نجم‌آبادی چند مورد از این رقصنده‌های مرد زنانه‌پوش را در کتاب «زنان سیلوی، مردان بی‌ریش» تاریخ‌نگاری کرده است.^{۱۱۲}

۱۰۹. مسأله دوگانه پوشی در غرب، تاریخی دیرینه دارد و دوگانه‌پوش‌های مرد که لباس زنانه می‌پوشیدند، در نمایش‌نامه‌ها نقش‌های کلیدی زنان را بازی می‌کردند (مثلاً در نمایش‌نامه‌های شکسپیر)؛ برای آشنایی بیشتر با نگرانی‌های انسان معاصر در غرب در مواجهه با مسأله دوگانه‌پوشی نگاه کنید به:

Garber, Marjorie. *Vested Interests: Cross Dressing and Cultural Anxiety*. New York: Rutledge, 1997.

۱۱۰. ساناساریان، الیز. جنبش حقوق زنان در ایران (طلغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷). ترجمه نوشین احمدی خراسانی. چاپ اول. تهران: نشر اختران، ۱۳۸۴. ص. ۲۹-۴۱.

۱۱۱. نگاه کنید به:

<Online Etymology Dictionary> Online Etymology Dictionary. N.p., n.d. Web. 3 Nov. 2012. <<http://www.etymonline.com/index.php?search=drag>>.

۱۱۲. نگاه کنید به «زنان سیلوی، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۳۵-۳۶ به عنوان مثال؛ همچنین برای تحقیقی مفصل در حوزه جنسیت، جنس‌گونگی و هنرهای نمایشی در ایران نگاه کنید به:

William O. Beeman, "Mimesis and Travesty in Iranian Traditional Theatre," in *Gender in Performance: The Presentation of Difference in the Performing Arts*, ed. Laurence Senelick, Medford, MA, Tufts University Press, 2002.

هستند مردان دگرجنس‌گرایی که از پوشیدن لباس‌های زنانه لذت می‌برند. همچنین دگرجنس‌پوشی لزوماً دلیل بر فرآیندی بودن نیست، بلکه صرفاً محدود به پوشش و اجراگری هر شخص در لباسی است که انتخاب کرده است. برخی دگرجنس‌پوشی را در دسته فتیش‌های جنسی می‌گذارند که این محل اختلاف است. برخی از دوگانه‌پوش‌ها هم لذت دوگانه‌پوشی را جنسی توصیف نمی‌کنند.

درگ کینگ (Drag King): به زنانی می‌گویند که برای تفریح، شادی، اجرای نمایش یا حتی فرستادن پیامی فرهنگی/سیاسی/اجتماعی، به شکل اغراق‌آمیزی لباس مردانه می‌پوشند و اجراگری جنسی مردانه را به نمایش می‌گذارند. درگ کینگ به مفهومی که در زبان انگلیسی به کار می‌رود، هرگز در فرهنگ ایران تاریخی یا امروزی وجود نداشته است؛ به این مفهوم که در تاریخ ایران گزارشی از زنانی که برای تفریح، شکلی اغراق‌آمیز از مردانگی را به نمایش بگذارند تاکنون تاریخ‌نگاری نشده است.

در فرهنگ غرب نیز، درگ کینگ‌ها با آغاز قرن بیستم میلادی پا به صحنه‌های نمایشی گذاشتند و معمولاً با لباس مبدل، شخصیت‌های معروف مانند خوانندگان مرد را تقلید می‌کردند. چند مورد تاریخی از «شاه‌زن»‌ها وجود دارد که در تمام طول زندگی حرفه‌ای‌شان به‌عنوان یک هنرمند نمایشی یا خواننده، با لباس مردانه بر صحنه حاضر شدند و کسی در دوران کاری آن‌ها نفهمید که آن‌ها زن‌اند.^{۱۱۳} اجراگری جنسیتی درگ کینگ هم لزوماً به گرایش جنسی افراد ارتباط ندارد و افراد در پوشش «درگ» می‌توانند از هر جنسیت یا گرایش جنسی‌ای باشند.

زنامردی، نرمادگی یا آندروژنی (Androgyny): واژه‌ای برای توصیف اجراگری

جنسیتی افرادی است که نقش‌های جنسیتی هر دو جنس زن و مرد را انتخاب می‌کنند. ترکیب خصوصیات زنانه و مردانه در نمایش هویت اجتماعی، از خصوصیات ویژه افرادی است که با واژه زنامردی یا نرمادگی توصیف می‌شود.

آندروژنی واژه‌ای اقتباسی از مشتق‌های یونانی اندر (andr) به مفهوم مرد و گینه (gyn) به مفهوم زن است. از بین دو معادل زنامردی و نرمادگی که توسط داریوش آشوری برای این واژه پیشنهاد شده‌اند، نرمادگی بیشتر در علوم زیستی جا افتاده است و زنامردی در علوم انسانی و اجتماعی. افرادی که با تأکید واژه زنامردی بر دوگانه زن و مرد مشکل دارند، معمولاً خود را چندجنسیتی (Polygender)، دارای جنسیت مبهم (Ambigender)، یا بدون جنسیت (Genderless)، می‌خوانند.

در مفهوم اجتماعی و انسانی آن، زنامردی بیشتر اشاره به نحوه زندگی اجتماعی افرادی دارد که صرفاً با دوگانه زن و مرد قابل توصیف نیستند و شاخص‌های رفتاری، انتخاب‌های پوششی و اجراگری‌های جنسیتی آن‌ها از هنجارهای معمول زنانگی و مردانگی فاصله دارند.

کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱) روان‌پزشک و متفکر سوئیسی که همراه با فروید از پایه‌گذاران دانش روان‌کاوی شناخته می‌شود، معتقد بود که زنامردی خاصیت همه انسان‌هاست. به این ترتیب، روان هر فرد دارای شاخص‌های زنانه و مردانه است. جون سینگر در کتاب خود «آندروژنی: مخالف درون خود» با استفاده از آرای

با این حال این واژه‌ها اشاره به سیالیت‌های جنسیتی دارند. سیالیت جنسیتی به این مفهوم است که به تعداد انسان‌های روی زمین تعاریف خاص برای هویت‌های جنسی و جنسیتی افراد موجود است و گاهی افراد تمایل دارند که خصوصیات خود را با توضیحاتی دقیق‌تر از این واژه‌ها، تعریف کنند.

۱۱۳. برای اطلاعات بیشتر در مورد زندگی درگ کینگ‌ها در غرب نگاه کنید به:

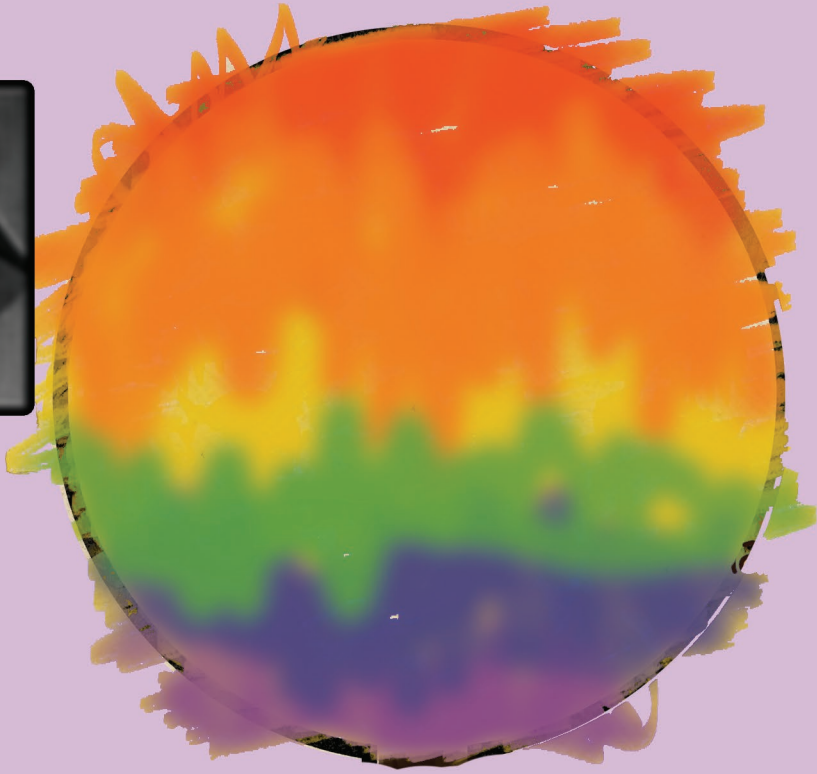
Volcano, Del. The Drag King Book. London: Serpents Tail, 1999.

کارل یونگ نشان می‌دهد که چطور کسانی که در طول تاریخ چهارچوب‌ها، هنجارها و عرف‌های حاکم برای تعیین هویت‌های جنسی زمان خود را به چالش کشیده‌اند، به‌نوعی وارد وادی ابهام جنسیتی و اندورژنی شده‌اند.^{۱۱۴} زنامردی با به چالش کشیدن هویت‌های جنسیتی و نمایش نقش‌های جنسیتی متفاوت مسأله‌گرایش جنسی را نیز به چالش می‌کشد و سیالیت جنسی را مطرح می‌کند. باین‌حال این واژه بیشتر از آن‌که اشاره به گرایش جنسی افراد داشته باشد، در مورد انتخاب‌های آن‌ها برای نقش‌های جنسیتی‌شان است. تفاوت واژه زنامردی با واژه دگرپوش جنسی در این است که برای فرد زنامردی چیزی به عنوان جنسیت مخالف جنسیت بیولوژیک مطرح نیست. فرد زنامرد نقش‌های جنسیتی خود را با ترکیب زنانگی و مردانی (یا چند جنسیتی بودن) تعریف می‌کند و اصرار خاصی به زن بودن یا مرد بودن ندارد.

باین‌حال این واژه‌ها اشاره به سیالیت‌های جنسیتی دارند. سیالیت جنسیتی به این مفهوم است که به تعداد انسان‌های روی زمین تعاریف خاص برای هویت‌های جنسی و جنسیتی افراد موجود است و گاهی افراد تمایل دارند که خصوصیات خود را با توضیحاتی دقیق‌تر از این واژه‌ها، تعریف کنند.

۱۱۴. نگاه کنید به ص. ۲۶:

Singer, June. *Androgyny: the Opposites Within*. York Beach, ME: Nicolas-Hays, 2000.





زبان کوچه و خیابان

زبان خیابان

اقلیت‌های جنسی ایرانی، خود اصطلاح‌های جنبش جهانی دگرباشان جنسی را پذیرفته است و ممکن است روزنامه‌نگاران در وبلاگ‌ها یا در مصاحبه با افرادی که متعلق به جامعه دگرباشان جنسی ایرانی‌اند، واژه **LGBT** (دقیقاً به فارسی گفته می‌شود ال‌جی‌بی‌تی) را بسیار بشنوند یا بخوانند. این کلمه مخففی است برای ترکیب انگلیسی **Lesbian، Gay، Bisexual، Transgender** که معمولاً برای اطلاق به جامعه غیر دگرجنس‌گرا استفاده می‌شود. در فارسی معمولاً به جای این مخفف از کلمه دگرباش جنسی استفاده می‌شود، اما دگرباش جنسی و «ال‌جی‌بی‌تی» هم معنی نیستند. منتقدان استفاده از کلمه دگرباش جنسی تأکید می‌کنند که می‌شود به جای استفاده از این کلمه، صرفاً مخفف ال‌جی‌بی‌تی را وارد زبان فارسی کنیم.

کوئیر، واژه دیگری است که این روزها بسیار در فارسی استفاده می‌شود. طرفداران استفاده از این واژه می‌گویند که زبان فارسی بسیاری از مفاهیم مانند لیبرالیسم و فمینیسم را که معادل‌یابی برایشان در فارسی مشکل بوده است، پذیرفته است، چرا از کلمه کوئیر آن‌چنان که در زبان انگلیسی (و دیگر زبان‌ها) استفاده می‌شود، در فارسی استفاده نکنیم؟ کسانی که از کلمه کوئیر استفاده می‌کنند، هویت‌گریزی مدنظرشان است و نمی‌خواهند جامعه اقلیت‌های جنسی محدود به هویت‌هایی که هر روز هم بر تعداد آن‌ها اضافه می‌شود باشند، ضمن این که شامل شدن همه این هویت‌ها را هم مد نظر دارند.

زبان خیابانی اقلیت‌های جنسی ایرانی به مردان همجنس‌گرا، «گی» می‌گوید. کمتر کسی را پیدا می‌کنید که به زبان خودمانی و بین دوستانش خود را به جای «گی»، «مرد همجنس‌گرای ایرانی» بخواند.

زبان همجنس‌گرای ایرانی عموماً خود را **لزبین** می‌خوانند. تراجنسی‌ها و تراجنسیتی‌ها مخفف «ترنس» را انتخاب کرده‌اند. دوجنس‌گراها هم مخفف «بای» برای «بای سکسوال» انتخاب کرده‌اند و بسیار ممکن است بشنوید: من «بای» هستم.

واژگان خیابانی دیگر نیز از زبان انگلیسی به فارسی منتقل شده‌اند. در بین خود همجنس‌گراها، دوجنس‌گراها و تراجنسیتی‌های ایرانی، گاهی عرف این است که واژگان سخیف و توهین‌آمیزی که دیگران برای تحقیر همجنس‌گرایان استفاده می‌کنند واژگون شده و به‌عنوان واژه‌های مثبت استفاده می‌شوند. واژه «کونی» که در زبان فارسی ناسزا محسوب می‌شود، در بین برخی از همجنس‌گرایان به‌عنوان اسم خاص برای خطاب کردن دوستان یا معرفی هویت خود استفاده می‌شود.

همچنین واژه «بارونی» که در زبان فارسی برای تحقیر زنان لزبین استفاده می‌شده است، توسط برخی از زنان دوجنس‌گرا و همجنس‌گرا واژگون شده است و ممکن است خود را بارونی خطاب کنند.

برای روزنامه‌نگاران استفاده از این کلمات، به ویژه کلمه «کونی»، «بینه‌ای»، «واخواهر»، «کونده» و «همجنس‌باز» زنگ خطر استفاده از زبان نفرت و خشونت زبانی است. با این که در زبان خیابان و بین «خودی‌ها» شاید این کلمات واژگون شده باشند و مفهوم مثبت پیدا کرده باشند، در عرف عمومی همچنان کلمات توهین‌آمیز و ناسزا محسوب می‌شوند و استفاده از آن‌ها از اخلاق حرفه‌ای به دور است.

زبان کوچه و خیابان دگرباشان جنسی ایرانی اما محدود به واژه‌های گی، لزبین، ترنس و بای نمی‌شود. بسیاری از اسامی خاص از فرهنگ اقلیت‌های جنسی انگلیسی زبان به فارسی راه یافته‌اند که تعدادی از آن‌ها را که بیشتر مورد استفاده هستند، معرفی می‌کنیم. بسیاری از این واژه‌ها از زبان انگلیسی و مخصوصاً از تولیدات فرهنگی حامی دگرباشان جنسی و حتی از صنعت پورنوگرافی وارد زبان دگرباشان جنسی ایرانی شده‌اند. در مطالعات میدانی، بسیاری از دگرباشان جنسی ایرانی توضیح داده‌اند که اولین بار که در مورد هویت خود اطلاعات بیشتری کسب کردند، زمانی بوده است که در اینترنت جستجو کرده‌اند. در این جستجوها برخی از آن‌ها به دنبال «فیلم سوپر» یا پورنوگرافی بوده‌اند و با سرچ کردن واژه‌های اکنون بین‌المللی شده مانند گی، لزبین، آس (به مفهوم کپل)، سکس، ترنس و... از دنیایی که گرایش جنسی آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد، آگاه شده‌اند. ناچار همان دنیا، غالب زبان خیابانی بین دگرباشان جنسی فارسی‌زبان را تا حدودی تعیین کرده است.

زبان خیابانی اقلیت‌های جنسی ایرانی به مردان همجنس‌گرا، «گی» می‌گوید. کمتر کسی را پیدا می‌کنید که به زبان خودمانی و بین دوستانش خود را به جای «گی»، «مرد همجنس‌گرای ایرانی» بخواند.

استریت (Straight): به مفهوم واقعی کلمه در زبان انگلیسی یعنی مستقیم و صاف؛ اما بیشتر به مفهوم کسی است که «منحرف» نشده است و به دگرجنس‌گراها اطلاق می‌شود. در زبان انگلیسی این کلمه بسیار باب شده است و مفهومی هویتی پیدا کرده است. بسیاری از افراد دگرجنس‌گرا برای بیان دگرجنس‌گرایی، خود را با کلمه

«استریت» معرفی می‌کنند. «استریت» دقیقاً با همین املا در زبان فارسی خودمانی اقلیت‌های جنسی نیز مورد استفاده و بسیار متداول است.

سکس کردن: به عنوان یک فعل بیانگر نزدیکی جنسی یا آمیزش، مدت‌هاست که در فارسی استفاده می‌شود. **دایک Dyke:** واژه‌ای توهین‌آمیز برای استهزای زنان لزبین بوده است و در اواخر قرن نوزدهم میلادی به مفهوم «فرج» یا «مهبل» در زبان انگلیسی استفاده می‌شده است.^{۱۱۵} امروز بسیاری از زنان همجنس‌گرای ایرانی که در خارج از ایران زندگی می‌کنند، خود را دایک می‌نامند.

به زنان همجنس‌گرایی که به سر و وضع خود و آرایش خود همسو با هنجارهای زیبایی زنانه جامعه می‌رسند، به شوخی دایک ماتیکی یا **لیپستیک دایک (Lipstick Dyke)** می‌گویند.

بوچ (Butch): از ریشه کلمه Butcher به مفهوم قصاب است که صفتی است برای بیان گردن کلفتی و صفات قلدرانه داشتن استفاده می‌شود. این صفت هم برای همجنس‌گرایان زن به کار می‌رود و هم برای همجنس‌گرایان مرد و بیان کیفیت زن یا مردی است که قوی، دارای شخصیت غالب و به طنز بگوییم «گردن کلفت» رابطه باشد. در مورد همجنس‌گرایان مرد به کسانی گفته می‌شود که بدن‌های ورزیده عضلانی دارند و کلیشه‌های مردانه را به مفهوم قوی بودن، زور داشتن، حمایت‌گر بودن، اجرا می‌کنند. زنان بوچ هم در میان لزبین‌ها کسانی هستند، دارای همین خاصیت‌ها و گاهی کلیشه‌های مردانه بودن را اجرا می‌کنند.

فم (Fem): مخفف کلمه Feminine است و به مردان و زنان دگرباش جنسی‌ای گفته می‌شود که عرف‌های زنانگی را اجرا می‌کنند. فرد فم چه زنی لزبین باشد، چه مردی گی و چه ترنس باشد، عشوه‌ای خواهد بود، صدایی نازک‌تر از حد عادی صدای خود خواهد داشت، به ناز خرامان راه می‌رود. معمولاً این‌ها صفات توصیفی هستند که خود افراد همجنس‌گرا برای خود انتخاب می‌کنند. اگر به یک سایت دوست‌یابی دگرباشان جنسی بروید، خواهید یافت که افراد خود را با کلمات فم و بوچ بسیار توصیف کرده‌اند.

بچه خوشگل یا توینکی (مخفف کلمه Twinkle): به مفهوم ستاره‌ای است که می‌درخشد یا چشمک می‌زند. در زبان انگلیسی توینکی را به مردان همجنس‌گرای جذاب و زیباروی می‌گویند. معمولاً نوعی تحسین از زیبایی فرد است. در زبان فارسی، دگرباشان جنسی ترکیب «بچه خوشگل» را که در زبان کوچه و خیابان به عنوان تحقیر پسران جوان استفاده می‌شده است، واژگون کرده‌اند و از آن عنوان مفهومی مثبت برای توصیف زیبایی‌های فرد همجنس‌گرا استفاده می‌کنند.

واژه توینکی به دلیل این که در صنعت پورنوگرافی مردان همجنس‌گرا به‌عنوان یک ژانر معرفی شده است، در زبان فارسی نیز جا افتاده است. بسیار پیش می‌آید که افراد برای توصیف زیبایی‌های فردی بگویند: با یک پسری آشنا شدم، توینکی محض است. یعنی خیلی خوشگل است.

۱۱۵. نگاه کنید به:

«Online Etymology Dictionary.» Online Etymology Dictionary. N.p., n.d. Web. 3 Nov. 2012. <<http://www.etymonline.com/index.php?term=dyke>>.

خرس (Bear): برای مردان همجنس‌گرا با جثه‌های بزرگ و بدن‌های پشم‌آلود به کار می‌رود. خرس‌ها طرفداران بسیاری دارند و در صنعت پورنوگرافی ژانری مخصوص خود هستند. واژه **بابا خرس (Daddy Bear)** نیز مفهوم جنسی دارد و به همجنس‌گرایان مسن‌تری می‌گویند که جثه‌ای بزرگ و بدن‌های پشم‌آلود دارند. هرچند خرس‌ها هم درون جامعه خود به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند، مانند خرس قطبی (Polar bear)، خرس عضلانی (Musle bear) و غیره، همچنین الزاماً تمامی خرس‌ها، مردهایی چاق یا پشمالو نیستند.

تاپ (Top): به مفهوم «بالا» یا «رو» است و در روابط جنسی به فردی اطلاق می‌شود که تمایل دارد نقش به اصطلاح فاعل را در رابطه جنسی داشته باشد. این واژه نیز به زبان همجنس‌گرایان فارسی‌زبان راه یافته است و بسیار می‌شنوید که کسی در یک سایت دوست‌یابی یا در معرفی خود می‌گوید: من فقط تاپ هستم.

در رابطه جنسی بین مردان همجنس‌گرا «من فقط تاپ هستم» به مفهوم این است که من تمایل دارم در رابطه نقش فاعل یا کننده را بپذیرم. در روابط مردان این معمولاً به این مفهوم است که مرد تاپ علاقه دارد که به کسی دخول از طریق مقعد کند، اما علاقه‌ای ندارد که کسی به او دخول کند.

تاپ بودن در روابط بین زنان همجنس‌گرا نیز مفهوم دارد. وقتی زنی می‌گوید من تاپ هستم، به مفهوم این است که ترجیح می‌دهد نقش فعال‌تری در رابطه داشته باشد و به‌نوعی روابط جنسی در بستر نزدیکی را کنترل نسبی کند. بسیاری از زنان لژیون به‌هرحال از اسباب‌بازی‌های جنسی مانند دیلدو و مچ‌چانگ استفاده می‌کنند و زنی که می‌گوید من تاپ هستم، معمولاً کسی است که دیلدو را به خود خواهد بست.

بات (Butt): به مفهوم کپل می‌باشد و برای توصیف تمایل همجنس‌گرایانی استفاده می‌شود که ترجیح می‌دهند نقش شونده و یا به اصطلاح مفعول را در نزدیکی جنسی، ایفا کنند. در مردان به مفهوم کسی است که ترجیح می‌دهد در رابطه نزدیکی جنسی به او دخول شود. در میان زنان همجنس‌گرا نیز مفهوم مشابه دارد، اما بیشتر به مفهوم کسی است که ترجیح می‌دهد یا لذت می‌برد. این واژه‌ها می‌توانند مفهوم هویتی نیز داشته باشند و کسی مثلاً ادعا کند که در کل فقط بات است. اصطلاحات تاپ و بات بیشتر در زمان رابطه جنسی استفاده دارند و این که افراد ترجیح می‌دهند نقش‌های جنسی خاصی را اجرا کنند.

ورستایل (Versatile): به مفهوم تطبیق‌پذیر، دارای استعداد و ذوق فراوان یا تنوع‌پذیر است و در روابط جنسی و نزدیکی جنسی به کسی می‌گویند که هم می‌تواند تاپ باشد، هم بات و یا چیزی بین این‌ها. اگر به سایت‌های دوست‌یابی اقلیت‌های جنسی سر بزنید یا به کلاب دگرباشان جنسی بروید، این کلمه به گوش شما زیاد خواهد خورد. کسانی که ورستایل هستند ممکن است شبی در حین نزدیکی با شریک جنسی خود تصمیم بگیرند تا نقش بات را بگیرند یا تاپ یا چیزی بین این دو. بیان این که «من ورستایل هستم»، عمومیت بیشتری دارد. این کلمه هم عیناً در فارسی خیابانی اقلیت‌های جنسی استفاده دارد.

اکتیو (Active): اکتیو بودن در سکس به مفهوم فعال و متحرک بودن است. این کلمه، به‌عنوان صفتی معادل «تاپ بودن» هم استفاده می‌شود.

پسیو (Passive): صفتی است که به مفهوم غیر فعال یا کمتر فعال بودن در نزدیکی جنسی و سکس به کار می‌رود. معمولاً به شریک جنسی‌ای گفته می‌شود که نسبت به شریک دیگر کمتر در کار کنترل رابطه جنسی و نشان دادن علاقه برای تحرک است. این کلمه، به‌عنوان صفتی معادل «بات بودن» هم استفاده می‌شود.

سکس سافت (Soft Sex): به مفهوم رابطه جنسی‌ای که ملایم‌تر است و معمولاً مربوط به دخول جنسی یا عدم دخول جنسی به مقعد یا مهبل است. سکس سافت می‌تواند شامل بوسیدن، در آغوش گرفتن، ور رفتن، لمس اندام‌های جنسی، بوسیدن اندام‌های جنسی، مالش اندام‌های جنسی به هم یا ارضای اندام‌های جنسی با اندام‌های دیگر بدن شریک جنسی باشد. معمولاً در بین دگرباشان جنسی مرد، سکس سافت به این مفهوم است که دخول از ناحیه مقعد صورت نگرفته است.

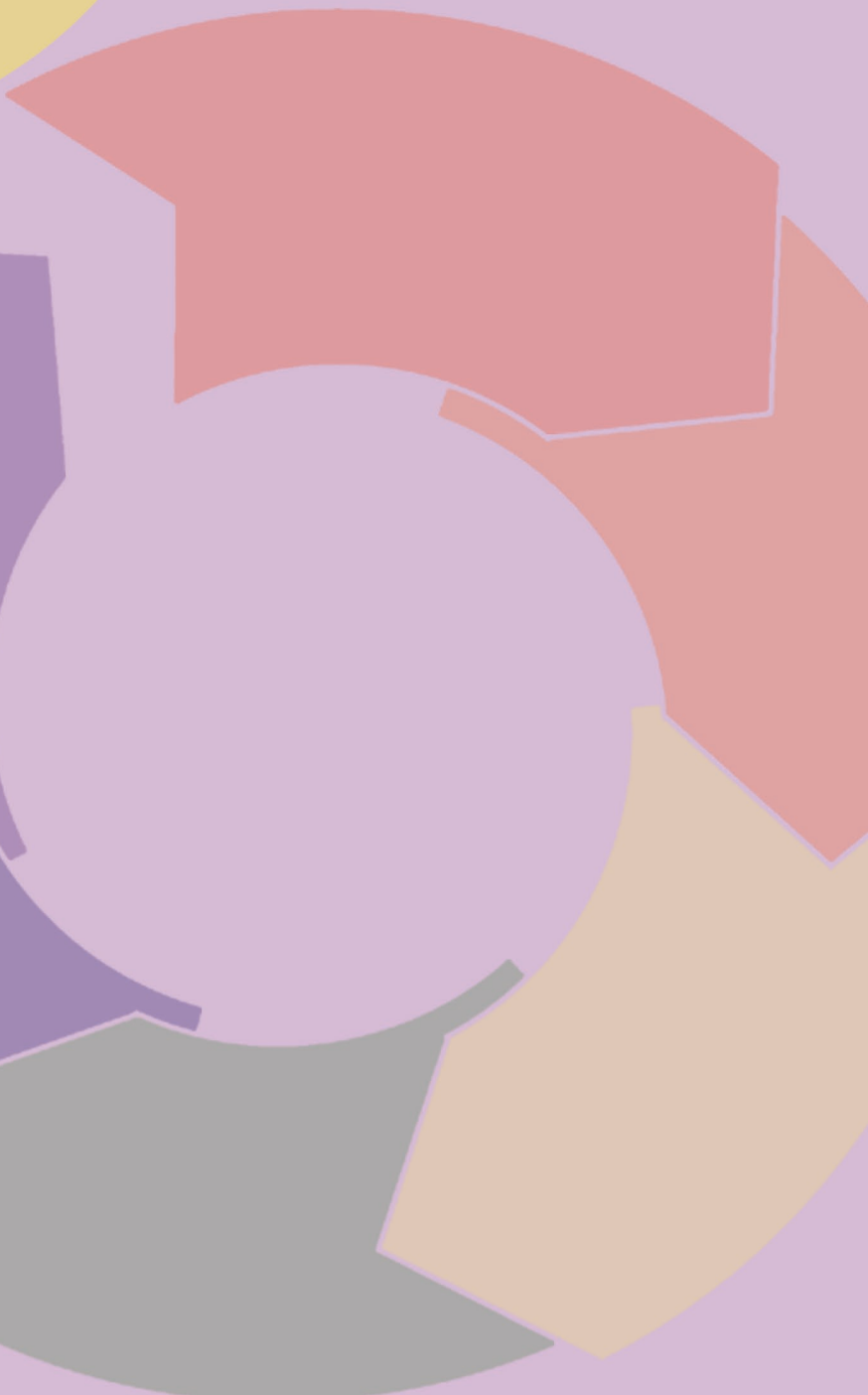
در بین زنان دگرباش جنسی از جمله زنان ترنس، مسأله پیچیده‌تر است و به صورت عرفی دخیل شدن مهبل یا مقعد به‌هرشکلی در آمیزش جنسی، سکس را از حالت سافت خارج می‌کند. باین حال این کلمات قراردادی هستند و نحوه سافت بودن هر آمیزش را خود شرکای جنسی مشخص می‌کنند.

سکس هارد یا هاردکور (Hard or Hardcore Sex): مسأله اصلی در سکس هاردکور که در زبان فارسی خیابانی هم به آن هارد سکس یا هاردکور می‌گویند، دخول به مهبل یا مقعد است. در سایت‌های دوست‌یابی، در دیسکوهای دگرباشان جنسی یا محافلی که پیدا کردن شریک جنسی عرف است، ممکن است افراد خود را اینطور معرفی کنند که در «سکس اول، سکس هارد نخواهم کرد» که عموماً به این مفهوم است که در اولین آمیزش جنسی، شخص تمایل به دخول از مقعد یا مهبل ندارد.

سکس دهانی، اورال (Oral Sex): واژه‌ای است که در نبود واژگان توصیفی در فارسی برای سکس دهانی، در بین دگرباشان جنسی بسیار جا افتاده است. مثال: «آن شب فقط در حد اورال، باهم بودیم» به این مفهوم است که شرکای جنسی از طریق سکس دهانی هم را ارضای جنسی کرده‌اند و از روش‌های دیگر برای ارضا هم استفاده نکرده‌اند.

معمولاً رده‌بندی قراردادی در مورد کنش‌های جنسی برای ارضای شریک جنسی وجود دارد و افراد برای مشخص شدن این رده‌بندی قراردادی مراحل آمیزش جنسی خود با شرکا را توضیح می‌دهند. این مراحل می‌تواند از سکس سافت به سکس هارد برسد.

تاپ بودن در روابط بین زنان همجنس‌گرا نیز مفهوم دارد. وقتی زنی می‌گوید من تاپ هستم، به مفهوم این است که ترجیح می‌دهد نقش فعال‌تری در رابطه داشته باشد و به‌نوعی روابط جنسی در بستر نزدیکی را کنترل نسبی کند. بسیاری از زنان لژیین به‌هر حال از اسباب‌بازی‌های جنسی مانند دیلدو و مچ‌اچنگ استفاده می‌کنند و زنی که می‌گوید من تاپ هستم، معمولاً کسی است که دیلدو را به خود خواهد بست.





آشکار سازی، همجنس گراهراسی و همجنس گراستیزی

بیست و نهم اوت ۱۸۶۷، کارل هانریش اولریخ، وکیل ۴۲ ساله در ششمین کنگره‌ی سراسری وکلا و قانون‌گذاران آلمان جلوی بیش از پانصد نفر از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین قانون‌گذاران و مجریان قانون در آلمان ایستاد و از لزوم پذیرش همجنس‌گرایی و لغو قوانین مجازات همجنس‌گرایی گفت. او خیلی قبل‌تر از مبارزات همجنس‌گرایان در قرن بیستم، اولین فعال آشکار حقوق همجنس‌گرایان در تاریخ و در قلب برلین شد. مخالفان با هو کردن می‌خواستند صدای او را قطع کنند، اما بسیاری از حاضران بانفوذ فریادزنان خواهان ادامه‌ی سخنرانی او بودند. سخنانی که در آن زمان در هیچ کجای جهان ممکن نبود تحمل شود. برلین در قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، پایتخت آزادی نسبی، هنر و ادبیات و مبارزه برای حقوق همجنس‌گرایان بود و شهری که به شکل رسمی بارهای پاتوق همجنس‌گرایان داشت و قانون هم در روندی تدریجی رویه‌ی پذیرش و مدارا را در پیش گرفته بود. در روایت تاریخ مبارزات همجنس‌گرایی نقش کلید برلین و آلمان در سایه‌ی قدرت‌گرفتن نازی‌ها کم‌رنگ شده است. کتاب «Gay Berlin: Birthplace of a Modern Identity» از نقش تاریخی و کلیدی برلین و آلمانی‌ها در تاریخ مبارزه و پذیرش همجنس‌گرایی غبار زدوده است. نشان می‌دهد که چطور رایش‌تاک در دهه‌ی ۱۹۲۰ در یک قدمی لغو مجازات همجنس‌گرایی بود و وقوع رکود اقتصادی جهانی مانع از پیگیری شد. کتاب سعی دارد به این سوال هم پاسخ دهد که چرا برلین و جامعه‌ی نخبه‌ی آلمان و چهره‌های هنری و ادبی‌اش از جمله شوپنهاور پیشگام عمومی کردن بحث و تابوردایی از همجنس‌گرایی شد. مطلب «نیویورکر» بررسی جمع‌وجور خوبی از کتاب و اهمیت نقش برلین و شهروندان‌اش در تاریخ مبارزات همجنس‌گرایان است و تاکید دارد که مبارزه برای به‌رسمیت شناختن حقوق همجنس‌گرایان برخلاف باور نادرست عمومی مطلقاً از آمریکا ریشه نگرفت، ریشه‌ها و جرقه‌های اصلی و گفتمان جدی همه در آلمان بود. حتی شعار معروف «سکوت یعنی مرگ» را دهه‌ها قبل از این که فعالان بیماری‌ایدز مطرح کنند، فعالان حقوق همجنس‌گرایان در برلین استفاده کردند. مگنوس هیرشفیلد، سکسولوژیست آلمانی قرن نوزدهم و بیستم در اولین سال‌های قرن بیستم به تاکید گفت زن بودن و مرد بودن چیزی جز هویت‌های دست‌ساز جامعه نیست و گفت تحقیقات او نشان می‌دهد دست‌کم چهل و سه میلیون و چهل و شش هزار و هفتصد و بیست و یک شیوه و امکان هویت و کاراکتر جنسی وجود دارد و تاکید هم کرد که این رقم احتمالاً

بسیار کمتر از رقم واقعی است. این یکی از مثال‌ها از اولین تلاش‌ها برای آشکارسازی و قانونی کردن حقوق همجنس‌گرایان در جهان امروز است.^{۱۱۶}

آشکارسازی و فرهنگ گنج‌ه

آشکارسازی (Coming Out): به مفهوم برون‌آیی و آشکار کردن هویت و گرایش جنسی خود در فضاهای عمومی است. به فرآیندی گفته می‌شود که در آن دگرباشان جنسی در مورد گرایش جنسی‌شان با افراد دیگر صحبت می‌کنند و آن‌ها را نسبت به مسأله هویت جنسی‌شان آگاه می‌کنند.

گنج‌ه (Closet): استعاره برای زندگی مخفی دگرباشان جنسی است. معمولاً افرادی که هنوز در مورد هویت و گرایش جنسی خود آشکارسازی نکرده‌اند، خود را «درون گنج‌ه» معرفی می‌کنند. آشکارسازی از مفاهیمی است که در میان نظریه‌پردازان حوزه جنسیت و گرایش جنسی بسیار مورد بحث بوده است و مقالات و کتب بسیاری در مورد روند آشکارسازی نوشته شده است. به غیر از این که یکی از سخت‌ترین مراحل زندگی دگرباشان جنسی آشکارا زندگی کردن یا آشکارسازی هویت جنسی‌شان برای نزدیکان و خانواده است، آشکارا زندگی کردن به‌عنوان یک همجنس‌گرا می‌تواند افراد را در معرض انواع خشونت‌ها و تبعیض‌ها قرار دهد. به‌همین دلیل آشکارسازی تبدیل به اقدامی انقلابی و حتی قهرمانانه شده است.

بسیاری از کتاب‌هایی که دگرباشان جنسی در مورد زندگی خود نوشته‌اند، تمرکز بسیاری روی مسأله بیرون آمدن از گنج‌ه و آشکارا زندگی کردن داشته است. این مفاهیم با این که ابتدا همراه با جنبش‌های عدالت‌خواهی همجنس‌گرایان در اروپا و آمریکا در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ مطرح شد، کم‌کم جهانی شده و امروز توسط دگرباشان جنسی ایرانی، مجلات و رسانه‌های دگرباشان جنسی ایرانی، مقالات بسیاری در مورد آشکارسازی به خانواده، آشکارسازی به همسر (در مورد دگرباشان مزدوج با همسر دگرجنس‌گرا) آشکارسازی به فرزندان و غیره منتشر کرده‌اند.^{۱۱۷}

با این حال بسیاری از تحلیل‌گران حوزه جنسیت و گرایش جنسی، منتقدانه به نگاه قهرمانانه به فرآیند آشکارسازی می‌نگرند. به اعتقاد برخی از این پژوهشگران، با این که آشکارسازی اقدامی شجاعانه است، تمامی دگرباشان جنسی در موقعیتی نیستند که بتوانند در راه آشکارسازی از هویت و گرایش جنسی خود اقدام کنند. هر نوع ارزش‌گذاری قضاوتی می‌تواند خشونت‌ناش باشد به افرادی که هنوز موقعیت آشکارسازی ندارد یا که اصلاً تمایلی به این کار

بسیاری از کتاب‌هایی که دگرباشان جنسی در مورد زندگی خود نوشته‌اند، تمرکز بسیاری روی مسأله بیرون آمدن از گنج‌ه و آشکارا زندگی کردن داشته است. این مفاهیم با این که ابتدا همراه با جنبش‌های عدالت‌خواهی همجنس‌گرایان در اروپا و آمریکا در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ مطرح شد، کم‌کم جهانی شده و امروز توسط دگرباشان جنسی ایرانی نیز مورد استفاده است. مجلات و رسانه‌های دگرباشان جنسی ایرانی، مقالات بسیاری در مورد آشکارسازی به خانواده، آشکارسازی به همسر (در مورد دگرباشان مزدوج با همسر دگرجنس‌گرا) آشکارسازی به فرزندان و غیره منتشر کرده‌اند.

۱۱۶. متن کامل مقاله را در مجله نیویورک بخوانید:

<http://www.newyorker.com/magazine/2015/01/26/berlin-story>

۱۱۷. مطالب قابل توجهی در مورد آشکارسازی در نشریه هومان، نشریه چراغ و صفحه دگرباش رادیو زمانه تا به امروز به زبان فارسی، به انتشار رسیده است.

ندارند. این مسأله به‌ویژه در مورد دگرباشان جنسی‌ای باید مد نظر قرار گرفته شود که تحت قوانین و فرهنگ‌های همجنس‌گراستیزی زندگی می‌کنند و آشکارسازی کنشی خطرناک محسوب می‌شود.^{۱۱۸}

آشکارسازی فرآیندی است که باید توسط خود فرد دگرباش جنسی اتفاق بیافتد، هرگونه فشار برای آشکارسازی از مصادیق خشونت است. همچنین آشکار کردن گرایش جنسی افراد برای دیگران بدون اجازه آن‌ها از مصادیق همجنس‌گراستیزی است و در بسیاری از قوانین مدنی در کشورهای غربی، جرمی مدنی محسوب می‌شود. خبرنگاران و روزنامه‌نگاران باید دقت کنند که به‌هیچ‌وجه گرایش جنسی افرادی که سوژه خبری شده‌اند و یا مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، آشکار نشود، مگر این که خود فرد نسبت به انتشار این اطلاعات آگاه باشد و اجازه داده باشد. فرم‌های اجازه‌نامه که بسیاری از رسانه‌ها امروز از آن‌ها استفاده می‌کنند، برای کسب اجازه از افراد برای آشکار کردن هویت جنسی ایشان بایستی توسط روزنامه‌نگاران و تولیدکنندگان استفاده شود.

همجنس‌گراهراسی، همجنس‌گراستیزی

هوموفوبیا به مفهوم دقیق کلمه یعنی ترس از همجنس‌گرایی، هرچند به مفهوم همجنس‌گراستیزی نیز استفاده می‌شود. مخالفت به شکل بیان کلام نفرت، استهزاء، توهین و خشونت‌های بیانی، کلامی و فیزیکی نسبت به همجنس‌گرایی، همجنس‌گراها، فرهنگ روابط با همجنس، نحوه زندگی همجنس‌گرایان در حوزه همجنس‌گراهراسی یا همجنس‌گراستیزی می‌گنجد.

در بسیاری از کشورهای غربی، خشونت به اقلیت‌های جنسی از جمله «جرایم نفرت‌ورزی» است. برای آگاهی بیشتر، حتماً به قوانین کشور محل سکونت خود مراجعه کنید. انتشار مطالبی که حاوی خشونت کلامی به همجنس‌گرایان باشد، اگر چنانچه در کشور شما جرم باشد، می‌تواند منجر به تبعات سنگین حقوقی شود.

همچنین تبعیض ورزیدن بر اساس گرایش جنسی، در بسیاری از کشورهای غربی (تمام کشورهای اروپایی، کانادا، آمریکا و استرالیا و نیوزلند و ژاپن) جرم مدنی است. اگر چنانچه در فضای کاری، آموزشی و اجتماعی تبعیض به گونه‌ای باشد که دگرجنس‌گرایی دارای مصونیت و حقوق ویژه‌ای باشد که همجنس‌گراها (و به‌طور کلی دگرباشان جنسی) از آن حقوق به‌رمند نیستند، این از مصادیق تبعیض بر اساس گرایش جنسی، همجنس‌گراهراسی و همجنس‌گراستیزی است و پیگرد قانونی در چهارچوب قانون مدنی دارد. اگر خشونت به حد خشونت فیزیکی، تهدید جان و سلامت جانی افراد برسد، جرم جنایی است و پیگرد جنایی می‌شود.

دوجنس‌گراهراسی، دوجنس‌گراستیزی، تراجنسیتی‌هراسی و تراجنسیتی‌ستیزی با همین تعریف که در مورد همجنس‌گراستیزی ارائه شد به تبعیض‌ها و خشونت‌هایی مربوط می‌شود که علیه دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها اطلاق می‌شود.

۱۱۸. برای مطالعه برخی از منتقدین فرهنگ گنجه و آشکارسازی نگاه کنید به:

Esckridge, William N. «Privacy Jurisprudence and the Apartheid of the Closet, 1946-1961.» Florida State University Law Review. Summer, 1997.

Horn, Eva. «Knowing the Enemy: The Epistemology of Secret Intelligence.» Grey Room. (11) Spring 2003. pp. 58-85.

Love, Heather. Feeling Backward: Loss and the Politics of Queer History. Cambridge: Harvard UP, 2007.

Sedgwick, Eve. Epistemology of the Closet. Berkeley: U of California Press, 1990.



تاریخ درمان همجنس‌گرایی

تا قرن نوزدهم، آمیزش با همجنس (به‌خصوص بین مردان) در اروپا تحت نفوذ کلیسا و احکام عمومی مسیحیت به‌عنوان «اعمال غیر طبیعی»، «جنایت علیه طبیعت» و «لواط» گناه و جرم محسوب می‌شد. لواط دقیقاً رابطه جنسی از مقعد بین مردان تعریف می‌شد و این تعاریف با پیدایش مفاهیم کشور و مردم در دوران مدرن به قانون اساسی کشورها راه یافت.

در سال ۱۵۳۳، تحت تأثیر همین قوانین و احکام مذهبی، انگستان اولین قانون سکولار جرم انگاشتن رفتارهای غیر طبیعی جنسی و «عمل شنیع لواط» را تصویب کرد که در آن مردان مجرم به دار آویخته می‌شدند. پای علم پزشکی و روان‌پزشکی زمانی به دادگاه‌های «لواط» باز شد که مردان بازداشت شده تحت سوءظن و متهم به لواط، به پزشکان قانونی فرستاده می‌شدند تا پس از معاینات، تعیین شود که آیا آمیزش جنسی از طریق مقعد صورت گرفته است یا خیر.

به این ترتیب کارشناسان پزشکی، روان‌پزشکی و قانون دست به دست هم دادند و در ساختار محدودیت‌های قوانین کلیسایی که اکنون سکولار شده بودند، اولین کتب مربوط به مطالعه همجنس‌گرایان به‌عنوان «منحرفین جنسی» را در سده ۱۹ میلادی به انتشار رساندند. طبقه‌بندی روابط با همجنس به صورت «علمی» از این‌جا شروع شد و مسأله‌ای برای پزشکی قانونی تبدیل به مسأله کلی به‌عنوان یک «بیماری» برای عالم پزشکی و روان‌پزشکی شد.^{۱۱۹}

۱۱۹. برای به دست آوردن اطلاعات تاریخی در خصوص تاریخ جرم‌انگاری، جرم‌زدایی و بیماری پنداشتن روابط همجنس‌خواهانه در اروپا نگاه کنید به:

«LGBT Mental Health Syllabus.» Association of Gay and Lesbian Psychiatrists. N.p., n.d. Web. 3 Nov. 2012. < http://www.aglp.org/gap/1_history/#Sodomy_and_Other_Crimes_Against_Nature>.

با مطرح شدن علم روان‌کاوی در اروپا، زیگموند فروید، کارل یونگ، جوزف بروئر، ویلیه‌ام فلیس، شاندر رادو، اروینگ برب و بسیاری از روان‌کاوان دیگر به کرات در مورد مسأله رابطه جنسی با همجنس نوشتند. بسیاری از این متفکرات کتب و رساله‌های مخصوص همجنس‌گرایی و روان‌کاوی منتشر کردند.^{۱۲۰}

در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ تحت‌تأثیر جنبش‌های عدالت‌خواه جنسی مانند جنبش زنان، جنبش هیپی‌ها و جنبش همجنس‌گرایان در ایالات متحده آمریکا، فرهنگ عمومی نسبت به روابط جنسی با همجنس تغییر کرد. در سال ۱۹۷۳، انجمن روان‌پزشکی آمریکا یا The American Psychiatric Association همجنس‌گرایی را بیماری‌زدایی کرد. انجمن روان‌پزشکی آمریکا، مفاهیم مربوط به بیماری شمردن همجنس‌گرایی را از کتابچه راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی یا Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders حذف کرد. راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی منبعی جهانی برای پزشکان است که حتی در کشور ایران نیز به عنوان منبع تشخیصی برای بیماری‌های روانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تصمیم انجمن روان‌پزشکی آمریکا تا حد زیادی مدیون تحقیقات آلفرد کینزی در مورد تمایلات جنسی همجنس‌خواهانه زنان و مردان بود. این تحقیقات علمی درهای تغییر فرهنگی را در میان روان‌پزشکان گشود.^{۱۲۱}

در ۱۷ ماه مه سال ۱۹۹۰ سازمان بهداشت جهانی یا World Health Organization اعلام کرد که همجنس‌گرایی بیماری نیست و به کشورهای تابع قوانین سازمان بهداشت جهانی و سازمان ملل متحد توصیه کرد که همجنس‌گرایی را از لیست بیماری‌ها در سازمان‌های پزشکی داخلی خود حذف کنند. این روز پیروزی بزرگی برای جنبش‌های حق خواهی و عدالت‌طلبی اقلیت‌های جنسی محسوب می‌شد و به همین مناسبت روز ۱۷ ماه مه، هر ساله به‌عنوان روز جهانی مبارزه با هراس از همجنس‌گراها و تراجنسیتی‌ها (روز آیداهوت) جشن گرفته می‌شود. دگرباشان جنسی ایرانی نیز این روز را به‌عنوان روز جهانی مبارزه با همجنس‌گرا و تراجنسیتی‌ها جشن می‌گیرند.

در بسیاری از کشورها قوانین مجرمانه برای روان‌کاوان، روان‌پزشکان یا پزشکانی که مدعی درمان همجنس‌گرایی هستند وضع شده است. برای اطلاعات بیشتر در مورد این قوانین، به قوانین حوزه آزادی‌های جنسی کشور خود مراجعه کنید. با این حال در بسیاری دیگر از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا، افراد آزاد هستند که در صورت تمایل در برنامه‌های «درمان همجنس‌گرایان» شرکت کنند. بسیاری از مراکز مذهبی محافظه‌کار یا بنیادگرای مذهبی، کلاس‌های درمانی این‌چنینی برگزار می‌کنند.

اختلال هویت جنسی دیگر بیماری به شمار نمی‌آید

تا پیش از دوم دسامبر ۲۰۱۲ روان‌شناسان و پزشکان افرادی را که هویت جنسیتی و جنسی خود را با گوناگونی‌های هویتی تراجنسیتی توضیح می‌دادند، مبتلا به بیماری اختلال هویت جنسی یا Gender Identity Disorder می‌دانستند.

۱۲۰. نگاه کنید به:

Lewes, Kenneth. *Psychoanalysis and Male Homosexuality*. Lanham: J. Aronson, 2009.

۱۲۱. نگاه کنید به:

«LGBT Mental Health Syllabus.» Association of Gay and Lesbian Psychiatrists. N.p., n.d. Web. 3 Nov. 2012. >http://www.aglp.org/gap/1_history/#declassification.

اختلال هویت جنسی (GID) کلمه مورد استفاده توسط روان‌شناسان و پزشکان عضو انجمن روان‌پزشکی آمریکا بود که در کتابچه راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نیز به ثبت رسیده و با برخی از نشانه‌های ذیل نسبت یافته بود:

- هم‌ذات‌پنداری دائمی با جنسیتی متفاوت و مخالفت با جنسیت خود فرد؛
- عدم هماهنگی جنسیت فردی با رفتارها و نقش‌های جنسیتی فرد؛
- میل به زندگی موقتی یا دائمی به‌عنوان یک عضو از جنس مخالف؛
- آرزو و میل به داشتن ایده‌آل‌هایی زیبایی، فیزیکی و بدنی جنس مخالف؛
- عدم اطمینان از هویت جنسیتی که موجب اضطراب، استرس یا افسردگی در فرد شود؛ حس بی‌قراری دائمی مرتبط با هویت جنسی، جنسیت یا اندام‌های جنسی.

در ۲ دسامبر سال ۲۰۱۲ پس از تلاش مستمر کنشگران حقوق تراجنسیتی‌ها و همچنین تحقیقات بسیار روی عصب‌شناسی، ساختار مغز و ژنوم افراد تراجنسیتی، انجمن روان‌پزشکی آمریکا (APA) اعلام کرد که «اختلال هویت جنسی» را از لیست بیماری‌های روانی حذف و به‌جای آن شاخص بی‌قراری جنسیتی Gender Dysphoria را جایگزین می‌کند. به این ترتیب، تراجنسیتی‌ها دیگر بیمار محسوب نمی‌شوند، اما اگر چنانچه احساس آن‌ها از هویت جنسی و جنسیتی‌شان با بی‌قراری، اضطراب و افسردگی همراه باشد، فرد برای شاخص بی‌قراری جنسیتی مورد درمان قرار خواهد گرفت.^{۱۲۳} این تصمیم نقطه عطفی برای تراجنسیتی‌ها، نه تنها در ایالات متحده بلکه در کل جهان بود.

در ایران، همان‌طور که در بخش‌های دیگر این جزوه آموزشی نیز ذکر شد، با فتوای آیت‌الله خمینی مبنی بر آزادی تغییر جنسیت، مراکز درمانی وابسته به سازمان بهزیستی یا مراکز خصوصی برای درمان بیماری «اختلال هویت جنسی» فعال شده‌اند. همیشه بیم آن می‌رفته است که همجنس‌گرایان ایرانی و یا کسانی که نسبت به جنسیت و گرایش جنسی خود دچار ابهام هستند، گرفتار سیستم‌های تأدیبی و درمانی پزشکی برای درمان «اختلال هویت جنسی» شوند.

در ۱۷ ماه مه سال ۱۹۹۰ سازمان بهداشت جهانی یا World Health Organization اعلام کرد که همجنس‌گرایی بیماری نیست و به کشورهای تابع قوانین سازمان بهداشت جهانی و سازمان ملل متحد توصیه کرد که همجنس‌گرایی را از لیست بیماری‌ها در سازمان‌های پزشکی داخلی خود حذف کنند. این روز پیروزی بزرگی برای جنبش‌های حق‌خواهی و عدالت‌طلبی اقلیت‌های جنسی محسوب می‌شد و به همین مناسبت روز ۱۷ ماه مه، هر ساله به‌عنوان روز جهانی مبارزه با هراس از همجنس‌گراها و تراجنسیتی‌ها (روز آیداهوت) جشن گرفته می‌شود. دگرباشان جنسی ایرانی نیز این روز را به‌عنوان روز جهانی مبارزه با همجنس‌گرا و تراجنسیتی‌ها جشن می‌گیرند.

۱۲۳. نگاه کنید به:

«A Milestone Change by the APA.» LGBT Weekly. N.p., n.d. Web. 12 Jan. 2013. <<http://lgbtweekly.com/2012/12/13/a-milestone-change-by-the-apa>>.





نمادها و تاریخ‌های مهم

چندین نماد و لوگو به‌عنوان نمادهای جهانی شده جامعه دگرباشان جنسی معرفی شده‌اند که شناختن تعدادی از معروف‌ترین و پر استفاده‌ترین این نمادها برای روزنامه‌نگاران حائز اهمیت است.

پرچم رنگین کمان: پرچم رنگین کمان در سال ۱۹۷۸ در توسط گیلبرت بیکر از هنرمندان ساکن سان فرانسیسکو برای استفاده در تظاهرات و رژه‌های عدالت‌خواهی دگرباشان جنسی طراحی شد. این پرچم، کم‌کم تبدیل به نمادی جهانی شد و امروز به‌عنوان نماد افتخار به گوناگونی و کثرت‌گرایی جنسی، توسط دگرباشان جنسی و حامیان ایشان در کشورهای مختلف استفاده می‌شود.^{۱۳۳}

پرچم رنگین کمان، عمدتاً در برنامه‌هایی چون رژه دگرباشان جنسی و برنامه‌های عمومی که ابراز افتخار به همجنس‌گرایی، دوجنس‌گرایی و تراجنسیتی بودن مد نظر است، استفاده می‌شود. خود نماد رنگین کمان در شکل محصولات مختلف از جمله، زیورآلات، لباس، برچسب‌های تبلیغاتی، پوستر، کارهای گرافیکی و هنری تبدیل به نمادی شده است که دگرباشان جنسی و حامیان آن‌ها برای نشان دادن اهمیت احترام گذاشتن به گوناگونی جنسی استفاده می‌کنند. مثلاً ممکن است کسی بلوز رنگین کمان بپوشد، دکمه رنگین کمان استفاده کند یا بر روی در اتاق کارش در محل کار برچسب رنگین کمان را به‌عنوان «دوست دگرباشان جنسی» بچسباند.

نمادی که این روزها در نهادهای دولتی، مراکز مذهبی، دانشگاه‌ها، مدارس و فضاهای عمومی دیگر برای بیان حمایت از دگرباشان جنسی و کثرت‌گرایی استفاده می‌شود، نماد مثلث برعکس با نشان رنگین کمان است. این نماد را می‌توانید از انجمن‌های حمایت از حقوق دگرباشان جنسی در سازمان خود، کتاب‌فروشی‌های حامی حقوق دگرباشان جنسی و یا اینترنت تهیه کنید و با چسباندن آن به در اتاق کارتان، میز کارتان یا فضایی که متعلق به شماست، از حقوق دگرباشان جنسی حمایت کنید.

۱۳۳. نگاه کنید به:

«LGBT History Month: Gilbert Baker and the rainbow flag | I'm A PFLAG Mom.» I'm A PFLAG Mom. N.p., n.d. Web. 4 Nov. 2012. <<http://pflagmom.tumblr.com/post/33709802462/lgbt-history-month-gilbert-baker-and-the-rainbow-flag>>.

رنگ قرمز در نماد رنگین کمان معمولاً در بالا و یا سمت چپ نمایش داده می‌شود و رنگ‌ها به ترتیب نمادی هستند از: قرمز نمادی برای زندگی؛ نارنجی نمادی برای سلامتی؛ زرد نمادی برای نور خورشید؛ سبز نمادی برای طبیعت؛ آبی و یا نیلی نمادی برای صلح و هارمونی و بنفش نماد روح افتخار و غرور.

گیلبرت بیکر در سال ۱۹۷۸ پرچم رنگین‌کمانی را برای جشن آزادی همجنس‌گرایان در سانفرانسیسکو طراحی کرد. در بین سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ یک رنگ از بالای پرچم حذف شد. در شکل اولیه آن در بالای پرچم رنگ قرمز برای مردان و در پایین آن رنگ بنفش برای زنان طراحی شد و قرار بود این مفهوم نمادین را داشته باشد که همجنس‌گرایان مرد و همجنس‌گرایان زن در تمام دنیا هستند.

در نمونه اصلی و اولیه پرچم، ۸ رنگ وجود داشت و به ترتیب رنگ‌ها از بالا به این صورت بود: صورتی به‌عنوان نماد فعالیت جنسی، قرمز به‌عنوان نماد زندگی، نارنجی به‌عنوان نماد سلامتی، زرد به‌عنوان نماد روشنایی، سبز به‌عنوان نماد طبیعت و یا طبیعی بودن، فیروزه‌ای به‌عنوان نماد هنر، نیلی به‌عنوان نماد توازن و بنفش نمادی از روح بود. ورژن‌های دیگری از پرچم رنگین‌کمان با افزوده شدن رنگ‌های مختلف در طی سال‌های ایجاد شده است. به ترتیب افزوده شدن گرایش‌ها و هویت‌های جنسیتی به مجموعه زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، تراجنسیتی، کوئیر، بیناجنسی، هویت مبهم و آسکسوال و غیره پرچم‌های رنگین‌کمان مختلفی نیز توسط گروه‌های مختلف مطرح شده‌اند.

مثلث صورتی: نمادی است که نازی‌ها در دوران جنگ جهانی دوم برای شناسایی همجنس‌گرایان مرد از آن استفاده می‌کردند. در کوره‌های آدام‌سوزی آلمان نازی، همجنس‌گرایان بسیاری نیز قربانی فاشیسم شدند. آلمان نازی آن‌ها را مخالف طبیعت و محکوم به مرگ می‌دانست. نازی‌ها پس از دستگیری همجنس‌گرایان، بر لباس آن‌ها نماد مثلث صورتی را برای شناسایی در اردوگاه‌های کار اجبرای و به‌منظور تحقیر آن‌ها بر سینه لباس‌هایشان می‌زدند.^{۱۲۴} پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از دگرباشان جنسی و حامیان حقوق آن‌ها این نماد را برای احترام به همجنس‌گرایانی که جان خود را در دوران آلمان نازی از دست دادند، برگزیدند.

مثلث سیاه: نماد شناسایی زنان همجنس‌گرا در زندان‌ها و اردوگاه‌های کار نازی‌ها بوده است. این نماد معمولاً برای تمام زنانی که نازی‌ها آن‌ها را فاسد قلمداد می‌کردند، استفاده می‌شده است؛ مانند: زنان همجنس‌گرا، روسپی‌ها، زنان نازا یا بدون فرزند و زنانی که ناشزه بودند و از وظایف اجتماعی‌شان به‌عنوان همسر، مادر و سر باز می‌زدند. همچون مثلث صورتی، مثلث سیاه پس از پایان جنگ جهانی دوم برای احترام به زنانی که در اردوگاه‌های کار و کوره‌های آدام‌سوزی هیلتری جان باختند، تبدیل به نمادی برای افتخار به فمینیسم و همجنس‌گرایی در بین زنان شد.

۱۲۴. برای آگاهی بیشتر از برخورد خشونت‌آمیز آلمان نازی با همجنس‌گرایان رجوع کنید به:

Pierre, . I, Pierre Seel, Deported Homosexual: a Memoir of Nazi Yerror. New York: Basic Books, 2011.

روز جهانی مبارزه با همجنس‌گراستیزی، دوجنس‌گراستیزی و تراجنسیتی ستیزی

در روز ۱۷ ماه می ۱۹۹۰، سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization) همجنس‌گرایی را از لیست بیماری‌های روانی حذف کرد. این روز همه ساله به‌عنوان روز جهانی مبارزه با همجنس‌گراهراسی، دوجنس‌گراهراسی و تراجنسیتی‌هراسی جشن گرفته می‌شود. هرچند پیش از این که همجنس‌گرایی از لیست بیماری‌های روانی خارج شود، کنشگران حقوق دگرباشان جنسی راه دشواری را طی کردند تا سازمان‌های جهانی به آن‌ها و مطالبات‌شان توجه کنند.

در بین سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۹۰، سازمان جهانی بهداشت همجنس‌گرایی را به‌عنوان یک بیماری و اختلال روانی طبقه‌بندی می‌کرد. تحت تأثیر جنبش‌های حقوق همجنس‌گراها که در آمریکا در سال‌های ۱۹۵۰ آغاز شده بود، انجمن روان‌پزشکی آمریکا اولین سازمان پزشکی بود که در سال ۱۹۷۳ همجنس‌گرایی را از لیست بیماری‌های روانی خارج کرد. کمپین‌های دگرباشان جنسی، از سراسر جهان در نهایت منجر به این شد که در ۱۷ ماه مه سال ۱۹۹۰ سازمان بهداشت جهانی همجنس‌گرایی را از لیست بیماری‌ها و اختلال‌های روانی خارج کند.

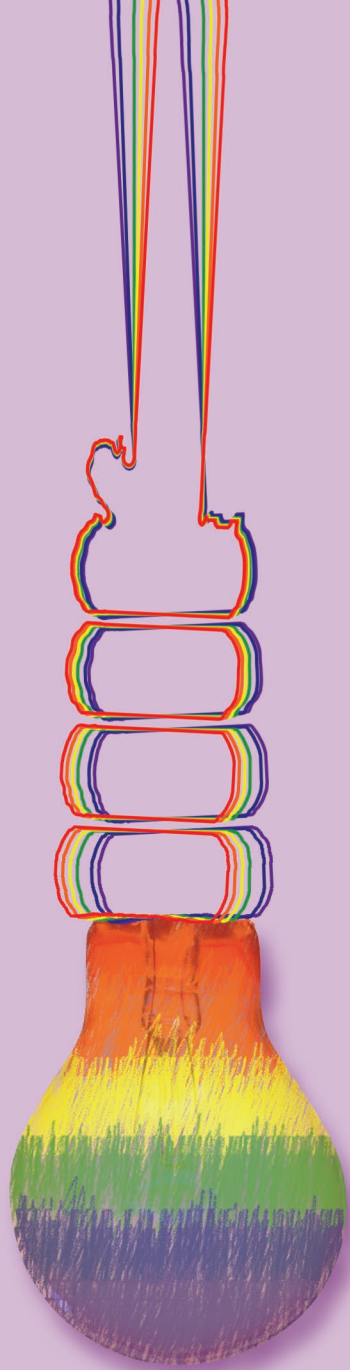
ماه افتخار به گوناگونی‌های گرایش‌های جنسی یا «پراید» معادل لاتین

اعتراضات خیابانی و شورش خودجوش دگرباشان جنسی آمریکای که برای چند روز در اواخر ماه ژوئن سال ۱۹۶۹ در خیابان‌های شهر نیویورک ادامه داشت، از واقع مهم تاریخ جنبش عدالت‌خواهی دگرباشان جنسی در آمریکا و سراسر جهان محسوب می‌شود. شب ۲۸ ژوئن سال ۱۹۶۹، پلیس نیویورک به پاتوق همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها در محله گرینویچ ویلج نیویورک برای سرکوب آن‌ها حمله کرد. بار و رستورانی با نام استون‌وال این (Inn Stonewall) محل درگیری پلیس با شهروندان اقلیت‌های جنسی در شهر نیویورک شد. پس از این واقعه، در اعتراض به حمله پلیس چندین اعتراض خیابانی خودجوش ابتدا در نیویورک و سپس در شهرهای مختلف آمریکا، شکل گرفت. بسیاری معتقدند که این اعتراضات آغاز جنبش جهانی حقوق دگرباشان جنسی بود.^{۱۲۵} شورش‌های استون‌وال تبدیل به نمادی برای افتخار به جنبش‌های حق‌طلبی دگرباشان جنسی شد. چیزی که امروزه به‌عنوان رژه همجنس‌گرایان در کشورهای مختلف برگزار می‌شود و به رژه «پراید» یا «افتخار» مشهور است، یک سال بعد، در ۲۸ ژوئن ۱۹۷۰ میلادی در لس‌آنجلس، نیویورک، شیکاگو و شهرهای دیگر آمریکا آغاز شد و هر سال شهر دیگر و کشور دیگری این مراسم را جشن گرفتند.

تاریخ برگزاری مراسم «پراید» از شهر به شهر متفاوت است، اما بیشتر شهرها سعی می‌کنند که رژه همجنس‌گرایان را در ماه ژوئن برگزار کنند. در این میان برخی از شهرها نیز بر اساس مبارزات محلی و بومی خود برای احیای حقوق دگرباشان جنسی، تاریخ‌های متفاوتی را برای جشن «افتخار» و جشن‌های دیگر دگرباشان جنسی انتخاب کرده‌اند.

۱۲۵. نگاه کنید به:

Carter, David. Stonewall: the riots that sparked the gay revolution. New York: St. Martins Press, 2010.



قانون مجازات اسلامی

قانون جدید مجازات اسلامی کشور جمهوری اسلامی ایران و همجنس‌گراستیزی این قانون، زندگی بسیاری از دگرباشان جنسی را تحت شعاع خود قرار داده است. قانون جدید مجازات اسلامی بسیار سخت‌گیرانه نسبت به روابط جنسی با همجنس، در تاریخ ۲۱/۰۱/۱۳۹۱ توسط ریاست مجلس شورای اسلامی به ریاست جمهوری ابلاغ شد تا مراحل انتشار آن انجام پذیرد. بسیاری از واژگانی که برای جرایم جنسی مربوط به روابط با همجنس به کار رفته است، از ادبیات فقه شیعه وارد قانون مجازات اسلامی شده است. این واژگان عبارت‌اند از:

جماع کردن: همان آمیزش جنسی است و شرط آن دخول آلت مردانه به مهبل یا مقعد مرد یا زن دیگری است.

وطی: همان جماع جنسی یا آمیزش جنسی است و شرط آن دخول آلت مردانه به مهبل یا مقعد مرد یا زن دیگری است.

دبر: دخول از راه مهبل.

لواط: وطی دبر یا دخول به دبر (سوراخ مقعد) مرد است. دخول مقعدی بین مردان را می‌گویند.

مساحقه: مالیدن مهبل (اندام تناسلی زنانه) بر مهبل زنی دیگر به مفهوم جماع جنسی بین دو زن یا بیشتر تعریف شده است که در آن مالش آلت‌های جنسی به هم مد نظر است.

جرم‌انگاری روابط جنسی با همجنس در فصل دوم قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۱ آمده است. تفاوت عمده قانون مجازات اسلامی نسخه مصوب ۱۳۹۱ با قانون مجازات قبلی در خصوص جرایم جنسی روابط با همجنس در این است که در قانون قبلی صرف کنش جنسی جرم بود. به این مفهوم که لواط و مساحقه جرم بودند، اما از گرایش جنسی فرد مجرم، صحبتی به میان نیامده بود. در قانون تصویب شده در سال ۱۳۹۱ برای اولین بار گرایش جنسی همجنس‌گرایی به عنوان یک جرم به قوانین مجازات اسلامی در جمهوری اسلامی ایران اضافه شد. این اقدام، محکوم کردن افراد به گرایش جنسی همجنس‌گرایی را که چیزی غیر قابل اثبات است، میسر می‌کند. به این مفهوم افرادی که به شکلی محکوم به داشتن گرایش جنسی غیر دگرجنس‌گرا هستند در معرض دستگیری و محکومیت قرار دارند.

بندهای اصلی قانون جدید مجازات اسلامی در جرم‌انگاری دگرباشان جنسی، به ترتیب زیر است:

فصل دهم قانون مجازات اسلامی: لواط، تفخیز و مساحقه

ماده ۲۳۲ - لواط عبارت است از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دبر انسان مذکر.

ماده ۲۳۳ - حد لواط برای فاعل، در صورت علف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت اعدام است.

تبصره ۱ - در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است.

تبصره ۲ - احصان عبارت است از آن که مرد دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قبل با همان همسر در حال بلوغ وی جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد.

ماده ۲۳۴ - تفخیز عبارت است از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا نشیمن‌گاه انسان مذکر.

تبصره - دخول کمتر از ختنه‌گاه در حکم تفخیز است.

ماده ۲۳۵ - در تفخیز، حد فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است و از این جهت فرقی میان محسن و غیر محسن و علف و غیر علف نیست.

تبصره - در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است.

ماده ۲۳۶ - حذف شد (این ماده در لایحه قبلی اشاره به حضور دو یا چند برهنه در زیر یک پوشش داشت).

ماده ۲۳۷ - همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز، از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.

تبصره ۱ - حکم این ماده و ماده قبل در مورد انسان مؤنث نیز جاری است.

تبصره ۲ - حکم این ماده شامل مواردی که شرعاً مستوجب حد است، نمی‌گردد.

ماده ۲۳۸ - مساحقه عبارت است از این که انسان مؤنث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد.

ماده ۲۳۹ - حد مساحقه، صد ضربه شلاق است.

ماده ۲۴۰ - در حد مساحقه، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیر مسلمان و محسن و غیر محسن و علف و غیر علف نیست.

ماده ۲۴۱ - در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم به‌جز در موارد احتمال ارتکاب با علف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب با علف است هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است.



اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در رابطه با دگرباشان جنسی

در مورد گرایش جنسی افراد تجسس نکنید. گرایش جنسی افراد مسأله‌ای خصوصی است که تا خودشان با شما در میان نگذاشته‌اند، تجسس و تفتیش در مورد آن خلاف اصول اخلاق حرفه‌ای است و تبعیض جنسی و جنسیتی محسوب می‌شود. گرایش جنسی افراد تنها در صورتی منتشر می‌شود که فرد موافقت خود را در این باره به صورت رسمی و واضح اعلام کرده باشد. محرمانه بودن گرایش جنسی و حفظ حریم خصوصی افراد دگرباش جنسی و نزدیکانشان همیشه باید در نظر گرفته شود، خصوصاً که در زبان فارسی و در کشورهای ایران و افغانستان، با روابط جنسی همجنس خواهانه با اشد مجازات برخورد می‌شود.

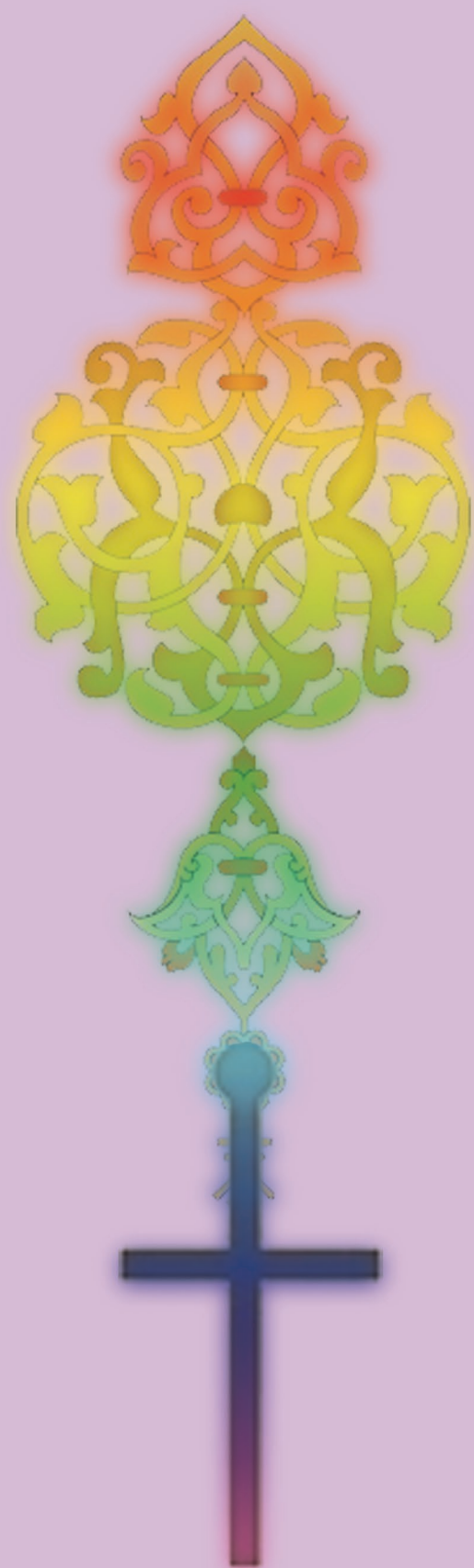
قبل از مصاحبه با فردی که گرایش جنسی او موضوع مصاحبه خواهد بود، از فرم‌های اجازه‌نامه استفاده کنید و اجازه کتبی فرد را برای انتشار مصاحبه کسب کنید. اخلاق روزنامه‌نگاری حکم می‌کند که هرگاه خطری برای فرد به دلیل انتشار مطلبی در مورد گرایش جنسی‌اش ایجاد شود و فرد اعتراضی داشته باشد، مسأله امنیت جانی و مالی فرد از همه چیز مهم‌تر است و باید به آن رسیدگی شود.

آشکارسازی گرایش جنسی افراد مرده، تنها در صورتی مانع اخلاقی ندارد که این آشکارسازی موجب انتشار اطلاعات از روابط جنسی مستقیم و غیر مستقیم ایشان با افراد زنده نشود. در این صورت کسب اجازه کتبی از افراد زنده در این ارتباط الزامی است. جهت‌گیری تبعیض‌آمیز و قضاوت جنسی در مورد افراد دگرباش جنسی، خلاف اصول اخلاق حرفه‌ای است. علنی کردن بیماری افراد مبتلا به بیماری ایدز و ویروس اچ‌آی‌وی، خلاف قانون بیشتر کشورهای غربی و خلاف اصول اخلاق حرفه‌ای است. خشونت کلامی مستقیم و یا تلویحی به افراد دگرباش جنسی در محصولات رسانه‌ای، خلاف اخلاق حرفه‌ای است و می‌تواند پیگرد قانونی نیز داشته باشد.

وظیفه روزنامه‌نگار انتشار اطلاعات مستدل و احترام به حقوق شهروندان دگرباش جنسی در چهارچوب قوانین بین‌المللی و قوانین کشور محل سکونت و قوانین رسانه‌ای است. انتشار مطالب و یا تولید محصولات فرهنگی که به وضوح و یا تلویحاً تبعیض اجتماعی علیه دگرباشان جنسی را تبلیغ می‌کنند، خلاف اصول اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری است. تبعیض علیه دگرباشان جنسی در محیط کاری رسانه‌ای خلاف برخورد حرفه‌ای با همکاران است. دگرباشان جنسی ممکن است در بین همکاران شما باشند و با ایجاد محیط کاری که نسبت به حقوق دگرباشان جنسی مثبت است و پیگیر احیای حقوق آن‌هاست، شما می‌توانید از کمک‌های همکاران دگرباش جنسی‌تان در این راه بهره‌مند شوید.

هم‌اکنون قوانین حمایت از حقوق دگرباشان جنسی در ۹ کشور، هیچ‌گونه تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی را نمی‌پذیرد و در صورت وجود تبعیض، قوانینی برای مبارزه با آن موجود است. این کشورها (شامل آفریقای جنوبی، آرژانتین، ایسلند، بلژیک، کانادا، هلند، نروژ، سوئد و اسپانیا) به‌طور جدی بر احقاق حق اقلیت‌های جنسی و جنسیتی تأکید دارند. این به مفهوم آن است که اضافه بر قوانین مربوط به آزار و اذیت، خشونت فیزیکی و کلامی، توهین، افترا، تهمت و نقض حریم خصوصی، مسأله تبعیض آشکار علیه افراد بر اساس جنسیت، گرایش جنسی و هویت جنسیتی آنان نیز پیامد قانونی دارد.

در دیگر کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، استرالیا و نیوزلند نیز قوانین حفظ حریم شخصی، احقاق حق در صورت توهین، آزار و اذیت فیزیکی، کلامی، روحی و روانی، افترا و تهمت، وجود دارد. در صورتی که رسانه‌ها حقوق دگرباشان جنسی را به رسمیت نشناسند، کلام تنفرآمیز منتشر کنند یا به تبلیغ نفرت‌ورزی و خشونت کلامی مبادرت ورزند و ...، قوانین حمایتی از افراد و سازمان‌ها در چهارچوب قانونی همه کشورهای ذکر شده وجود دارد و می‌تواند برای رسانه‌ها پیامد و پیگرد قانونی داشته باشد.



ادیان و دگرباشان جنسی

برخورد ادیان با روابط همجنس خواهانه و مسأله دگرباشی جنسی بسیار پیچیده است. ادیان معمولاً به شاخه‌ها و مذاهب مختلف تقسیم می‌شوند و در میان این مذاهب، همیشه افرادی هستند که به دنبال خوانش‌های رهایی بخش از دین در مورد احکام جنسی دین هستند. آن‌چه در زیر می‌آید خلاصه‌ای از برخورد ادیان مختلف با مسأله گرایش جنسی است.

البته این توضیح‌های خلاصه در این جزوه در توضیح موضع ادیان مختلف نسبت به همجنس‌گرایی، در عمل می‌توانند محدودکننده نیز باشند. به این مفهوم که در تمامی ادیانی که با خشونت با مسأله گرایش‌های جنسی غیر دگرجنس‌گرا برخورد می‌کنند، تلاش‌های مختلفی چه در دوران‌های گذشته و چه در دوران معاصر اتفاق افتاده است که این احکام دینی همجنس‌گراستیز تغییر کنند.^{۱۲۶}

در میان ادیان، ادیان توحیدی و ابراهیمی سخت‌ترین مجازات‌ها را برای رابطه با همجنس بین مردان تعیین کرده‌اند، اما بسیاری از این مجازات‌ها منوط به سخت‌ترین روش‌های اثبات جرم است. برای همین در این جزوه در میان ادیان ابراهیمی، اسلام و مسیحیت کاتولیک را به دلیل قبیح شمردن همجنس‌گرایی انتخاب شده است و به این دو مجزا مفصل‌تر پرداخته می‌شود. اسلام، به ویژه احکام شرعی اسلام شیعه، به‌طور خاص مسأله روز دگرباشان جنسی ساکن ایران است و از این رو نیازمند بررسی مفصل‌تر است.

کنترل رفتارهای جنسی با استفاده از روش‌های تأدیبی محدود به ساختارهای دین‌باور نیست و این رفتارها حتی در حکومت‌های استبدادی غیر دینی هم اعمال می‌شده‌اند و هنوز هم می‌شوند (به‌عنوان مثال قوانین همجنس‌گراستیز کشور چین و روسیه، با وجود این که دین محور نیستند، نسبت به همجنس‌گرایان مرد و زن خشونت را روا می‌دانند).

۱۲۶. برای نگاهی کامل و شامل به مسأله نگاه ادیان در دوران مدرن به رابطه جنسی با همجنس نگاه کنید به:

Boisvert, Donald L. *Queer Religion: Homosexuality in Modern Religious History*. Santa Barbara, Calif.: Praeger, 2012.

برای نگاهی نظری به مسأله وارد کردن مسأله دگرباشی جنسی در چهارچوب ادیان و خداپرستی نگاه کنید به:

Reid, Marcella. *The Queer God*. London New York: Routledge, 2003.

البته این بیشتر به این دلیل است که قوانین و احکام دینی و خصوصاً دین مسیحیت به شکل بنیادین ارزش‌های اخلاقی و عرفی حکومت‌های سکولار را نیز تحت‌تأثیر قرار داده‌اند.

مسیحیت

به‌طور کلی در ادیان مسیحی روابط جنسی با همجنس‌گناه محسوب می‌شود و اشد مجازات (مرگ) را در پی دارد. کلیساهای پروتستان نسبت به مسأله احیای حقوق همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها حساسیت بیشتری دارند، اما کلیسای کاتولیک هیچ‌گونه تمایلی برای بازنگری احکام مربوط به روابط جنسی با همجنس، نشان نداده است.^{۱۲۷}

با این حال، گروه‌های مسیحی و کلیساهای بسیاری هستند که با مسأله گرایش جنسی همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها مشکلی ندارند و حتی از حقوق آن‌ها حمایت می‌کنند. بسیاری از این کلیساهای به زنان و مردم همجنس‌گرا اجازه کشیش شدن می‌دهند.^{۱۲۸}

مسیحیت کاتولیک

در طی تاریخ، کلیسای کاتولیک نقش به‌سزایی در تعیین احکام مذهبی و حتی قوانین جرم‌انگاری روابط جنسی با همجنس در ساختار حقوقی کشورهای مدرن داشته است. لواط، تحت عنوان کنشی «غیر طبیعی» در بیشتر قوانین کشورهای مدرن با فرهنگ غالب کاتولیک در بدو به وجود آمدن این کشورها به مفهوم «دولت و ملت‌های مدرن» جرم‌انگاری شده بود. تأکید به آفرینش زن و مرد توسط خداوند و طبیعی و ازلی بودن تمایل این دو جنس به هم برای تشکیل خانواده، محور اصلی نگاه کاتولیک به روابط جنسی در ساختار خانواده است.

در سال‌های ۱۹۷۰ همراه با شکل‌گیری جنبش‌های حق‌خواهی همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها در آمریکا و اروپا، کلیسای کاتولیک بار دیگر در مورد روابط جنسی با همجنس اعلام موضع کرد. در شورایی که در سال ۱۹۷۵ با عنوان «گردهمایی مقدس برای دکتترین ایمان» (به اختصار: شورای دکتترین ایمان) برگزار

در میان ادیان، ادیان توحیدی و ابراهیمی سخت‌ترین مجازات‌ها را برای رابطه با همجنس بین مردان تعیین کرده‌اند، اما بسیاری از این مجازات‌ها منوط به سخت‌ترین روش‌های اثبات جرم است. برای همین در این جزوه در میان ادیان ابراهیمی، اسلام و مسیحیت کاتولیک را به دلیل قبیح شمردن همجنس‌گرایی انتخاب شده است و به این دو مجزا مفصل‌تر پرداخته می‌شود. اسلام، به ویژه احکام شرعی اسلام شیعه، به‌طور خاص مسأله روز دگرباشان جنسی ساکن ایران است و از این رو نیازمند بررسی مفصل‌تر است.

۱۲۷. برای آگاهی بیشتر در مورد برخورد مسیحیت در دوران پیشامدرن با مسأله روابط جنسی با همجنس نگاه کنید به:

Boswell, John. Christianity, social tolerance, and homosexuality: gay people in Western Europe from the beginning of the Christian era to the fourteenth century. Chicago London: University of Chicago Press, 1980.

برای خوانش‌هایی از انجیل که همجنس‌گرایی را می‌پذیرند نگاه کنید به:

Sphero, M. The gay faith : Christ, scripture, and sexuality. New York: Herms Press, 2011.

۱۲۸. رابطه کلیسا و دگرباشان جنسی هر روز دست‌خوش تغییرات است. صفحه ویکی‌پدیای انگلیسی کلیساهایی را که از حقوق دینداران دگرباش جنسی حمایت می‌کنند را به‌طور مداوم به روز می‌کند. برای اطلاعات بیشتر در مورد این کلیساهای به صفحه کلیساهای دربرگیرنده دگرباشان جنسی در ویکی‌پدیا مراجعه کنید:

http://en.wikipedia.org/wiki/LGBT-affirming_Christian_denominations

شد، سندی تهیه شد که در این سند کلیسای کاتولیک مواضع خود را در مورد مسأله «اخلاق و روابط جنسی» مشخص کرد.^{۱۲۹}

در این سند دو نوع همجنس‌گرا از هم تمایز پیدا می‌کردند: کسانی که دچار اختلال بیولوژیک جنسی‌اند و کسانی که به دلیل آموزش‌ها یا «انحرافات» تمایل به رابطه جنسی با همجنس دارند. تفکیک بین همجنس‌گرای ذاتی و آموزشی اما موضع کلیسای کاتولیک را در قبال گناه یعنی رابطه جنسی با همجنس، تغییر نداده است. در هر دو مورد کسی که روابط جنسی با همجنس ایجاد می‌کرد، گناهکار بوده و از لحاظ اخلاقی نیز بی‌اخلاق محسوب می‌شد.^{۱۳۰} این سند در سال ۱۹۸۶ مورد بازبینی قرار گرفت و کلیسای کاتولیک مجدداً تأیید کرد که پذیرش این که کسی می‌تواند از لحاظ ذاتی جنسیت و گرایش جنسی نرمال نداشته باشد، به مفهوم پذیرش همجنس‌گرایان نیست.^{۱۳۱} در سندی مشابه با این سند که در سال ۱۹۸۶ به رسمیت کلیسای کاتولیک رسید، این کلیسا مسأله دین‌داران همجنس‌گرا را مجدداً مطرح کرد و این پرسش مطرح شد که کشیشان در کمک‌های معنوی به مومنان همجنس‌گرا چه معنوریت‌هایی دارند. این سند که با عنوان «Homosexualitatis problema» در زمان پاپ ژان پل دوم و به دستور او منتشر شد، تأکید مجدد می‌کند که همجنس‌گرایی گناه و یک شر اخلاقی است. کلیسا ضمن این که هرگونه خشونت به افراد همجنس‌گرا را محکوم کرد و از کشیش‌های کاتولیک خواست از آن پرهیز کنند، تأیید کرد که این منع خشونت به این مفهوم نیست که همجنس‌گرایی پذیرفته است.^{۱۳۲}

از سال ۲۰۱۳ که خورخه ماریو برگولیو جایگزین پاپ بندیکت شانزدهم شد و لقب پاپ فرانسیس را گرفت، برخورد واتیکان با گوناگونی‌های دینداران تغییر فاحش کرد. در مقام رهبری کاتولیک‌های جهان، پاپ فرانسیس مسأله پذیرش دین‌داران در انواع گوناگونی‌های هویتی و فرهنگی را مطرح کرد.

در ژوئیه سال ۲۰۱۴ در پاسخ به سؤال خبرنگاران در مورد همجنس‌گرایان، او پاسخ داد: «اگر کسی همجنس‌گرا است و به دنبال خداوند می‌گردد و نیت خیر دارد، من که هستم که او را قضاوت کنم؟». این یک تغییر زبانی فاحش در ادبیات کلیسای کاتولیک در مورد همجنس‌گرایی بود و با این که این سخنان به‌عنوان موضع شخصی پاپ مطرح شد (و نه موضع رسمی کلیسای کاتولیک)، گروه‌های دگرباش جنسی کاتولیک از این جملات بسیار استقبال کردند.^{۱۳۳}

۱۲۹. این شورا با نام Sacred Congregation for the Doctrine of the Faith برگزار شد؛ نگاه کنید به:

«Sacred Congregation for the Doctrine of the Faith» Persona Humana - Declaration on Certain Questions Concerning Sexual Ethics. Vatican, 1975. Web. 22 Nov. 2014. <http://www.vatican.va/roman_curia/congregations/cfaith/documents/rc_con_cfaith_doc_19751229_persona-humana_en.html>.

۱۳۰. همان.

۱۳۱. برای نگاهی مفصل‌تر به همجنس‌گرایی در آرای کلیسای کاتولیک، نگاه کنید به مقاله «درگیری کاردینال‌های کاتولیک بر سر همجنس‌گرایی» در رادیو زمانه:

<http://www.radiozamaneh.com/182487>

132. «Epistula De Pastoralis Personarum Homosexualium Cura, D. 1 M. Octobris A. 1986, Congregatio Pro Doctrina Fidei.» Epistula De Pastoralis Personarum Homosexualium Cura, D. 1 M. Octobris A. 1986, Congregatio Pro Doctrina Fidei. Vatican, 1986. Web. 23 Nov. 2014. <http://www.vatican.va/roman_curia/congregations/cfaith/documents/rc_con_cfaith_doc_19861001_homosexual-persons_lt.html>.

133. "Pope: Who Am I to Judge Gay People?" BBC News. BBC, 29 July 2013. Web. 23 Nov. 2014. <<http://www.bbc.com/news/world-europe-23489702>>.

در ماه اکتبر سال ۲۰۱۴، کلیسای کاتولیک به رهبری پاپ فرانسیس شورای مشابه شورای سال ۱۹۷۵ تشکیل داد که در آن دویست اسقف اعظم کاتولیک از مناطق مختلف جهان درباره خانواده در دنیای کنونی و گوناگونی‌های زندگی خانوادگی بحث و گفت‌وگو کردند. این گردهمایی با عنوان «شورای کلیسایی در زمینه چالش‌های تبلیغ مسیحیت و مسأله خانواده» برگزار شد، اما پوشش‌های رسانه‌ای مربوط به آن بیشتر حول محور مواضع کلیسای کاتولیک در قبال همجنس‌گرایان مؤمن و خانواده‌های همجنس‌گرا شکل گرفت.

یکی از پیشروترین متخصصان الهیات مسیحی، برونو فورته، اسقف اعظم کلیسای تاریخی واستو در شهر کیاتی ایتالیا به‌عنوان مغز متفکر پشت ایجاد تغییر پارادایمی در نگرش کاتولیک‌ها به مسأله همجنس‌گرایی شناخته شده است. او نیز سخنگوی رسمی این شورا بود که در مصاحبه‌ای مطبوعاتی نسخه پیش‌نویس شده از نتایج این شورا را خواند که در آن مسأله «پذیرش»، «برادری» و «خوش‌آمدگویی» به افرادی که در خانواده‌های همجنس‌گرا و همراه با «شرکای» همجنس‌گرا زندگی می‌کنند، مطرح شد.

این نسخه اولیه اما موجب جنجالی بین خود اسقفان اعظم کاتولیک شد و در نهایت نسخه نهایی تنها تحت سرفصلی با عنوان «دسترسی افراد همجنس‌گرا»، صحبت از «مشارکت» در امور دینی و «حمایت ارزشمند» آن‌ها کرد.^{۱۳۴} باین حال شورای ماه اکتبر ۲۰۱۴ در واتیکان پیش‌درآمد تغییر نگرش در نگاه کلیسای کاتولیک به مسأله همجنس‌گرایی است.

یهودیت

در نگاه خاص یهودیان ارتدکس به تورات، تلمود و دیگر کتب مذهبی، همجنس‌گرایی علیه طبیعت و کاری ضد خداست که مستحق شدیدترین مجازات‌هاست. باین حال در سال‌های اخیر دانشمندان دینی یهودی مسأله «پذیرش گناهکار اما نه خود گناه» را مطرح کرده‌اند. با توجه به این که کشور اسرائیل، به‌عنوان یک کشور سکولار، از حقوق دگرباشان جنسی حمایت قانونی می‌کند، نهادهای مذهبی اسرائیلی که میانه‌رو هستند، مسأله پذیرش تفاوت‌های انسانی را مطرح کرده‌اند. در میان گروه‌های همجنس‌گرای مذهبی، یهودیان دگرباش جنسی بسیار فعال هستند و شاخه‌های ارتودوکس و بنیادگرای یهودی را مدام به چالش می‌کشند.^{۱۳۵}

بودیسم

134. Gallagher, Delia, and Delia Gallagher Reported from Rome. Hada Messia. «Catholics Bishops: No Agreement on Gays and Lesbians.» CNN. Cable News Network, 01 Jan. 1970. Web. 23 Nov. 2014. <<http://www.cnn.com/2014/10/18/world/vatican-final-report/>>.

Povoleto, Elisabetta, and Laurie Goodstein. «At the Vatican, a Shift in Tone Toward Gays and Divorce.» The New York Times. The New York Times, 13 Oct. 2014. Web. 23 Nov. 2014. <<http://www.nytimes.com/2014/10/14/world/europe/vatican-signals-more-tolerance-toward-gays-and-remarriage.html>>.

۱۳۵. برای آشنایی بیشتر با افکار دانشمندان دین که مشغول به چالش کشیدن خوانش‌های همجنس‌گراستیز از متون مذهبی یهودی هستند، نگاه کنید به:

Ramer, Andrew. *Queering the text: biblical, medieval, and modern Jewish stories*. Maple Shade, NJ: Lethe Press, 2010.

بودیسم همجنس‌گرایی افراد را مرتبط با زندگی دینی افراد نمی‌داند و آن را مسأله‌ای شخصی می‌داند. بر اساس دستورهای بودا (یا برداشت بوداییان معاصر از برداشت‌های بودا)، یک همجنس‌گرا دقیقاً مانند یک دگرجنس‌گرا باید با احترام و خردورزی نسبت به اطراف و اطرافیان خود مسئول باشد.

هندویسیسم

در میان مذاهب مختلفی که پیدایش آن‌ها در کشور هند بوده است، مسأله همجنس‌گرایی به مفهوم گرایشی آن به ندرت در ادبیات دینی مطرح می‌شود. هرچند رهبران دینی معاصر نسبت به مسأله رابطه جنسی با همجنس مواضع سخت‌گیرانه دارند و همجنس‌گرایی را مردود می‌دانند. با این حال هندویسیسم سنت دیرینه پذیرش تراجنسیتی‌ها را دارد و برخی از خدایان هندوها حالت نرماندگی دارند. مسأله جنس سوم و کسانی که نه زن هستند و نه مرد در باورهای هندوها وجود دارد.

بهاییت

تنها نوع رابطه جنسی را در رابطه مقدس ازدواج بین یک زن و یک مرد، مشروع می‌داند. همجنس‌گرایی در بهاییت محکوم است، اما حکم سیاسی/قضایی برای مجازات وجود ندارد و بیت‌العدل نیز در این خصوص موضع خاصی نگرفته است. به طور کلی اما بهاییت ضمن گناه شمردن کنش همجنس‌گرایی، مسأله پذیرش انسان‌ها را هم مطرح می‌کند و خشونت خاصی از جانب پیروان دین بهایی به همجنس‌گرایان تاکنون ثبت نشده است.

دین زرتشت

اوستا صحبتی از همجنس‌گرایی به میان نمی‌آورد و این رابطه پیروان دین زرتشت با همجنس‌گرایی را پیچیده کرده است. برخی از مؤیدان معاصر همجنس‌گرایی را عملی شنیع می‌دانند، اما در میان دانشمندان دین‌شناس در مورد نظر نهایی متون زرتشتی در مورد همجنس‌گرایی اختلاف وجود دارد.

اسلام

اسلام آشکارا همجنس‌گرایی را گناه و همجنس‌گرایان را گناهکار و محکوم به مرگ می‌داند. با این حال گروه‌های همجنس‌گرا و حتی امامان همجنس‌گرا در مذاهب سنی در صدد اثبات این مسأله هستند که داستان لوط در قرآن دارای خوانش‌های متفاوتی است و قوم لوط همجنس‌گرا نبوده‌اند.^{۱۳۶}

۱۳۶. نگاه کنید به:

- MACFARQUHAR, NEIL. «Gay Muslims Find Freedom, of a Sort, in the U.S. - New York Times.» The New York Times - Breaking News, World News & Multimedia. N.p., n.d. Web. 4 Nov. 2012. <http://www.nytimes.com/2007/11/07/us/07gaymuslim.html?_r=2&>.

- «Daayiee Abdullah: Being Out And Being Muslim.» Muslim Voices: Islam Blog, Videos and Podcasts Promoting Intercultural Dialogue. N.p., n.d. Web. 4 Nov. 2012. <<http://muslimvoices.org/daayiee-abdullah-being-out-muslim/>>.

- «Cape of Good Hope: the gay imam.» AL-BAB: an open door to the Arab world. N.p., n.d. Web. 4 Nov. 2012.

- «Muhsin Hendricks: An Openly Gay Imam Speaks.» Black News, Opinion, Politics and Culture - The Root. N.p., n.d. Web. 4 Nov. 2012.

بودیسم همجنس‌گرایی افراد را مرتبط با زندگی دینی افراد نمی‌داند و آن را مسأله‌ای شخصی می‌داند. بر اساس دستورهای بودا (یا برداشت بوداییان معاصر از برداشت‌های بودا)، یک همجنس‌گرا دقیقاً مانند یک دگرجنس‌گرا باید با احترام و خردورزی نسبت به اطراف و اطرافیان خود مسئول باشد.

در میان احکام فقه شیعه اما هنوز کسی مسأله جرم‌زدایی از همجنس‌گرایی را مطرح نکرده است. قوانین شیعه بسیار سخت‌گیرانه با مسأله همجنس‌گرایی برخورد می‌کنند. برای دگرباشان جنسی ایرانی این مسأله از این جهت مشکل‌زاست که احکام شیعه در دادگاه‌ها و همچنین در متن قانون مجازات اسلامی حرف اول را می‌زند. بر طبق احکام اکثر مراجع شیعه حکم لواط بین مردان مرگ است. حکم مساحقه بین زنان شلاق است.^{۱۳۷} احکام شیعه اما مسأله تراجنسیتی بودن را لحاظ کرده‌اند. و آیت‌الله خمینی نیز با فتوای تغییر جنسیت، هویت‌های تراجنسیتی را عملاً در چهارچوب قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران و برای مقلدین خود، قانونی کرد.

اسلامی که کنش جنسی با همجنس را نهی نمی‌کند

آیا اسلامی وجود دارد که زیست انسان‌ها در روابط همجنس‌گرایانه و یا دوجنس‌گرایانه را بپذیرد؟ این سؤال بیش از آن که سؤالی تاریخی باشد، سؤالی است که اکنون و در زمان حال در بین پژوهشگران کلامی که به اسلام و مسأله سکس و جنسیت علاقه دارند مطرح است.

وجه تاریخی روابط جنسی با همجنس در مناطقی که فرهنگ اسلامی داشته یا دارند یا تحت حکومت‌های اسلامی در گذر تاریخ زندگی کرده‌اند، بارها تاریخ‌نگاری شده است. به‌عنوان مثال، افسانه نجم‌آبادی روابط جنسی با همجنس را در ایران دوران قاجار تاریخ‌نگاری کرده است. همین کار در مورد مناطق عرب‌نشین در خاورمیانه و شمال آفریقا، توسط جوزف مسعد صورت گرفته است. سؤالی که بخش پیش رو به آن می‌پردازد، وجه تاریخی روابط جنسی با همجنس نیست، بلکه وجه فقهی و کلامی امکان‌پذیرش روابط جنسی با همجنس در چهارچوب‌های فقهی و کلامی اسلامی در دوران معاصر است.

از سال‌های ۱۹۶۰ مسائل مربوط به همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها به‌طور فزاینده و هر سال بیش از سال‌های قبل در رسانه‌های کشورهای غربی مطرح شده است. در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ همراه با مطرح شدن بیش از پیش جنبش‌های دگرباشان جنسی در آمریکا و اروپا، مراکز مذهبی نیز ناچار شدند به این تغییرات فرهنگی پاسخ بدهند و مواضع خود را اعلام کنند و یا به‌مرور زمان تغییر دهند. هرچند این اتفاق با توجه به نبود، پشتوانه فرهنگی در رسانه‌های کشورهای اسلامی در ده سال اخیر بیش از پیش مطرح شده است. اکنون زمان واکنش نشان دادن مراکز مذهبی، متخصص‌های فقه و اصول و پژوهشگران کلامی در دنیای اسلام به مسأله گرایش جنسی و هویت جنسیتی است.

در بخش پیش رو، مسأله اسلام و روابط جنسی با همجنس را از دو دیدگاه پژوهشگران الهیات سنی، پژوهشگران الهیات شیعه و روحانیون معاصر (بیشتر امامان سنی) مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم. همه اندیشمندان و محققانی که درصدد هستند نشان دهند همجنس‌گرایی در اسلام مجاز است در چند نکته مشترک هستند:

<<http://www.theroot.com/views/root-interview-muhsin-hendricks>>.

۱۳۷. آیت الله روح الله موسوی خمینی و آیت الله حسینعلی منتظری دو نفر از فقیهانی بودند که آرای فقهی‌شان تأثیرات بسیاری بر قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران داشته است. برای احکام لواط از نگاه آیت الله خمینی نگاه کنید به این‌جا؛ برای احکام لواط از نگاه آیت الله منتظری نگاه کنید به این‌جا و این‌جا. برای احکام مساحقه از نگاه آیت الله خمینی نگاه کنید به این‌جا و این‌جا؛ مساحقه از دید آیت الله منتظری این‌جا.

۱. خوانش‌های متفاوت از تأویلات سنتی آیات مربوط به قوم لوط در قرآن ارائه می‌دهند. آن‌ها عموماً نشان می‌دهند که عذاب قوم لوط به دلیل گرایش جنسی به همجنس نبوده و دلایلی همچون سرپیچی از فرمان خدا، پیامبر خدا و متجاوز بودن دارد.
۲. برای بازنگری خوانش‌های جنسی و جنسیتی نسبت به روابط جنسی با همجنس، همه آن‌ها به مفسران و فقهای سنتی نیز استناد می‌کنند و گاهی با استفاده از آرای فقهای سنتی سده‌های گذشته تأویلات رایج از قرآن را نقد می‌کنند.
۳. تمامی آن‌ها مسأله زمان را در نظر می‌گیرند و این را بیان می‌کنند که با وجود داده‌های جدید علمی در مورد گرایش جنسی به همجنس، آیات قرآنی تأویل‌پذیرند و نباید آیه‌ای که در دوران نزول وحی آمده است، آن را برای همه دوران‌ها یکسان خواند.
۴. تمامی این اندیشمندان مسأله تقبیح گرایش جنسی به همجنس را در چهارچوب گرایش جنسی مرد به مرد می‌سنجد و در نهایت موضوع را به گرایش جنسی زنان به هم تعمیم می‌دهند و از این رو این ضعف دانش تولید شده توسط آن‌هاست.

الهیات‌دانان سنی و نگاهی متفاوت به گرایش جنسی به همجنس

بیشتر پژوهش‌هایی که روابط جنسی با همجنس در ساختار فقهی، حقوقی، اصولی و کلامی در دین اسلام را بررسی می‌کنند، از جانب پژوهشگران و امامان آشنا به مبانی اسلام اهل سنت است. در این بخش هم مطرح‌ترین این نگاه‌ها در اسلام سنی می‌پردازیم و هم پژوهشگرانی که در حوزه اسلام شیعه مسأله گرایش جنسی به همجنس را مطرح کرده‌اند بررسی می‌کنیم.

موضع سنی اسلام اهل سنت در همه شاخه‌ها و همچنین موضع سنتی اسلام شیعه نیز این بوده که اعمالی که به هر شکلی رابطه جنسی با همجنس باشد، در اسلام حرام است. این شامل لواط، مساحقه، هم‌آغوشی جنسی، بوسه و هر نوع لذت‌جویی جنسی رضایتمندانه‌ای بین دو هم‌جنس می‌شود.

اسکات سراج الحق کُگل (Scott Siraj al-Haqq Kugle)، اولین پژوهشگری است که در چهارچوب کلامی، با رویکرد الهیات‌رهایی‌بخش و در چهارچوب فقه سنی، مقوله همجنس‌گرایی و مفهوم یک گرایش را در رابطه با اسلام نقد نظام‌مند کرده و نتیجه را در کتابی با عنوان «همجنس‌گرایی در اسلام: تأملی انتقادی درباره گی‌ها، لژیون‌ها و ترنس‌جندهای مسلمان» منتشر کرده است.^{۱۳۸} اسکات سراج الحق کُگل که استاد دانشگاه لیدن هلند، متولد آمریکا و خود نوکیش مسلمان است، با اشاره به نقاط ضعف نگاه سنتی به همجنس‌گرایی امکانات فقهی و کلامی را برای پذیرش گرایش همجنس‌گرایی برمی‌شمرد.

در الهیات اسلامی و اندیشه‌های فقهی-حقوقی، ممنوعیت روابط جنسی با همجنس به خصوص رابطه جنسی از مقعد بین دو مرد (لواط) با استناد به داستان لوط در «نص» قرآن مشروعیت می‌گیرد. علاوه بر نص قرآنی، چند روایت از سیره پیامبر اسلام و در احکام شیعه دوازده‌امامی اضافه بر آن، چند روایت از امامان شیعه نیز وجود

۱۳۸. نگاه کنید به:

Kugle, Scott Alan. *Homosexuality in Islam: Critical Reflection on Gay, Lesbian, and Transgender Muslims*. Oxford: Oneworld, 2010. Print

دارد که برای حرمت لواط استفاده شده و به همجنس‌گرایی تعمیم داده شده‌اند. احکام ممنوعیت روابط جنسی با همجنس سپس بر اساس داستان لوط در قرآن، روایاتی از سنت پیامبر (و اهل بیت در شیعه) به روابط جنسی با همجنس در میان زنان نیز تعمیم داده شده است.

به همین دلیل کسانی که در چهارچوب الهیاتی در اسلام سنی و یا شیعه مایل باشند مسأله همجنس‌گرایی را بررسی کنند، می‌بایستی که خوانش‌های متفاوتی از داستان لوط ارائه دهند و صحت و سقم روایات باقی مانده از پیامبر، سنت پیامبر یا اهل بیت را نیز بررسی کنند و این کاری است که اسکات سراج الحق کگل در کتاب خود «همجنس‌گرایی در اسلام» انجام داده است.

به‌عنوان مثال در داستان قرآنی لوط، اسکات سراج الحق کگل و تعداد دیگر از اندیشمندی که با حساسیت به مسأله همجنس‌گرایی قرآن را می‌خوانند، به آیه ۸۱ سوره اعراف اشاره می‌کنند:^{۱۳۹}

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ.

برگردان صادق فولادوند: شما از روی شهوت، به جای زنان با مردان درمی‌آمیزید، آری، شما گروهی تجاوز‌کارید. در این آیه، کلمه «شهوت» و «تجاوز» در خوانش متفاوت این اندیشمندان نقش کلیدی دارد. آن‌ها می‌گویند که قوم لوط نه برای هم‌آغوشی جنسی، محبت و یا گرایش، بلکه از سر شهوت با مردان رابطه‌ای نه از نوعی که مبنی بر رضایت طرفین باشد، بلکه از نوعی که تجاوز محسوب می‌شوند داشته‌اند. بر این اساس این اندیشمندان بر این باورند که در داستان لوط، اصلاً مسأله گرایش جنسی به همجنس مطرح نیست. مجازات آنان نیز به‌خاطر این گرایش صورت نمی‌گیرد.^{۱۴۰}

مشابه همین خوانش‌ها را افرادی چون سراج الحق کگل و کریستوفر کلی در آیات دیگر قرآن نیز یافته‌اند. در مورد روایاتی هم که از پیامبر به جای مانده است، آن‌ها صحت روایاتی را که مجازات مرگ به واسطه رابطه با همجنس قائل می‌شود، به زیر سؤال می‌برند. به‌عنوان مثال کگل در مقاله خود با عنوان «سکسولیت، گوناگونی و اخلاق»، برای اثبات فقهی این نکته که قوم لوط برای سکس مقعدی با مردان نبود که دچار عذاب شدند به سراغ فقیه حنفی قرن دهم، امام الجصاص می‌رود.^{۱۴۱}

موضع سنی اسلام اهل سنت در همه شاخه‌ها و همچنین موضع سنتی اسلام شیعه نیز این بوده که اعمالی که به هر شکلی رابطه جنسی با همجنس باشد، در اسلام حرام است. این شامل لواط، مساحقه، هم‌آغوشی جنسی، بوسه و هر نوع لذت‌جویی جنسی رضایتمندانه‌ای بین دو هم‌جنس می‌شود.

۱۳۹. از دیگر پژوهشگرانی که خوانش‌هایی بخش از اسلام پذیرای گرایش جنسی دگرباش ارائه می‌دهد، راسمیر موزیک است که با توجه ویژه به قرآن، حدیث، سنت پیامبر، قیاس و اجماع به مسأله گرایش جنسی به همجنس نگاه می‌کند و آن را در اسلام مشروع می‌یابد: Music, Rusmir. «Queer Visions of Islam» in Islam and Homosexuality. Ed. Samar Habib. Vol. 2. Santa Barbara, CA: Praeger, 2010. Print

۱۴۰. نگاه کنید به مقاله کریستوفر کلی با عنوان «آیا اسلامی که همجنس‌گرا دوست باشد وجود دارد» که در آن‌ها کلی با بررسی آراء کگل به نتایج مشابه با کگل می‌رسد. او نیز از سوره اعراف آیه ۸۱ استفاده می‌کند و مسأله رضایت طرفین در رابطه جنسی را مطرح می‌کند که عدم نشان از تجاوز دارد. کلی قوم لوط را به‌خاطر یک پیروی نکردن از دستورات خداوند، متجاوز بودن (آن‌ها قصد تجاوز به فرشتگان خداوند را داشتند) و شهوت‌انگیز بود روابطشان در نگاه قرآنی مستحق مجازات می‌داند، نه به‌خاطر فعل کنش جنسی با همجنس یا گرایش جنسی به همجنس. در نگاه کلی قوم لوط همجنس‌گرا نبوده‌اند. کگل نیز نظر مشابه با کلی دارد:

۱۴۱. اگر مایل هستید در مورد استدلال‌های کگل در نفی روایات مرتبط با احکام فعلی مربوط به همجنس‌گرایی و لواط در اسلام سنی بخوانید نگاه کنید به:

Scott Siraj al-Haq Kugle, "Sexuality, Diversity, and Ethics in the Agenda of Progressive Muslims," in Progressive Muslims: On Justice, Gender, and Pluralism, ed. Omid Safi (Oxford: Oneworld, 2003), 219-222

در تفسیر حقوقی این فقیه از نص قرآن او بنا به دو حدیث نقل شده از محمد بن عبدالله، پیامبر اسلام، استدلال می‌کند. در حدیث اول آمده که هر کس، کسی را برای انجام عملی به حد محکوم کند که آن عمل مستحق حد نبوده است، ظلم و بی‌عدالتی کرده است (نقل به مضمون). امام الجصاص حدیث دوم را در کنار حدیث اول می‌آورد که در آن پیامبر گفته است که خون مسلمان تنها برای زنا محصنه پس از ازدواج، کفر پس از انتخاب اسلام و قتل یک فرد بی‌گناه جایز است (نقل به مضمون). او بر این اساس نتیجه می‌گیرد که قتل مردانی که از راه مقعد با هم رابطه جنسی دارند، قتلی ظالمانه است.^{۱۴۲}

واضح است که این تنها یک مثال است و کگل در میان مجموعه‌ای از بیانات فقهای سنی حنفی و دیگر مدرسه‌ها در مورد لواط کم‌کم تمام روایت‌های موجود در مورد حکم قتل را مردود دانسته و این مردودیت را از لحاظ فقهی نشان می‌دهد. آوردن تمامی این استدلال‌ها خارج از محدوده تعریف شده برای این جزوه است. هرچند این مثال ساده برای این بیان شد که نشان دهیم چطور متکلم‌های معاصر با توجه به پیشینه این مباحث فقهی، سعی می‌کنند خوانش‌هایی را ارائه دهند که حکم به قتل همجنس‌گرایان را مردود دانسته و گرایش به همجنس را به‌عنوان گرایشی جنسی و شرعی می‌پذیرد.

مسئله روابط جنسی با همجنس در میان زنان چه به صورت فعل مساحقه، چه به‌عنوان یک کنش جنسی و چه با عنوان گرایش جنسی زن به زن، در میان گفتمان‌های کلامی الهیاتی پژوهشگران معاصر حامی مشروع دانستن همجنس‌گرایی، به صورت مجزا بیان نمی‌شود. درست مانند احکام فقهی اسلامی، مسئله گرایش جنسی زن به زن در سایه گرایش جنسی مرد به مرد و عنوان زیرمجموعه‌ای فقهی بیان می‌شود. با توجه به این که این گفتمان‌ها درصد نقد خوانش‌های سنتی فقهی از قرآن و سنت پیامبرند، تصور می‌شود که این نقد نیز به‌عنوان نقدی جدی به این برداشت‌های سنتی وارد است که چرا روابط جنسی با همجنس در میان زنان مسأله‌ای است که در مورد آن تبادل نظر فقهی نشده است.

دوجنس‌گرایی هم به مانند گرایش جنسی زنان به زنان، از گرایش‌هایی است که مورد تبادل نظر فقهی در میان متکلمان و الهیات‌دان‌هایی که مسأله اسلام و همجنس‌گرایی علاقه دارند، قرار نگرفته است.

مهرداد علی‌پور، فیلسف‌دان و متخصص الهیات اسلامی، آرای کگل و بنیان فکری الهیات‌رهای بخش در فهم مسأله همجنس‌گرایی و اسلام را مورد بررسی قرار داده است.^{۱۴۳} او ضمن این که به کگل این اعتبار را می‌دهد که به‌عنوان یک پژوهشگر حق انتخاب داشته باشد و این را تأیید می‌کند، کگل در مدخل کتابش بیان کرده که در این پژوهش به «دوجنس‌گرایان» (bisexuals) نمی‌پردازد، به این انتخاب نقد دارد. علی‌پور می‌گوید: «مهم‌ترین دلیلی که کگل را بر آن می‌دارد تا در این کتاب از گروه دوجنس‌گرایان سخن نگوید، سرشت پژوهشی این اثر

۱۴۲. همان.

۱۴۳. نگاه کنید به مقاله مهرداد علی‌پور در «راديو زمانه» با عنوان «همجنس‌گرایی و اسلام»:

<http://www.radiozamaneh.com/160694>

است که یک تحقیق الاهیاتی براساس منابع اسلامی و به‌طور خاص فهم قرآنی از همجنس‌گرایی است و وی در قرآن نگاه مثبتی نسبت به دوجنس‌گرایان نیافته است.^{۱۴۴}

پژوهشگرانی مانند اسکات سراج الحق کُگل، کریستوفر کلی، سمر حبیب و راسمیر موزیک با این که صداهای تازه از الهیات رهایی‌بخش در اسلام هستند، تعدادشان اندک است. در میان روحانیون مسلمان معاصر به غیر از تعداد انگشت‌شماری از امامان سنی که خود نیز همجنس‌گرا هستند، کسی هنوز حامی این خوانش‌های رهایی‌بخش از اسلام نیست. به‌عبارتی بر سر این خوانش‌ها اجماع وجود ندارد. با این حال این صداها، موجب شده‌اند که تبادل نظرها و موضع‌گیری‌ها در قبال مسأله مشروعیت فقهی گرایش جنسی به همجنس، افزایش یابد و این خود قدمی پیشرو محسوب می‌شود.

الهیات‌دانان شیعه و مسأله گرایش جنسی به همجنس

آرش نراقی، استاد فلسفه، از اولین افرادی است که با اتخاذ چهارچوبی تحلیلی در حوزه فلسفه، کلام و الهیات رهایی‌بخش به مسأله همجنس‌گرایی و اسلام نگاه می‌کند و مقاله‌های خود را در این حوزه به زبان فارسی نیز می‌نویسد. گنجانیدن نراقی در بخش «شیعه»، به‌خاطر تعلق نوشتار او به گفتمان‌های الهیاتی شیعه نیست. اسلام برای نراقی مفهومی کلی‌تر از شیعه و سنی دارد. هرچند این تقسیم‌بندی بیشتر از این جهت است که مخاطب نراقی در نقد تقبیح همجنس‌گرایی در اسلام برای مخاطبان فارسی‌زبان و در نقد برداشت‌های جریان اصلی فقها از موضوع همجنس‌گرایی است که مسأله روز ایران است.

او در مقاله «اسلام و مسأله همجنس‌گرایی» این پرسش را مطرح می‌کند که «به فرض آن که معلوم شود هیچ دلیل عقلی موجهی در تقبیح اخلاقی رفتارهای همجنس‌گرایانه ارائه نشده است، آیا ممکن است فردی این ادعای عقلی اخلاقی را بپذیرد و در عین حال، به نحو سازگاری به ایمان دینی خود نسبت به آیین اسلام پایبند بماند؟» با بیان این پرسش، نراقی با استفاده از فلسفه اخلاق امانوئل کانت، ابتدا برهان‌هایی که در تقبیح همجنس‌گرایی بیان شده است، همگی را یک به یک بیان کرده و آن‌ها را بررسی کرده و مردود می‌شمارد. با توجه ویژه به مسأله عقل، مفهوم حرمت نهادن به «انسانیت» و تکریم «کرامت انسانی»، نراقی نشان می‌دهد که حتی مواضع امانوئل کانت در تقبیح همجنس‌گرایی در چهارچوب فلسفه اخلاق وی نمی‌گنجد و خود این تقبیح امری غیر اخلاقی است.

سازگاری بخشیدن میان عقل و وحی برای پذیرش همجنس‌گرایی در متن نراقی، از دریچه فلسفه اخلاق اتفاق می‌افتد. او از فلسفه اخلاقی که در بیرون دین اسلام قرار دارد، چهارچوب احکام درون دین را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. از این جهت روش نراقی برای نشان دادن سازگاری پیام وحی با زیست انسان مسلمان

دوجنس‌گرایی هم به مانند گرایش جنسی زنان به زنان، از گرایش‌هایی است که مورد تبادل نظر فقهی در میان متکلمان و الهیات‌دان‌هایی که مسأله اسلام و همجنس‌گرایی علاقه دارند، قرار نگرفته است.

همجنس‌گرا، با روش الهیات رهایی‌بخش اسکات سراج الحق کُگل که سعی می‌کند از چهارچوبی درون‌دینی وارد این مبحث شود متفاوت است.

با این حال نراقی هم مانند سراج الحق کُگل و دانشگاهیان دیگری که در حوزه اسلام و همجنس‌گرایی نوشته‌اند، سراغ روش درون‌دینی نیز می‌رود و تأکید می‌کند که آیات قرآنی در تقبیح همجنس‌گرایی ظهور ندارد و حتی اگر کسانی به چنان ظهوری قائل باشند، آن «ظهور» تأویل‌پذیر است، یعنی می‌توان آن آیات را به گونه‌ای فهمید که با مقتضیات عدالت جنسیتی سازگاری بیشتری داشته باشد.

با این وجود نراقی، حتی زمانی که در درون چهارچوب الهیات، دین، فقیه و اصول صحبت می‌کند، مسأله‌اش نقد «فهم رایج عالمان دینی» از نص قرآن و دیگر منابع اسلامی و ناسازگاری این فهم رایج با حکم عقلی است. به عبارتی او مانند سراج الحق کُگل از تمامی ابزار و روشمندی خود فقها برای بررسی مسأله همجنس‌گرایی درون اسلام شیعه استفاده نمی‌کند.

برای نراقی هم مانند سراج الحق کُگل، چالش موضع شارع در رابطه با گرایش جنسی همجنس‌گرا بیشتر از چالش شارع در رابطه با موضع فقهی و اخلاقی دین اسلام در برابر همه عنوان‌های گرایش‌های جنسی (از جمله دوجنس‌گرایی) اهمیت دارد. نراقی می‌گوید که «همجنس‌گرایی را نمی‌توان و نمی‌باید به یک عمل جنسی صرف فروکاست» و بر گرایش بودن آن بیشتر تأکید دارد. به این ترتیب هم سراج الحق کُگل و هم نراقی، حق انسانی برای زیستن با گرایش جنسی همجنس‌گرا را حقانیت می‌بخشند، اما هیچ‌کدام از این دو اندیشمند سعی نمی‌کنند که این حق را به وادی رابطه جنسی از روی هوا و هوس و تمتع جنسی تعمیم دهند و در چهارچوب نگاه این دو اندیشمند، «حکم» اخلاقی و شرعی این نوع روابط همچنان مجهول است.

بیشتر درگیری آرش نراقی با نص قرآن است و کمتر سراغ سیره، سنت و روایات می‌رود. او پیشنهاد می‌دهد که «تفسیری از آیات قرآنی به دست دهیم که یکسره از تبعیض‌های جنسیتی پیراسته باشد». برای این کار او به مفسر قرآنی پیشنهاد می‌دهد که در تأویل آیات قرآنی یا به دنبال «سازگاری ایجابی یا حداکثری» و یا به نحوی نشان دهد «آن دسته از آیات قرآنی که از نوعی تبعیض جنسیتی حکایت می‌کند ناظر به دوران‌های گذشته است» (یعنی همان سازگاری سلبی یا حداقلی).

با این دو روش، در نگاه درون‌دینی، نراقی نشان می‌دهد که «گناه» قوم لوط تکذیب پیامبران و رسالت آن‌ها بوده است، نه عمل «همجنس‌گرایانه» و از دیگر گناهان آن‌ها توسل قوم لوط به زور و تجاوز به‌ویژه در مورد فرشتگانی است که فرستاده الهی بوده‌اند.

به این ترتیب مفسرانی که از آیات قرآنی این‌طور تفسیر کرده‌اند که آن کار زشت یا «فاحشه»، «عمل لواط» قوم لوط است، تأویل درستی از این آیات ندارند، چرا که «قوم لوط مرتکب انواع گناهان فاحش می‌شدند و هیچ دلیلی وجود ندارد که آن «فاحشه» را که عامل اصلی عذاب ایشان بوده است، معادل

با این دو روش، در نگاه درون‌دینی، نراقی نشان می‌دهد که «گناه» قوم لوط تکذیب پیامبران و رسالت آن‌ها بوده است، نه عمل «همجنس‌گرایانه» و از دیگر گناهان آن‌ها توسل قوم لوط به زور و تجاوز به‌ویژه در مورد فرشتگانی است که فرستاده الهی بوده‌اند.

عمل «همجنس‌گرایانه» در میان مردان قوم تلقی کنیم» (نراقی برای این استدلال از آیات سوره القمر/۳۳؛ الشعراء/۱۶۰؛ و الحج/۴۲-۴۳ استفاده می‌کند).

مهرداد علی‌پور، فلسفه‌دان و پژوهشگر حوزه الهیات، از دیگر افرادی است که به زبان فارسی در مورد مسأله همجنس‌گرایی در چهارچوبی الهیاتی نوشته است.

علی‌پور با محققانی مانند اسکات سراج الحق کگل، کریستوفر کلی، سمر حبیب، راسمیر موزیک و آرش نراقی موافق است که گرایش جنسی همجنس‌گرا در اسلام روایت شرعی دارد. همچنین علی‌پور معتقد است که این روایت شرعی لازم است که شامل حال تمامی مسلمانانی که تمایل به رابطه جنسی با همجنس دارند نیز بشود. یعنی بر این باور است که رابطه جنسی با همجنس هیچ قبح الاهیاتی و اخلاقی ندارد، به لحاظ حقوقی نیز مجازاتی بر آن بار نشده است. علی‌پور اما در رهیافت و روش‌شناسی نشان دادن این موضوع نسبت به روشمندی نراقی و کگل انتقاداتی دارد.

علی‌پور می‌گوید: «می‌دانیم که تمام این گفتگوها و کوشش‌های علمی، فارغ از نفس تولید دانش و فهم دینی، برای آن است که از طریق گشودن درهای تازه به روی جوامع اسلامی و دین‌مداران مسلمان، اولاً به لحاظ روانی همجنس‌گرایان دیندار را به آرامش و پرهیز از تشویش از ناحیه گرایش و کنش جنسی‌شان سوق دهیم و ثانیاً زمینه جرم‌زدایی از مقوله گرایش و کنش جنسی دو همجنس در قانون مجازات اسلامی را فراهم آوریم.» به نظر علی‌پور، روشمندی اسکات سراج الحق کگل در تأویل متفاوت از نص و سنت پیامبر، نمی‌تواند با اجماع عالمان سنی در مورد احکام و یا مواضع آن‌ها نسبت به کنش جنسی رابطه با همجنس، وارد گفت‌وگو شود. همچنین انتقاد مشابهی به آرش نراقی وارد است که گفتمان انتقادی او نسبت به تأویلات عالمان دینی شیعه از راه برون‌دینی وارد و با کمک از فلسفه اخلاق وارد گفت‌وگو می‌شود که این برای کسانی که در حوزه فقه و اصول سررشته دارند، حتی اگر محترم شمرده شود، حجت کافی برای تغییر بنیادین نگاه‌شان به مسأله گرایش جنسی به همجنس نیست.

از این رو علی‌پور پیشنهاد می‌کند که در حوزه شیعه حداقل از روشمندی اجتهاد برای پذیرش همجنس‌گرایی در چهارچوب فقهی و الهیاتی استفاده شود و این روش را «فهم پارادایم اجتهادی از گرایش و کنش جنسی دو همجنس» می‌نامد. او به این ترتیب پیشنهاد می‌دهد که برای بررسی مسأله همجنس‌گرایی در چهارچوب الهیات رهایی‌بخش اسلامی، از مبانی کلان و اصول عام پارادایمی بهره گرفته شود که جنبه اجتهادی نیز دارند تا به این ترتیب این تولید دانش درصدد برساختن مدلی برای پذیرش همجنس‌گرایی باشد که با «فلسفه اجتهاد» قابل توضیح باشد و «امکان برقراری زمینه گفتمانی با فرایندها و روش‌های سنتی دین‌فهمی را فراهم سازد».

امامان همجنس‌گرا

سنت حمایتی روحانیون شیعه از مؤمنان دگرباش جنسی به جز حمایت فتوای آیت‌الله خمینی از تغییر جنسیت، وجود نداشته است. همچنین روحانیونی وجود ندارند که اعلام کرده باشند همجنس‌گرا هستند. به همین دلیل حمایت‌های روحانیون از مؤمنان مسلمان محدود به حمایت امامان سنی است. در عرف اهل سنت به روحانیون مذهبی‌ای که دانش دینی دارند و نقش رهبری جامعه‌های کوچک مسلمانان را چه در محلات و چه در سطوح وسیع‌تر به عهده می‌گیرند و معمولاً هم در مساجد محلی پیش‌نماز هستند، لقب امام داده می‌شود.

امامان اهل سنت که تا این روز از گرایش‌های جنسی دگرباش جنسی حمایت کرده‌اند، همگی امامان سنی بوده‌اند که حوزه جغرافیایی فعالیت آن‌ها یا کشورهای غربی است و یا کشورهایی که همجنس‌گرایی جرم‌انگاری نشده و یا همجنس‌گرایان مورد تعقیب قانونی قرار نمی‌گیرند. این امامان، بر خلاف الهیات‌دان‌هایی که در این جزوه مطرح شدند، تاکنون سعی نکرده‌اند که بنیان فقهی در چالش مواضع جریان اصلی فقه‌های اسلامی نسبت به همجنس‌گرایی ارائه کنند. نقش این امامان بیشتر حمایت از جوامع دگرباش جنسی مسلمان و ارائه کمک‌های معنوی و سرویس‌های مذهبی به این جوامع بوده است.

در میان امامان همجنس‌گرای سنی دو نفر، دایی عبدالله در آمریکا و محسن در آفریقای جنوبی، بیشتر مطرح هستند. دایی عبدالله نوکیش مسلمانی است که در دوران بحران ایدز در سال‌های ۱۹۸۰ در آمریکا با جامعه مسلمانان همجنس‌گرای ساکن آمریکا بیشتر مرتبط شد. او که برای برگزاری مراسم خاک‌سپاری مسلمانان همجنس‌گرا که از بیماری ایدز جان سپرده بودند، خوانده می‌شد، به تدریج توانست جایگاه خود را میان جامعه دگرباشان جنسی مسلمان ساکن آمریکا پیدا کند. عبدالله پس از گرویدن به اسلام در مدارس علمیه در مصر، اردن و سوریه تحصیل کرده است. هر چند به‌عنوان یک مرد همجنس‌گرا در آمریکا، امامی سنی است که از گوناگونی‌های گرایش جنسی

و هویت جنسیتی حمایت می‌کنند و نیازهای معنوی مؤمنان دگرباش جنسی را برآورده کرده و از آن‌ها پشتیبانی می‌کند. امام دایی عبدالله سرویس‌های مذهبی مورد نیاز زوج‌های همجنس‌گرا را نیز ارائه می‌دهد. او تاکنون در ۱۳ سال فعالیت خود به‌عنوان امام، بیش از ۵۰ خطبه عقد همجنس‌گراها را خوانده است.

لودویک محمد زاهد، که خود همجنس‌گرا و مبتلا به ویروس اچ‌آی‌وی است، از دیگر امامان سنی است که در سال ۲۰۱۳ مسجدهای را در فرانسه بنیاد نهاد که به دگرباشان جنسی این کشور، سرویس‌های مذهبی ارائه کند. زاهد که در الجزایر متولد شده، به همراه خانواده‌اش به فرانسه مهاجرت کرده است و راه پر فراز و نشیبی را طی کرده تا با دین خود آشتی کند. زاهد که رشته روان‌شناسی و انسان‌شناسی خوانده است، بعدها به علوم دینی علاقه‌مند می‌شوند و بر خلاف دایی عبدالله تحصیلات حوزوی ندارد. امامت او بیشتر جنبه اجتماعی و حمایتی از جامعه دگرباشان جنسی فرانسه دارد.

در میان امامان همجنس‌گرای سنی دو نفر، دایی عبدالله در آمریکا و محسن در آفریقای جنوبی، بیشتر مطرح هستند. دایی عبدالله نوکیش مسلمانی است که در دوران بحران ایدز در سال‌های ۱۹۸۰ در آمریکا با جامعه مسلمانان همجنس‌گرای ساکن آمریکا بیشتر مرتبط شد. او که برای برگزاری مراسم خاک‌سپاری مسلمانان همجنس‌گرا که از بیماری ایدز جان سپرده بودند، خوانده می‌شد، به تدریج توانست جایگاه خود را میان جامعه دگرباشان جنسی مسلمان ساکن آمریکا پیدا کند.

محسن هندریکس هم نقشی مشابه با دایی عبدالله را در کشورش آفریقای جنوبی ایفا می‌کند. این روحانی خود نیز همجنس‌گراست. محسن هندریکس بیش از امامان همجنس‌گرای دیگر با بنیان‌های فقهی‌ای که همجنس‌گرایی را در اسلام قبیح می‌داند درگیر شده است و مقالات بسیاری در مورد این که همجنس‌گرایی در اسلام قبیح ندارد نوشته است. او همچنین در کارگاه‌های مختلف در سطح جهان شرکت می‌کند و پیام خود را به دیگر جوامع مسلمان می‌رساند. محسن هندریکس در یک خانواده مسلمان مذهبی در آفریقای جنوبی به دنیا آمده است. پدر بزرگش امام یکی از برجسته‌ترین مراکز مذهبی و مساجد کیپ تاون بود. خود هندریکس مطالعات اسلامی خود را در پاکستان دنبال کرده و به پایان رسانده است. او از منظر عدالت به آیات قرآنی نگاه می‌کند و بر این باور است که مجازات‌هایی که جریان اصلی فقه برای همجنس‌گرایی مشخص کرده، دور از عدالت الهی است. او همچنین به مانند الهیات‌دان‌های اسلامی که در حمایت از همجنس‌گرایی نوشته‌اند بر این باور است که هیچ‌جا در قرآن این حکم را نمی‌توان یافت که همجنس‌گرایی ممنوع است. او نیز مجازات قوم لوط را هم به خاطر تجاوز به عنف می‌داند نه رابطه جنسی با همجنس.



About Us

About IGLHRC: The International Gay and Lesbian Human Rights Commission (IGLHRC) is a leading international organization dedicated to human rights advocacy on behalf of people who experience discrimination or abuse on the basis of their actual or perceived sexual orientation, gender identity or expression. IGLHRC was founded in 1990, and incorporated as a non-profit organization in 1991. Since 2010, IGLHRC has been accredited by the United Nations Economic and Social Council with consultative status with the international organization. IGLHRC's headquarters is located in New York, United States, with staff and offices in Asia, Africa, and Latin America.

About IGLHRC's Iran Project: The mission of IGLHRC's Iran Project is to help fight against widespread homophobia in Iran that has been long promoted, glorified, and institutionalized within various legal, political, cultural, and social frameworks. IGLHRC has worked with Iranian LGBT community members, allies, and experts to develop a set of activities and resources that can be used in the ongoing struggle for equality and justice. IGLHRC's Iran team welcomes your feedback and comments. You can communicate with us by email at iran@iglhrc.org.

Methodology

In the process of creating this publication, IGLHRC engaged in extensive consultation with LGBT Iranians, allies and experts, including around conceptual development, research, writing, and editing. Prior to finalization, this publication was sent to a panel of independent reviewers.

This manual was co-authored by an external expert and the staff of the IGLHRC Iran Project. The text was reviewed and edited by other IGLHRC staff and Iranian LGBT activists who contributed throughout the project's length. IGLHRC also benefited from feedback received from journalists from multiple media organizations who attended IGLHRC media trainings in May 2013.

Acknowledgements

For security reasons, most parties involved in this project cannot be named, however IGLHRC would like to thank and acknowledge them for their invaluable contributions. Special thanks also go to the activists, legal experts, and journalists who attended IGLHRC's convening in Düsseldorf, Germany in August 2012. Their contributions helped greatly in conceptualizing this publication and the IGLHRC Iran Project more broadly.



How to Discuss LGBT Issues

A Manual for Iranian Media Professionals

Unless otherwise indicated, all materials contained in this document are the property of the International Gay and Lesbian Human Rights Commission (IGLHRC) and may be reproduced, distributed, transmitted, displayed, published or broadcast for non-for-profit and/or educational purposes free of charge and without written consent from IGLHRC. Any reproduction of IGLHRC material should be done with proper acknowledgment and citation.

Copyright © 2015 by IGLHRC.

ISBN: 1-894256-61-2

Publisher's Cataloguing-in-publication Data

1. Society and Culture, Persian Society, Human Rights, LGBT Rights -- 21th century

I. Title.PK 6561.G33k3 2013

2015

<http://iglhrc.org/iran>

آزاد و برابر زاده شده ایم

گرایش جنسی و هویت جنسی بر
اساس قوانین بین المللی حقوق بشر



ملل متحد
نهاد حقوق بشر
دفتر کمیسر عالی

کتابچه آزاد و برابر زاده شده ایم را از سایت فارسی
ایگل هرک دریافت کنید.

www.iglhrc.org/iran



- خانه
- درباره ما
- انتشارات
- درباره دگرباش جنسی
- دفاع از حقوق دگرباشان جنسی
- مصاحبه‌ها و مقاله‌ها
- جستجو
- نقشه سایت

برای بازدید از سایت فارسی ایگل‌هرک کلیک کنید

www.iglhrc.org/iran



مصاحبه‌ها و مقاله‌ها

در این بخش شما می‌توانید مقالات، مصاحبه‌ها و یادداشت‌هایی را که توسط تیم ایگل‌هرک به زبان فارسی تهیه و منتشر شده است مطالعه فرمایید.

ادامه



جزوه‌های آموزشی ایگل‌هرک

در این بخش می‌توانید کتابچه‌هایی را بخوانید که ایگل‌هرک برای آموزش و آگاهی‌رسانی در زمینه مسائل مرتبط به دگرباشان جنسی (اعم از زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا یا...)

ادامه



همجنس‌گراها

صحبت از زندگی همجنس‌گراها و اینکه آنها در زندگی‌شان چه می‌کنند یا چه باید بکنند تا زندگی بهتری داشته باشند، هم به جامعه کمک می‌کند که مردم خود را بهتر...

ادامه

آثار دیگر از ایگل هرک

چگونه با تهدیدات اینترنتی مقابله کنیم
راهنمای آموزشی ویژه دگرباشان جنسی در ایران



این جزوه حاوی مطالبی سودمند جهت آشنا کردن کاربران اینترنت در ایران با مفاهیم و نیازهای اولیه برای بالابردن امنیت و محافظت از اطلاعات شخصی خود است.

آموزش حقوقی در جمع‌آوری دلایل و شواهد نقض حقوق اقلیت‌های جنسی در ایران

آموزش مستندسازی و پیگیری نقض حقوق دگرباشان جنسی



یک وکیل پایه یک دادگستری به همراه گروهی از کارشناسان در این کتابچه تلاش می‌کند تا روش‌های مناسب را برای این امر، یعنی مستندسازی و پیگیری نقض حقوق دگرباشان جنسی آموزش دهد.

چگونه در ایران از حقوق قانونی خود در جایگاه یک متهم همجنس‌گرا دفاع کنیم

راهنمای آموزشی ویژه دگرباشان جنسی در ایران



در این یادداشت کوتاه سعی می‌شود تا حد امکان با به‌کارگیری زبانی غیر حقوقی، برخی از پیچیدگی‌های قانونی که آگاهی از آنها می‌تواند به تأمین حقوق متهمان دگرباش جنسی در دادسراها و دادگاه‌ها و... در ایران کمک کند، توضیح داده شود.

راهنمای مؤثر حقوقی در دفاع از دگرباشان جنسی

راهنمای آموزشی ویژه کارشناسان حقوقی، وکلای دادگستری و فعالان حقوق بشر



این کتابچه، با هدف آگاهی‌بخشی به آن دسته از وکلا یا افرادی تنظیم شده است که در دادگستری‌ها، محاکم ایران یا سایر مراکز مرتبط کار می‌کنند و به طور عینی و واقعی، عملکرد فردی‌شان می‌تواند به شکست فضای همجنس‌گراهراسی در ایران کمک کند.



I G L H R C
INTERNATIONAL GAY AND LESBIAN
HUMAN RIGHTS COMMISSION

2015